

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت



اسلام و پژوهش های روان شناختی

اسلام و پژوهش های روان شناختی

فصل نامه علمی - ترویجی

سال دوم، شماره سوم، پیاپی ۶ پاییز ۱۳۹۵

مدیر مسئول: دکتر محمدجواد زارعان
جانشین سردبیر: عباس علی هراتیان

صاحب امتیاز: مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت
سردبیر: دکتر محمدرضا احمدی
مدیر اجرایی: هادی ارشاد حسینی

دورنگار: ۰۲۵۳۳۹۲۲۳۳۹
صندوق پستی: ۳۷۱۳۷۱۵۵۴۵
کد پستی: ۳۷۱۶۷۱۵۵۴۵

پست الکترونیکی: ipr@ueae.ir
پایگاه اینترنتی: ipr.ueae.ir
نشانی: قم، بلوار شهید صدوقی، خیابان شهید شهبازی، پلاک ۱۳

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

دانشیار، دانشگاه تهران
فاضل حوزوی، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت
فاضل حوزوی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
استاد تمام، دانشگاه بقیه الله عجل الله تعالی فرجه
فاضل حوزوی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
فاضل حوزوی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره
فاضل حوزوی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

دکتر هادی بهرامی احسان
حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدجواد زارعان
آیت الله سیدمحمد غروی راد
دکتر علی فتحی آشتیانی
حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد کاویانی ارانی
حجت الاسلام و المسلمین دکتر رحیم نارویی نصرتی
حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمود نوذری

براساس مصوبه شورای اعطای مجوزها و امتیازهای عملی و در طی نامه شماره ۲۰۲ به تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۵ درجه علمی
فصل نامه از علمی-تخصصی به علمی-ترویجی ارتقا یافت.

این فصل نامه در پایگاه اطلاع رسانی SID، Noormags و پرتال جامع علوم انسانی نمایه شده است.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش مقالات

مقدمه

فصلنامه «اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی» فصلنامه‌ای علمی و چندرشته‌ای است که با هدف ارائه نتایج مطالعات و پژوهش‌های علمی، فراهم آوردن زمینه تبادل افکار و اطلاعات، ترویج مباحثات علمی بین پژوهشگران و محققان حوزه‌های مختلف علمی: روان‌شناسی، مشاوره، مددکاری اجتماعی، تعلیم و تربیت، دین و ... منتشر می‌شود. این فصلنامه در گستره مسایل روان‌شناختی، در دو سطح بنیادی و کاربردی، مقاله‌هایی را می‌پذیرد که از ساحت دینی نیز برخوردار باشند. فصلنامه، به زبان فارسی منتشر می‌شود.

نوع مقالات مورد پذیرش

- گزارش یک پژوهش علمی؛
- تحلیل علمی با هدف ارائه مفاهیم و الگوهای جدید؛
- نقد علمی مقالات منتشر شده در فصلنامه (در قالب نامه به سردبیر)؛
- گزارش کوتاه علمی؛
- مطالعه موردی؛

ساختار مقاله بایستی به شرح زیر تنظیم و ارسال گردد

- عنوان مقاله: عنوان باید گویا و کوتاه باشد.
- نام، نام خانوادگی، مرتبه علمی، وابستگی سازمانی و ایمیل پژوهشگر/پژوهشگران؛
- چکیده: در این قسمت، مطالب اصلی مقاله شامل هدف، روش، یافته‌ها و نتیجه‌گیری به صورت فشرده (حداکثر ۲۰۰ کلمه) بیان می‌شود.
- کلید واژه‌ها: از میان واژه‌های اصلی مقاله، بین ۳ تا ۵ واژه مشخص شوند.
- مقدمه: بیان مسأله، هدف، تبیین ضرورت انجام تحقیق و فرضیه‌ها (سؤال‌ها)؛
- روش: جامعه آماری، روش نمونه‌برداری، گروه نمونه، ابزار(های) پژوهش، فرایند اجرای پژوهش و روش تحلیل داده‌ها؛
- یافته‌ها: یافته‌های حاصل از روش‌های آماری، جدول‌ها (شماره و عنوان در بالای آن) و نمودارها (شماره و عنوان در زیر آن). کلیه جدول‌ها و نمودارها باید به زبان فارسی تهیه شوند.
- بحث و نتیجه‌گیری: نتیجه‌گیری، مقایسه یافته‌های پژوهشی با پیشینه پژوهش و تبیین آن‌ها؛
- منابع (شامل منابع فارسی و لاتین): ارائه کامل کلیه منابعی که در متن مقاله از آن‌ها استفاده و به آن‌ها ارجاع شده است. تنظیم منابع، مطابق الگوی راهنمای APA به شرح ذیل انجام شود:

- کتاب: نام خانوادگی، نام (سال انتشار اصلی). عنوان کتاب، شماره جلد، نام و نام خانوادگی مترجم، سال انتشار ترجمه، نوبت چاپ، محل انتشار: انتشارات.
 - مقاله: نام خانوادگی، نام (سال انتشار). «عنوان مقاله»، نام نشریه، سال / دوره، شماره، صفحات.
 - پایان نامه: نام خانوادگی، نام (سال انتشار). عنوان پایان نامه، پایان نامه کارشناسی ارشد / دکترا، رشته، دانشگاه.
 - گزارش: نام سازمان (سال انتشار). «نام گزارش».
 - اینترنت: نام خانوادگی، نام (تاریخ اخذ مطلب): نشانی کامل سایت.
- ضمائم (در صورت لزوم)

نکات قابل توجه در ارائه مقالات

۱. مقاله ارسالی نباید قبلاً در جای دیگری به چاپ رسیده باشد و نیز نباید به طور همزمان برای بررسی و چاپ به مجله دیگری ارسال شده باشد.
۲. مقاله باید با نرم افزار Word Microsoft، قلم Mitra، اندازه ۱۴ و فاصله خطوط ۱، تهیه و به وسیله پایگاه اینترنتی و پست الکترونیکی، برای فصلنامه ارسال شود. شماره تلفن برای دسترسی آسان و سریع دفتر مجله به نویسنده مسؤول مقاله نیز قید گردد.
۳. حجم مقاله از ۹۰۰۰ کلمه بیشتر نباشد.

ملاحظات

- فصلنامه در رد، اصلاح یا ویرایش مقاله آزاد است.
- اصطلاحات علمی و اسامی خاص مقاله‌ها مطابق روش فصلنامه یکسان‌سازی می‌شود.
- مسؤولیت صحت و محتوای مقاله و حفظ حقوق دیگر مؤلفان بر عهده نویسنده مسؤول آن است.

فهرست مطالب

۷ ساخت و اعتباریابی مقیاس پایبندی به حجاب

محمد زارعی توپخانه / عباس علی هراتیان / هادی ارشاد حسینی / محمدصادق شجاعی

۱۹ چشم‌انداز شکل‌گیری روان‌شناسی بر اساس مبانی قرآنی: رویکردی مقایسه‌ای - تحلیلی.....

رحیم ناروئی نصرتی

۳۷ مدل ساختاری روان‌آزردگی: نقش روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه، حرص و حسادت.....

سیدعباس ساطوریان / حسین رضائیان / علی صادقی سرشت / انسیه رضایی گل‌آبادی

۵۹ از خداآگاهی تا خودمهارگری؛ آزمون یک مدل با کاربرد تحلیل مسیر

عبدالله رحیمی / رحیم میردربکوندی / مسعود نورعلیزاده میانجی

۸۱ نقش واسطه‌ای خودمهارگری در رابطه دلبستگی به خدا با کارکرد خانواده در میان متأهلین شهر قم

احمد عرفانی / باقر غباری بناب / حمید رفیعی هنر

۹۷ نقش عمل به باورهای دینی در پیش‌بینی خودکارآمدی و امید به زندگی زنان مطلقه

اسماعیل اسدیپور / عبدالرحیم کسائی / شیماسادات برقی

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵، ص ۷ - ۱۸

ساخت و اعتباریابی مقیاس پایبندی به حجاب

Constructing and Validating the Scale of Committing to Hijab

محمد زارعی توپخانه / دانشجوی دکتری روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

عباس‌علی هراتیان / دانشجوی دکتری روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

هادی ارشاد حسینی / کارشناسی ارشد روان‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

محمدصادق شجاعی / استادیار جامعه‌المصطفی‌العالمیه، پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی

Mohammad Zarei Tupkhneh / PhD Student of Psychology, RIHU. mohammad358z@yahoo.com

Abbas Ali Haratiyan / PhD Student of Psychology, RIHU.

Hadi Irshad Husseini / MA of Psychology, IKI.

Muhammad Sadeq Shuja'i / Assistant Professor of Psychology, MIU.

ABSTRACT

The present study aims at designing, constructing and validating the scale of committing to hijab based on the teachings of the Holy Quran and hadiths of the Prophet's Household. To do so, first we classified and conceptualized the related verses and hadiths. After the steps of making assessments, a ten-item questionnaire was handed out among 385 female high school students selected through random cluster sampling. The findings showed that the scale has two factors of "attitude towards hijab" and "committing to hijab" with a desirable internal consistency (Cronbach's $\alpha = 0.812$). The reliability of the questionnaire was obtained through split-

چکیده

هدف این پژوهش، طراحی، ساخت و اعتباریابی مقیاس پایبندی به حجاب بر اساس آموزه‌های قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام بوده است. برای این منظور، ابتدا آیات و روایات مرتبط مورد مطالعه، دسته‌بندی و مفهوم‌سازی قرار گرفت و پس از طی مراحل سنجه‌سازی، در ضمن پرسشنامه‌ای ۱۰ گویه‌ای بین ۳۸۵ نفر دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شده بودند، اجرا شد. یافته‌ها نشانگر آن است که مقیاس دارای دو عامل نگرش به حجاب و پایبندی به حجاب بوده و از همسانی درونی مطلوبی برخوردار است (آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۱۲).

حجاب را پوشش زنان در برابر نامحرم دانسته است (غروی نائینی و عامری، ۱۳۸۶). مفهوم دیگر، حجاب به معنای پوشش اسلامی بانوان، دارای دو بُعد ایجابی و سلبی است. بُعد ایجابی آن وجود پوشش بدن و بُعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است. این دو بُعد باید در کنار یکدیگر باشند تا حجاب اسلامی محقق شود (مطهری، ۱۳۹۰). بنابراین، منظور از حجاب در آیات و روایات این است که زن اندام و زینت خود را از نامحرم بپوشاند و از هرگونه رفتار تحریک‌آمیز اجتناب نماید (حق‌شناس، ۱۳۸۶). از مجموعه آیات قرآن استفاده می‌شود که مراد از حجاب اسلامی، پوشش و رعایت حریم با نامحرم در انحای مختلف است (رجبی، ۱۳۸۹). این مسئله نحوه پوشش، نگاه، حرف زدن و راه رفتن را شامل می‌شود (اسلامی‌علی‌آبادی و مهرابی‌راد، ۱۳۹۴). به نظر می‌رسد مفهوم حجاب به معنای اول و جنبه ایجابی سازگارتر است و جنبه سلبی آن با مسئله عفت و عدم جلوه‌گری همخوانی بیشتری دارد. همچنین معنای اول از نظر لغوی و فقهی تأیید می‌شود. براین اساس، در این پژوهش مفهوم اول مورد استفاده قرار گرفته است.

قرآن کریم اهمیت و ضرورت حجاب را با تعابیری خاص به کار برده است. برای نمونه، «خَيْرُ لَهْنٍ» (نور: ۶۰) و «أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» (احزاب: ۵۳) و «أَزْكَى لِهِنَّ» (نور: ۳۰) و «فَلَا يُؤْذِنَنَّ» (احزاب: ۵۹). این تعابیر گویای این مطلب است که از منظر آیات قرآن، حجاب سلامت روانی، اجتماعی، معنوی افراد جامعه را به دنبال دارد.

بررسی ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که مسئله حجاب در پژوهش‌ها نیز اهمیت زیادی دارد. عظیمیان و بهشتی (۱۳۸۸) به بررسی فلسفه و قلمرو حجاب در اسلام و آثار تربیتی آن پرداخته‌اند و مهم‌ترین آثار حجاب را در زمینه فردی، مصونیت، آرامش و امنیت زن و در بُعد خانوادگی، استحکام و ثبات خانواده و در بُعد اجتماعی، سلامت اخلاق می‌دانند. رجبی (۱۳۸۹) در پژوهش خود دریافت دانشجویانی که حجاب برتر (چادر) دارند؛ شادکامی و رضایت بیشتری از زندگی دارند. فاضلیان (۱۳۸۹) نشان داد که بین نوع حجاب زنان و میزان امنیت اجتماعی آنها و نوع تهدیدات وارده به آنها و احساس امنیت فردی آنها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. تحقیق انجام شده توسط احمدی، بیگدلی، مرادی و سیداسماعیلی (۱۳۸۹) نشان می‌دهد که اعتقاد به حجاب با کاهش آسیب‌پذیری رابطه تنگاتنگی دارد. کاوندی و اتنصارفومنی (۱۳۸۹) نشان دادند که بین حجاب و مصونیت اجتماعی و سلامت روانی زنان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. رجبی (۱۳۹۰) دریافت که بین حجاب و سلامت روان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. زارعی توپخانه، مرادیانی و هراتیان (۱۳۹۳) دریافتند که افزایش پایبندی به حجاب با بهبود تصور از خود و افزایش سلامت روان رابطه وجود دارد. اندرسون^۱ (۲۰۰۷) به بررسی کارکردهای مهم حجاب در بین زنان مسلمان ایالات متحده صورت پرداخته است. وی نشان داد که حجاب، عامل هویت دینی، کنترل رفتار، ایجاد ارتباطات نزدیک خانوادگی، قابلیت احترام بیشتر و ایجاد آزادی است. پژوهش محمود^۲ و سومی^۳ (۲۰۱۰) در انگلستان

نشان می‌دهد که مردان مسلمان، زنان محجبه را زیباتر و بازکوت‌تر ارزیابی می‌کنند.

برای عینی‌سازی و اندازه‌گیری کمی مفاهیم، ساخت مقیاس مورد استفاده قرار می‌گیرد. مطالعه ادبیات پژوهش نشان می‌دهد در ارتباط با حجاب و پوشش مقیاس‌های متعددی ساخته شده است. برخی از این مقیاس‌ها عبارتند از: پرسش‌نامه محقق ساخته سنجش نگرش به حجاب رجبی (۱۳۸۲)، پرسش‌نامه محقق ساخته مصونیت اجتماعی کاوندی و انتصار فومنی (۱۳۸۹) که در ۱۰ گویه به بررسی وضعیت حجاب و مصونیت اجتماعی پرداخته است. پرسش‌نامه نگرش به حجاب برتر رجبی (۱۳۸۹) که در ۲۰ گویه سه دسته حجاب برتر، حجاب متوسط و بدحجاب را می‌سنجد. پرسش‌نامه محقق ساخته عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب شارع‌پور، تقوی و محمودی (۱۳۹۱) ۶۹ گویه دارد. پرسش‌نامه عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب از خوش‌فر، باقری، برزگر و نورمحمدی (۱۳۹۴)، عوامل فردی، اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی، فرهنگی را می‌سنجد. پرسش‌نامه محقق ساخته حجاب سرمدی، اسماعیلی، شیربیگی و مرادی (۱۳۹۴) دارای ۲۸ گویه است و موانع حجاب و نگرش به حجاب را می‌سنجد. پرسش‌نامه نگرش به حجاب محمدی و قدسی (۱۳۹۵) در بین زنان بالای ۱۵ سال شهر ایلام انجام شده است. بازبینی پژوهش‌های بومی انجام شده در این موضوع نشان می‌دهد که منابع غنی اسلامی، کمتر با نگاه روان‌شناختی تبیین شده‌اند و اغلب پرسش‌نامه‌های موجود محقق ساخته بوده و از اعتبار و روایی مناسبی برخوردار نبوده‌اند. در برخی موارد، دو بُعد ایجابی و سلبی حجاب به طور همزمان مورد غفلت قرار گرفته است. بعضی پژوهش‌ها ابعاد خاصی مانند نگرش‌ها را مورد مطالعه قرار داده‌اند. از این رو، تلاش برای ساختن ابزار بومی و مناسب به منظور سنجش حجاب از منظر اسلام، ضروری به نظر می‌رسد. این پژوهش تا حدودی می‌تواند خلأ موجود در این زمینه را با ارائه یک مقیاس اسلامی برطرف کند و زمینه‌ساز پژوهش‌های بعدی باشد. بنابراین، این پژوهش با نگرش روان‌شناختی و با توجه به دو بُعد ایجابی و سلبی مفهوم حجاب درصدد ساخت مقیاس پایبندی به حجاب است و به پرسش‌های زیر پاسخ می‌دهد.

- آیا می‌توان بر اساس گزاره‌های اسلامی (آیات قرآن و روایات) مقیاسی علمی برای سنجش

پایبندی به حجاب ارائه کرد؟

- میزان روایی مقیاس پایبندی به حجاب چه مقدار می‌باشد؟

- میزان اعتبار مقیاس پایبندی به حجاب چه مقدار می‌باشد؟

روش پژوهش

این پژوهش از نوع بنیادین نظری است و روش پژوهش از روش تحلیل محتوای دینی و همبستگی استفاده شده است. برای جمع‌آوری آموزه‌های دین درباره حجاب، با استفاده از روش تحلیل محتوا داده‌های مورد نیاز استخراج، سپس دسته‌بندی و مورد بررسی قرار گرفت.

جامعه آماری پژوهش دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه شهرستان رباط‌کریم تهران است. حجم نمونه مورد پژوهش ۳۸۵ نفر است که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی به دست آمد. به این صورت که ابتدا یک بخش از شهرستان مذکور انتخاب گردید و سپس از بین دبیرستان‌های موجود ۴ دبیرستان انتخاب شد. پرسش‌نامه‌ها در بین دانش‌آموزان مدارس منتخب به اجرا درآمد. داده‌ها جمع‌آوری شده و پرسش‌نامه‌های کامل مورد استفاده قرار گرفت. جامعه آماری این پژوهش، بر اساس آزمون کفایت نمونه‌برداری، این تعداد نمونه جهت انجام تحلیل عاملی معنادار می‌باشد.

ابزار پژوهش

مقیاس پژوهشگرساخته پایبندی به حجاب: این مقیاس نخستین بار توسط پژوهشگران جهت سنجش پایبندی به حجاب بر اساس منابع اسلامی طراحی و ساخته شده است. فرایند ساخت این مقیاس به شرح ذیل می‌باشد.

مرحله اول. شناسایی و مطالعه منابع اسلامی مربوط به حجاب و پوشش، دسته‌بندی، اولویت‌بندی و ثبت و مفهوم‌سازی آنها. در این مرحله، آیات و روایاتی از اهل بیت علیهم‌السلام که به توصیف، علت‌شناسی و تبیین آثار مفهوم حجاب پرداخته‌اند، بررسی شد.

مرحله دوم. بررسی تطابق مستندات با مفاهیم: در این مرحله، میزان تطابق گزاره‌های دینی با مفاهیم به معرض رأی ۱۳ نفر از کارشناسان علوم اسلامی (سطوح عالی حوزه) و روان‌شناسی (کارشناسی ارشد و دکتری) درآمد که نظر خود را در جدولی با لیکرت ۵ درجه‌ای درج کردند.

مرحله سوم. طراحی گویه‌ها بر اساس مفاهیم، مستندات و ارائه آنها به کارشناسان برای سنجش روایی محتوا: گویه‌های اولیه مقیاس پایبندی به حجاب شامل ۱۲ عبارت بود که برای مفهوم پایبندی به حجاب طراحی گردید. سپس، برای بررسی روایی وابسته به محتوا، از دیدگاه ۱۳ نفر از کارشناسان علوم اسلامی (سطوح عالی حوزه) و روان‌شناسی (کارشناسی ارشد و دکتری) استفاده شد. آنها با استفاده از یک لیکرت ۵ درجه‌ای میزان موافقت یا مخالفت‌شان را اعلام نموده و گویه پیشنهادی خود را ثبت نمودند.

مرحله چهارم. ارائه گویه‌های برگزیده و ارائه آنها به کارشناسان برای سنجش نهایی روایی محتوا: در این مرحله از میان ۱۲ گویه ارائه شده در مرحله قبل و گویه‌های پیشنهادی کارشناسان (در مورد مفاهیمی که گویه‌های آنها، امتیاز قابل قبولی کسب نکردند)، ۱۰ گویه دارای امتیاز مساوی یا بالاتر از ۴ (۷۵ درصد)، انتخاب شد و مجدداً جهت دریافت روایی محتوا، با استفاده از لیکرت ۵ درجه‌ای، در معرض نظر ۱۳ نفر از کارشناسان علوم اسلامی (سطوح عالی حوزه) و روان‌شناسی (کارشناسی ارشد و دکتری) قرار گرفت. مرحله پنجم. اجرای گسترده: در این مرحله آزمون ۱۰ گویه‌ای، در میان ۴۰۰ نفر اجرا شد که پس از

کنار گذاشتن پاسخ‌های ناقص، ۳۸۵ پاسخ‌نامه وارد مرحله تحلیل شد. با استفاده از داده‌ها و مبانی مربوط به پابندی به حجاب، بر اساس آیات و روایات و با مطالعه کتاب‌ها و پژوهش‌های روان‌شناسی در این موضوع، به ویژه در زمینه آزمون‌سازی، ساخت مقیاس پابندی به حجاب در دستور کار قرار گرفت. در این بخش، برای سنجش و اندازه‌گیری پابندی به حجاب با توجه به مؤلفه‌های به دست آمده، آزمونی اولیه طراحی و ساخته شد. برای گردآوری اطلاعات، محقق با مراجعه به کلاس‌های دانش‌آموزان دبیرستانی که پیش‌تر به طور تصادفی خوشه‌ای انتخاب شده بودند و با ارائه توضیحات لازم درباره اهداف پژوهش و نحوه پاسخ‌دهی به پرسش‌های آزمون، پرسش‌نامه به آزمودنی‌ها ارائه و از آنها خواسته شد پس از خواندن شیوه‌نامه کتبی آن، با دقت به گزاره‌ها پاسخ دهند. ۴۰۰ پرسش‌نامه توزیع شده، با توجه به برگرداندن برخی و ناقص بودن بعضی، در نهایت تعداد ۳۸۵ پرسش‌نامه، به کمک برنامه SPSS نمره‌گذاری و تجزیه و تحلیل شد. در این پژوهش، داده‌ها با استفاده از چند شاخص آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. در بخش توصیفی، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از جداول و نمودارهای فراوانی و شاخص‌های مرکزی استفاده شد. در بخش استنباطی، علاوه بر شاخص‌های مرکزی، برای بررسی رابطه بین متغیرها، شاخص همبستگی مورد استفاده قرار گرفت. جهت بررسی روایی سازه از تحلیل عاملی به روش اکتشافی و برای محاسبه ضریب همسانی درونی یا اعتبار از محاسبه آلفای کرونباخ و روش دونیمه‌سازی استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

در مرحله اول و دوم، مفهوم پابندی به حجاب به دست آمد که همراه با مستندات، مورد بررسی کارشناسان قرار گرفت. پس از حذف مفاهیمی که نمره‌ای کمتر از ۷۵ درصد دریافت کردند، ۱۲ گویه طراحی شد. سپس در معرض نظر کارشناسان گذاشته شد و از آنها خواسته شد ضمن دادن امتیاز به گویه‌های موجود، گویه‌های پیشنهادی خود را نیز ثبت نمایند. حاصل این مرحله، انتخاب ۱۰ گویه دارای امتیاز مساوی یا بالاتر از ۷۵ درصد بود. در مرحله چهارم، ۱۰ گویه مذکور، جهت دریافت روایی محتوا، با استفاده از لیکرت ۵ درجه‌ای، در معرض نظر کارشناسان قرار گرفت. میزان موافقت کارشناسان نسبت به تطابق گویه‌ها با مفاهیم در دامنه‌ای بین ۸۷/۱۵ درصد تا ۹۶/۷۶ درصد و با میانگین کل ۹۵ درصد و انحراف استاندارد ۸/۱۲ است. از این رو، این مقیاس از روایی محتوایی مناسبی برخوردار است.

اجرای مرحله پنجم نشان داد که از مجموع ۳۸۵ شرکت‌کننده دختر دبیرستانی میانگین ۱۸ سال داشته‌اند. در این مرحله، پس از اجرای نهایی مقیاس در میان ۳۸۵ نفر از شرکت‌کنندگان، برای سنجش روایی سازه و نیز شناسایی و تعیین عوامل تشکیل‌دهنده مقیاس، از روش تحلیل عاملی

اکتشافی استفاده شد. پیش از اجرای تحلیل عوامل، برای اینکه معلوم شود حجم نمونه انتخاب شده، متناسب روش تحلیل عاملی می‌باشد، از آزمون کرویت بارتلت^۱ و کفایت نمونه‌برداری به روش KMO^۵ استفاده شد که اطلاعات آن در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. آزمون کرویت بارتلت و کفایت نمونه‌برداری

کفایت نمونه‌برداری به روش KMO		
۰/۸۴۷		
۸۵۱/۸۸۷	خی‌دو	
۲۸	درجه آزادی	آزمون کرویت بارتلت
۰/۰۰۰۱	سطح معناداری	

در جدول ۱، نتایج آزمون بارتلت و کفایت نمونه‌برداری ارائه شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، شاخص کفایت نمونه‌برداری برابر با ۰/۸۴۷ می‌باشد. در نتیجه، حجم نمونه مورد نظر برای تحلیل عوامل مناسب است. همچنین نتایج آزمون کرویت بارتلت با درجه آزادی ۲۸ و مجذور کای با ۸۵۱/۸۸۷ در سطح $P < 0.001$ معنادار است. بنابراین ماتریس همبستگی، تفاوت معناداری با همبستگی صفر دارد و براین اساس، انجام تحلیل عاملی اکتشافی قابل توجیه باشد.

نتایج تحلیل اعتبار جهت مشخص شدن گویه‌های مناسب برای ورود به تحلیل عاملی نشان داد که با حذف ۲ گویه، اعتبار مقیاس (آلفای کرونباخ) به حداکثر خود خواهد رسید. در جدول ۲ میانگین و انحراف استاندارد ۸ گویه، همبستگی با نمره کل و تأثیر حذف هر یک از گویه‌ها در آلفای کرونباخ ارائه شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود میان گویه‌ها با نمره کل مقیاس همبستگی‌های معناداری در سطح $P < 0.01$ در دامنه‌ای از $r = 0.422$ (گویه شماره ۲) تا $r = 0.612$ (گویه شماره ۴) وجود دارد.

جدول ۲. مشخصه‌های آماری گویه‌های مقیاس پایبندی به حجاب، همبستگی گویه‌ها با نمره کل و تأثیر حذف هر یک از گویه‌ها در آلفای کرونباخ (n=۳۸۵)

گویه	M	SD	همبستگی با نمره کل	آلفای کرونباخ در صورت حذف گویه
q۱	۴/۳۴	۰/۸۳	**۰/۴۴۳	۰/۸۰۱
q۲	۴/۲۶	۰/۸۲	**۰/۴۲۲	۰/۷۹۶
q۳	۳/۷۸	۱/۱۰	**۰/۴۲۸	۰/۷۹۲
q۴	۳/۷۴	۱/۴۱	**۰/۶۱۲	۰/۷۷۳
q۵	۴/۳۷	۰/۹۲	**۰/۵۶۱	۰/۷۸۵
q۶	۴/۱۶	۱/۰۹	**۰/۵۱۰	۰/۷۹۱
q۷	۳/۸۱	۱/۱۷	**۰/۵۴۰	۰/۷۸۱
q۸	۳/۱۱	۱/۳۲	**۰/۵۶۶	۰/۸۰۱

** $P < 0.01$

جهت بررسی روایی درونی مقیاس، از روش دونیمه‌سازی استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ قابل مشاهده است.

جدول ۳. آزمون دونیمه‌سازی جهت بررسی روایی درونی مقیاس

۰/۶۹۴	مقدار	نیمه اول	آلفای کرونباخ
۴	تعداد گویه‌ها		
۰/۷۰۶	مقدار	نیمه دوم	
۴	تعداد گویه‌ها		
۸	مجموع تعداد گویه‌ها		
۰/۶۴۱	ضریب همبستگی بین دو فرم		
۰/۷۸۱	تساوی تعداد گویه‌ها		ضریب اسپرمن - براون
۰/۷۸۱	عدم تساوی تعداد گویه‌ها		
۰/۷۸۰	ضریب دونیمه‌سازی گاتمن		

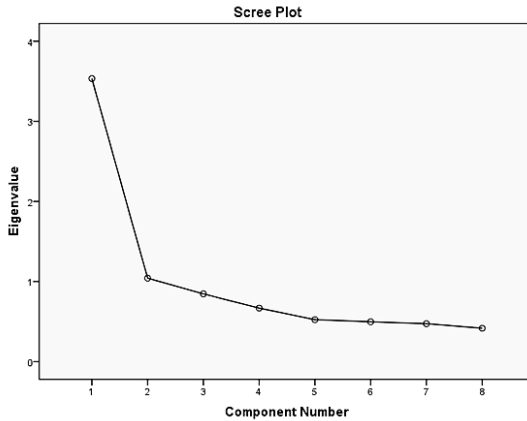
بر اساس نتایج به دست آمده از ضریب آلفای نیمه اول (۰/۶۹۴)، ضریب نیمه دوم (۰/۷۰۶)، ضریب همبستگی بین دونیمه (۰/۶۴۱) و مقدار ضریب دونیمه‌سازی گاتمن (۰/۷۸۰)، می‌توان گفت مقیاس پایبندی به حجاب از روایی درونی مناسبی برخوردار است. به منظور تعیین تعداد عامل‌ها ابتدا از ملاک ارزش‌های ویژه بزرگ‌تر از ۱ استفاده شد. برای اجتناب از دقت پایین در نتایج خروجی و نیز با توجه به نمودار اسکری که ارزش ویژه در بخش نزولی با شیب تند و قبل از تبدیل شدن به سطح افقی را کمی بالاتر از عدد ۱ نشان می‌دهد، ارزش ویژه در مرحله دوم نیز بزرگ‌تر از ۱ انتخاب شد. جدول ۴ ماتریس عوامل را پس از چرخش به همراه بار عاملی هر یک از گویه‌ها نشان می‌دهد.

جدول ۴. ماتریس عوامل پس از چرخش متعامد به شیوه واریماکس به همراه بار عاملی هر یک از گویه‌ها

بارعاملی	عبارت / عامل	گویه
	عامل اول: نگرش نسبت به حجاب^۱	
۰/۷۶۹	معتقد بانوان با حجاب، زیباترند	۷
۰/۷۵۱	معمولاً در جامعه از چادر استفاده می‌کنم	۸
۰/۷۲۹	چادر را حجاب برتر می‌دانم	۴
۰/۶۱۵	معتقدم حجاب از آسیب‌های اجتماعی جلوگیری می‌کند	۶
۰/۵۲۸	معتقدم حجاب برای زنان مفید است	۵
	عامل دوم: پایبندی به حجاب^۲	
۰/۷۶۲	سعی می‌کنم در مقابل نامحرم، بجز گردی صورت و دست‌ها تا مچ، تمام بدنم را بپوشانم	۳
۰/۷۵۱	در مقابل نامحرم پوشش اسلامی را رعایت می‌کنم	۲
۰/۷۳۳	اصل حجاب را از مسلمات دین اسلام می‌دانم	۱

همان‌گونه که جدول ۴ آمده است، بار عاملی گویه‌ها در طیفی بین ۰/۷۶۹ تا ۰/۵۲۸ قرار دارد و نمایانگر ۲ عامل است. عامل اول، «نگرش نسبت به حجاب» است که ۵ گویه را به خود اختصاص داده و بار عاملی آنها در

دامنه ۰/۷۶۹ تا ۰/۵۲۸ قرار دارد. عامل دوم، «پابندی به حجاب» است که ۳ گویه را به خود اختصاص داده و بار عاملی آن بین ۰/۷۶۲ تا ۰/۸۳۳ است. شکل اسکری مربوط به عوامل، در نمودار ۱ قابل مشاهده است. عامل اول توانایی تبیین ۳۰/۵۷ درصد واریانس پابندی به حجاب و عامل دوم توان تبیین ۲۶/۶۳ درصد واریانس پابندی به حجاب را دارند. هر دو عامل، در جمع توان تبیین ۵۷/۲۱ درصد واریانس پابندی به حجاب را دارند.



نمودار ۱. نمودار اسکری برای تعیین عوامل

روش محاسبه آلفای کرونباخ، از دیگر روش‌های بررسی روایی درونی مقیاس است. نتایج این بررسی در مورد مقیاس و ۲ زیرمقیاس پابندی به حجاب، در جدول ۵ قابل مشاهده است.

جدول ۵. نتایج بررسی همسانی درونی با ضریب آلفای کرونباخ

عوامل	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ
نگرش نسبت به حجاب	۵	۰/۷۷۵
پابندی به حجاب	۳	۰/۶۸۴
کل مقیاس	۸	۰/۸۱۲

ضریب آلفای کرونباخ کل برابر با ۰/۸۱۲ محاسبه شد ($M=30/89$ و $SD=5/69$) که بیانگر همسانی درونی مناسب این مقیاس است. ضریب آلفای کرونباخ برای دو زیرمقیاس برابر ۰/۷۷۵ تا ۰/۶۸۴ است. جدول ۶ نشانگر رابطه بین عوامل با یکدیگر و با کل مقیاس است.

جدول ۶. همبستگی بین عوامل و کل مقیاس ($n=385$, $r > 0.1$, $P < 0.001$)

۳	۲	۱	
		۱	۱. کل مقیاس
	۱	۰/۷۶۴**	۲. نگرش نسبت به حجاب
۱	۰/۰۰۲	۰/۶۴۶**	۳. پابندی به حجاب

نتایج جدول ۶ نشان‌دهنده رابطه بسیار قوی عوامل با کل مقیاس است. ناچیز بودن همبستگی بین عوامل نیز گویای استقلال این عوامل از یکدیگر است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، ساخت آزمون پایبندی به حجاب بر اساس شاخص‌ها و ویژگی‌های استخراج‌شده از منابع معتبر اسلامی (قرآن و روایات) و همچنین استخراج ویژگی‌های روان‌سنجی آن بوده است. بدین‌منظور تمام آیات و روایات ناظر به مفاهیم نزدیک به آن، استخراج، دسته‌بندی و مفهوم‌سازی شده و وارد مرحله ساخت گویه شد. همراهی نظر کارشناسان خبره در سه مرحله تطابق مفاهیم با مستندات، تطابق گویه‌های با مفاهیم و مستندات و تطابق ۱۰ گویه نهایی با اهداف ساخت مقیاس، روایی محتوای این مقیاس را در سطح بالایی تأیید نمود. بعد از اجرای گسترده مقیاس در نمونه ۳۸۵ نفری دانش‌آموزان دختر دبیرستانی، نتایج روایی سازه بر اساس محاسبه آلفای کرونباخ کل مقیاس و هر گویه، نشان داد که حذف ۲ گویه از ۱۰ گویه، موجب رسیدن این ضریب اعتبار به حداکثر خود (۰/۸۱۲) خواهد بود. نتایج آزمون دونیمه‌سازی نیز قوت روایی درونی این مقیاس را مورد تأیید قرار داد. با تحلیل عاملی اکتشافی، ۲ عامل به دست آمد که همبستگی تمامی گویه‌ها و عوامل با نمره کل مقیاس، مثبت و معنادار بوده‌است.

نگرش به حجاب (عامل اول)، به معنای باور فرد نسبت به حجاب و پوشش برتر (چادر) را نشان می‌دهد و برای آن، جنبه زیباشناختی قائل است. چنین فردی معتقد است حجاب مناسب، برای سلامتی روانی و معنوی زنان مفید و ایشان را از برخی آسیب‌های اجتماعی محفوظ نگاه می‌دارد. پایبندی به حجاب (عامل دوم)، توصیف‌کننده افرادی است که رفتار ایشان در مورد پوشش، همبستگی بالایی با اعتقاداتشان در این زمینه دارد. ایشان حجاب را از قوانین مسلم و واضح دین اسلام می‌دانند و حدود شرعی پوشش نزد نامحرم را رعایت می‌کنند.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش: جامعه این پژوهش را دانش‌آموزان دختر دبیرستانی رباط‌کریم تهران تشکیل می‌دهند، تعمیم نتایج به دیگر جوامع دختران و زنان باید با احتیاط صورت پذیرد. از این‌رو، اجرای پرسش‌نامه در دو یا چند جامعه با فرهنگ‌ها و سنین مختلف و مجرد و متأهل پیشنهاد می‌گردد.

منابع

- «قرآن کریم»، (۱۳۷۸)، ترجمه مکارم شیرازی، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب.
- این منظور، محمد، (۱۴۱۴ق)، «لسان العرب»، بیروت: دارالحیا تراث العلمی.
- احمدی، خدابخش؛ بیگدلی، زهرا؛ مرادی، آزاده و سیداسماعیلی، فتح‌الله (۱۳۸۹)، «رابطه اعتقاد به حجاب و آسیب‌پذیری فردی، خانوادگی و اجتماعی»، علوم رفتاری، دوره چهارم، شماره ۲، ص ۹۷-۱۰۲.
- اسلامی علی‌آبادی، طاهره و مهرابی‌راد، لیلی (۱۳۹۴)، «حجاب از منظر قرآن»، در: اولین همایش ملی تربیت دینی، راهی به سوی تعالی، میبید: دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبید.
- حق شناس، سید جعفر (۱۳۸۶)، «حجاب در آیات قرآن با نگاهی به روایات»، کتاب زنان، سال نهم، شماره ۳۶، ص ۵۱-۸۸.
- احمدی، خدابخش؛ بیگدلی، زهرا؛ مرادی، آزاده و سیداسماعیلی، فتح‌الله (۱۳۸۹)، «رابطه اعتقاد به حجاب و آسیب‌پذیری فردی، خانوادگی و اجتماعی»، علوم رفتاری، دوره چهارم، شماره ۲، ص ۹۷-۱۰۲.
- اسلامی علی‌آبادی، طاهره و مهرابی‌راد، لیلی (۱۳۹۴)، «حجاب از منظر قرآن»، در: اولین همایش ملی تربیت دینی، راهی به سوی تعالی، میبید: دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبید.
- خوش‌فر، غلام‌رضا؛ باقری، فاطمه؛ برزگر، سمیه و نورمحمدی، لیلا (۱۳۹۴)، «بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب و راهکارهای ارتقاء آن»، فصل‌نامه مطالعات توسعه اجتماعی، فرهنگی، دوره سوم، شماره ۴، ص ۴۷-۷۳.
- رجبی، عباس (۱۳۸۲)، رابطه نگرش به حجاب و سطح اضطراب به‌عنوان اصلی‌ترین مؤلفه سلامت روانی در دختران دانش‌آموز پایه سوم مقطع متوسطه شهر قم و تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- رجبی، عباس (۱۳۹۰)، حجاب و نقش آن در سلامت روان، چ هشتم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- رجبی، سوران (۱۳۸۹)، «بررسی میزان رعایت حجاب برتر در دانشجویان و تأثیر آن بر شادکامی»، بانوان شیعه، سال هفتم، شماره ۲۵، ص ۷-۲۶.
- زارعی توپخانه، محمد، مرادیانی، سیده‌خدیجه و هراتیان، عباس‌علی (۱۳۹۳)، «رابطه بین متغیرهای پایبندی به حجاب، تصور از خود و سلامت روان»، سال هفتم، شماره ۳، ص ۸۱-۹۲.
- سرمدی، محمدرضا؛ اسماعیلی، زهرا؛ شیرینی، مریم و مرادی، علی (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه استفاده از ابزارهای جهانی شدن با حجاب بانوان لیگ برتر فوتبال ایران»، مدیریت ارتباطات در رسانه‌های ورزشی، سال دوم، شماره ۷، ص ۲۹-۴۰.
- شارع‌پور، محمود؛ تقوی، سیده‌زینب و محمدی، مهدی (۱۳۹۱)، «تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب»، فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی، دوره پنجم، شماره ۳، ص ۱-۲۹.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، «مجمع البحرین»، تهران: مکتبه المرتضویه.
- عظیمیان، مریم و بهشتی، سعید (۱۳۸۸)، «بررسی فلسفه و قلمرو حجاب در اسلام و آثار تربیتی آن»، تربیت اسلامی، سال چهارم، شماره ۸، ص ۷۵-۱۰۳.
- غروی نائینی، نهله، وحیده عامری (۱۳۸۶)، «پویایی در معنا و مفهوم حجاب»، کتاب زنان، سال نهم، شماره ۳۶، ص ۱۱۳-۱۳۷.
- فاضلایان، پوراندخت (۱۳۸۹)، «بررسی رابطه نوع حجاب و میزان امنیت اجتماعی در بین زنان شهر تهران»، پژوهش‌نامه زنان، سال اول، شماره ۲، ص ۶۵-۸۶.
- قلعجی، محمد (۱۴۰۸ق)، «معجم لغه الفقهاء»، بیروت: دار النفاث للطباعة و النشر و التوزیع.

کاوندی، سحر و انتصار فومنی، غلامحسین (۱۳۸۹)، «رابطه حجاب با سلامت روانی و مصونیت اجتماعی»، بانوان شیعه، سال هفتم، شماره ۲۵، ص ۴۷-۶۳.

محمدی، اصغر و قدسی، میثم (۱۳۹۵)، «بررسی نگرش به حجاب در بین زنان ۱۵ سال به بالای شهر ایلام و رابطه آن با متغیرهای دموگرافیک در سال ۱۳۹۵»، فصل‌نامه فرهنگ ایلام، دوره شانزدهم، شماره ۵۰-۵۱، ص ۳۷-۶۲. مطهری، مرتضی (۱۳۹۰)، «مجموعه آثار»، جلد ۱۹، تهران، صدرا.

Anderson, D.R. (2007). Redefining Hijab: American Muslim women's standpoints on veiling, J Appl Commun Res, 35(3), p. 294-319.

Mahmud, Y. & Swami, V. (2010). The influence of the hijab (Islamic head-cover) on perceptions of women's attractiveness and intelligence, Body Image, 7, p. 90-93.

پیوست. مقیاس اسلامی پایبندی به حجاب

ردیف	عبارت
۱	اصل حجاب را از مسلمات دین اسلام می‌دانم
۲	در مقابل نامحرم پوشش اسلامی را رعایت می‌کنم
۳	سعی می‌کنم در مقابل نامحرم، بجز گردی صورت و دست‌ها تا مچ، تمام بدنم را بپوشانم
۴	چادر را حجاب برتر می‌دانم
۵	معتقدم حجاب برای زنان مفید است
۶	معتقدم حجاب از آسیب‌های اجتماعی جلوگیری می‌کند
۷	معتقدم بانوان با حجاب، زیباترند
۸	معمولاً در جامعه از چادر استفاده می‌کنم

طیف لیکرتی پاسخ: کاملاً مخالفم، بسیار مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم و بسیار موافقم.

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵، ص ۱۹ - ۳۶

چشم‌انداز شکل‌گیری روان‌شناسی بر اساس مبانی قرآنی: رویکردی مقایسه‌ای - تحلیلی

The Outlook of Formation of a Psychology Based on the Quranic Foundations: A Comparative-Analytical Approach

رحیم نارویی نصرتی / استادیار روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

Rahim Narooie Nusrati / Assistant Professor of Psychology, IKI.

rnarooei@yahoo.com

ABSTRACT

The present research aims at presenting an outlook of the Islamic psychology based on the Quranic foundations compared with the major psychological approaches. To do so, we referred to Islamic sources, especially the Quran. The foundations of Islamic psychology were extracted in the spheres of ontology, anthropology, epistemology, theology, values, and methodology. Then, those foundations were compared to the existing psychological foundations and were analyzed through a descriptive-analytical method. The findings showed that the Islamic psychology is fundamentally different from the existing psychology in six basic aspects: (a) subject, (b) factors and processes of psychological change, (c) scope, (d) goal, (e) issues, and (f) the investigation method.

چکیده

پژوهش حاضر به هدف ارائه چشم‌اندازی از روان‌شناسی اسلامی بر اساس مبانی قرآنی در مقایسه با رویکردهای عمده روان‌شناسی به انجام رسید. بدین منظور به منابع اسلامی به خصوص قرآن مراجعه شد. مبانی روان‌شناسی اسلامی در گستره هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناسی، الهیاتی، ارزش‌شناختی و روش‌شناختی استخراج گردید. سپس این مبانی با مبانی روان‌شناسی موجود به روش توصیفی - تحلیلی مقایسه و تجزیه و تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که روان‌شناسی اسلامی در شش بعد اساسی با روان‌شناسی موجود تفاوت بنیادین دارد: (الف) موضوع، (ب) عوامل و فرایندهای تغییر روان‌شناختی (ج) گستره (د) هدف

KEYWORDS: perspective, Formation of Psychology, Foundations, Comparative-Analytical Approach, Faith (Sensual Acknowledgement).

ها) مسائل و) و روش بررسی.
کلید واژه‌ها: چشم‌انداز، شکل‌گیری روان‌شناسی، مبانی، رویکرد مقایسه‌ای تحلیلی، ایمان (اذعان نفسانی).

مقدمه

تاکنون پنج رویکرد عمده روان‌شناسی زیستی،^۱ روان‌تحلیل‌گری،^۲ رفتارگرایی،^۳ روان‌شناسی شناختی،^۴ انسان‌گرایی^۵ و برخی رویکردهای تلفیقی در روان‌شناسی به وجود آمده‌اند. درحالی‌که انسان ارگانیزمی واحد است و به صورت منطقی باید تنها یک دسته قواعد با رویکرد واحد، برای تبیین همه جنبه‌های تجربه انسانی وجود داشته باشد. اما تاکنون نه تنها چنین نظریه مورد پذیرشی وجود ندارد، بلکه در مقابل، رویکردهایی پدید آمده‌اند که در پیش‌فرض‌ها، روش‌های بررسی و ساختار نظری با همدیگر تفاوت دارند (گلاسمن^۶ و هداد،^۷ ۲۰۰۹). همین واقعیت باعث شده است که دانش‌آموختگان و کاربران علم روان‌شناسی هر یک به دلخواه خود بر یکی از این رویکردها یا تلفیقی از آنها تأکید کنند (گلاسمن و حداد، ۲۰۰۹).

حداقل یکی از دلایل عمده به وجود آمدن چنین رویکردهای متفاوتی، چنان‌که برخی فیلسوفان علم بر آن تأکید کرده‌اند، آن است که یافته‌های هر اندیشمند، همواره بر پیش‌فرض‌های بنیادین هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی، روش‌شناختی، ارزش‌شناختی، و الهیاتی آن اندیشمند مبتنی است (کوهن،^۸ ۱۹۹۶). برای نمونه، تا قبل از دوران پژوهش‌های علمی مرسوم، اندیشمندان حتی پزشکان از لحاظ انسان‌شناختی بر این باور بودند که رفتارهای اختلال‌آمیز، از نارضایتی خدایان یا تسخیر شدن روح بیمار توسط شیاطین ناشی می‌شوند. دیوشناسی، از این اندیشه بر خاست که موجود یا روحی خبیث ممکن است در درون فرد جا خوش کند و روان یا بدن او را کنترل کند. این باور مدت‌های طولانی در میان مردم رواج داشت (کرینگ،^۹ جانسون،^{۱۰} دیویسون^{۱۱} و نیل،^{۱۲} ۲۰۱۰).

چنین مبنایی، تنها راهکار درمانی را که به ذهن انسان آن دوران می‌آورد، جن‌گیری بود. سیطره همین اندیشه‌ها بر جان بشر، باعث می‌شد آن چیزی را که امروزه رویکرد علمی نامیده می‌شود، به ذهن

1. biological

2. psychological

3. behaviorism

4. cognitive psychology

5. humanism

6. Glassman, M.E.

7. Hadad, M.

8. Kuhn, S.

9. Kring, A.M.

10. Johnson, S.L.

11. Davison, J.C.

12. Neale, J.M.

افراد حتی اندیشمندان آن دوران خطور نکنند. دلیل چنین جزم‌گرایی، ظاهراً آن است که ما افراد از جمله اندیشمندان وقتی چیزی را به صورت نسبت‌دهی و مسلم می‌پذیریم، علاوه بر آنکه خود آن اندیشه را درست می‌دانیم، غیر آن را ناصحیح می‌شماریم. در راستای چنین اندیشه‌ای ده‌ها راهکار بهداشتی و درمانی اختراع می‌کنیم و به سختی می‌پذیریم که چه‌بسا آن اندیشه از اساس نادرست باشد.

امروزه نیز وقتی نظریه‌های روان‌شناختی با ده‌ها چالش خرد و کلان روبه‌رو می‌شوند، معمولاً این وجه به ذهن داعیه‌داران این افکار نمی‌آید که چه‌بسا همه این نظریه‌ها از رویکرد زیستی تا انسان‌گرایی و وجودگرایی نادرست باشند و باید برای علم روان‌شناسی چاره‌ای دیگر بیندیشیم. به عبارت دیگر، اندیشمندان نمی‌خواهند، بلکه چه‌بسا نمی‌توانند، راه رفته را تخطئه کنند، بلکه با ده‌ها لطایف‌الحیل آن را توجیه می‌کنند و به صورت‌هایی مسیر آینده را هم در راستای همین اندیشه‌ها قرار می‌دهند. این همان چیزی است که روان‌شناسان از جمله گلاسمن و هداد (۲۰۱۰) در کتاب «رویکردهای روان‌شناسی» بعد از طرح سؤالی بسیار اساسی و در واقع بی‌جواب ماندن، آن را بر می‌گزینند.

گلاسمن و هداد در پاسخ به این سؤال که سرانجام کدام‌یک از رویکردهای موجود در روان‌شناسی درست است، داستان فردی را که از پی معنای واقعی زندگی می‌گشت را ذکر می‌کنند. این فرد بعد از آنکه فرآورده‌های زیادی را کشف کرد، سرمایه بسیاری اندوخت و به فردی مشهور تبدیل شد، احساس نقصان می‌کرد و نمی‌دانست به راستی معنای واقعی زندگی چیست. روزی شنید که زاهدی عزلت‌نشین در قله کوهی بسیار دور دست به سر می‌برد. با همه سختی‌های دوری راه، بسیاری رنج سفر به جان می‌خریدند و سراغ زاهد می‌رفتند؛ زیرا در میان مردم پیچیده بود که او راز زندگی را می‌داند. همانند دیگر مردم، مرد سرگشته نیز سراغ زاهد رفت. بعد از طی سفری طولانی و جانکاه زاهد را پیدا کرد. زاهد در کلبه‌ای بسیار محقر عمر می‌گذراند. در آنجا از برق، آب لوله‌کشی و سایر امکانات زندگی عادی خبری نبود. با این حال، زاهد چشمانش از شادی و عشق می‌درخشید. فرد سرگشته که فکر می‌کرد زاهد واقعاً راز زندگی را می‌داند با اصرار از او پرسید: راز زندگی چیست؟ زاهد نگاهی به او و لباس‌های فاخرش افکند و گفت: «اگر خیلی مایل هستی که راز زندگی را بدانی اول باید تمام پول و دارائیت را ببخشی». فرد درنگی کرد و مدتی با خود کلنجار رفت. بالاخره موافقت کرد و پی برد که دارایی‌هایش هرگز او را خوشبخت نکرده است. در پایان زاهد گفت: «راز زندگی، با مکتبی آمیخته با تأمل، کنارگذاری همه تعلقات است و سپس به آرامی گفت هیچ رازی وجود ندارد» (گلاسمن و هداد، ۲۰۰۹).

گلاسمن و هداد می‌گویند داستان ما با پرسش از رویکرد درست در روان‌شناسی، چنین داستانی است.

اگر اصرار داشته باشید که کدام‌یک از رویکردها واقعاً درست هستند همانند سرگشته داستان ما چیزی جز یأس دستگیرتان نخواهد شد؛ زیرا روان‌شناسی مملو از سؤال‌های بی‌پاسخ و جدال‌های گوناگون است. از بررسی رویکردها هم به دست می‌آید که گویی همه رویکردها به یک معنی درست هستند، همان‌طور که می‌توان گفت هیچ‌یک درست نیستند. همه درستند به آن دلیل که همه اندیشه‌ها و نقطه‌نظرات ما را تحت تأثیر قرار می‌دهند. همه نادرستند به آن دلیل که هیچ‌کدام نمی‌توانند به طور موفقیت‌آمیز همه رفتارها و تجربه‌های آدمی را تبیین کنند؛ زیرا هر یک از رویکردها خلأهای زیادی را دارند و پرسش‌های اساسی را بی‌جواب گذاشته‌اند. درحالی‌که اغلب رویکردها به جای نفی یکدیگر مکمل همدیگر بوده‌اند، ولی مسائل بسیار مهمی وجود دارد که توافق نظری نسبت به آن وجود ندارد (گلاسمن و هداد، ۲۰۰۹).

به هر حال، گوناگونی رویکردها نوعی تضاد را به میان می‌آورد؛ زیرا رویکردها در پیش‌فرض‌ها، روش‌های بررسی و تبیین‌های خود با یکدیگر متفاوت هستند و هر یک مدعی است که مبانی و اصول صحیح روان‌شناسی را عرضه می‌کند. به راستی چگونه می‌توان از یک رشته علمی سخن گفت درحالی‌که مبنا و چارچوب واحدی برای آن وجود ندارد؟ شاید یکی از جواب‌ها همان باشد که روان‌شناس شناختی جرج میلر^۱ اظهار داشت. به اعتقاد میلر باید ایمان داشته باشیم که دیر یا زود چارچوب واحدی پیدا خواهد شد که در سایه آن روان‌شناسی به یکپارچگی دست می‌یابد. به اعتقاد میلر چنین چارچوبی «علم مربوط به تجربه بی‌واسطه» را پدید خواهد آورد. واقعیتی که میلر آن را محور اصلی روان‌شناسی می‌دانست. ولی چرا واقعاً چنین چارچوبی تاکنون سامان نیافته است؟ اگر چنین چارچوب وحدت بخشی هنوز بعد از بیش از صد سال به وجود نیامده است، آیا منطقی است که امیدوار باشیم در آینده چنین چارچوبی حاصل شود؟ (گلاسمن و هداد، ۲۰۰۹).

به نظر می‌رسد آدمی هنوز راه‌های نرفته‌ی زیادی را برای ارائه چارچوبی وحدت‌بخش در روان‌شناسی در پیش دارد. یکی از آن راه‌ها، بررسی دقیق ادیان به ویژه ادیان توحیدی می‌باشد. بی‌شک هر کدام از ادیان مبانی ویژه خود را درباره جنبه‌های مختلف انسانی دارند. بر اساس این مبانی اصول و روش‌های خاصی سامان می‌یابد و در نتیجه روش بررسی و موضوع روان‌شناسی شکل خاصی به خود می‌گیرد. این احتمال وجود دارد که مبانی دین اسلام، چارچوب وحدت‌بخشی باشد که بتوان در سایه آن قواعدی مربوط به روان را کشف کرد که همه تجربه‌های آدمی را تبیین کند. در همین زمینه، طراحی

روان‌شناسی بر اساس دین اسلام بخصوص قرآن کریم به‌عنوان آخرین دین توحیدی^۱ و آخرین کتاب آسمانی و عالی‌ترین برنامه زندگی انسانی،^۲ رویکردی نو در روان‌شناسی را به ارمغان خواهد آورد؛ زیرا قرآن کتاب راهنمایی است که خالق انسان در دستان آدمی نهاده است تا طبق آن همه جنبه‌های وجودی خود را بشناسد، راه خود را بیابد و به مقصد نهایی برسد (اسراء: ۹). این کتاب دارای مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی، روش‌شناختی و ارزش‌شناختی ویژه‌ای است. در سایه چنین مبانی، اصول ویژه‌ای شکل می‌گیرد که در چارچوب آن یافته‌های روان‌شناختی صبغه خاصی خواهند یافت. این همان صبغه خدایی است.^۳ چنین پژوهشی آن هم جهت ساماندهی مبانی و اصول روان‌شناسی تاکنون انجام نشده است. به همین دلیل پژوهشگر درصدد است چشم‌اندازی از روان‌شناسی اسلامی را بر اساس مبانی و آموزه‌های اسلامی بخصوص بر پایه قرآن کریم در مقایسه با رویکردهای عمده به جامعه علمی معرفی کند.

مبانی و چشم‌انداز روان‌شناسی با رویکردی اسلامی

دین اسلام برنامه تربیتی جامع برای نوع بشر است^۴ که انسان‌ها می‌توانند با عمل به آن به سعادت دنیوی و اخروی دست یابند.^۵ چنین برنامه‌ای بر پایه مبانی ذیل پایه‌گذاری شده است.

الف. مبانی هستی‌شناختی

۱. دو جوهری بودن عالم هستی: جهان هستی بر اساس مبانی اسلامی از دو دسته جوهر مادی و غیرمادی تشکیل شده است. جوهر مادی پایین‌ترین مرتبه و جوهرهای مجرد در مرتبه بالاتر از آن قرار دارند. این نگاه به عالم هستی و ایمان به اموری که به حس در نمی‌آیند، اولین گام در ورود به برنامه تربیتی اسلام است. در قرآن آمده است: «آن (قرآن) کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایه هدایت پرهیزکاران است، کسانی که به غیب، ایمان می‌آورند و نماز را برپا می‌دارند و از تمام نعمت‌ها و مواهبی که به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند» (بقره: ۳-۵).

«غیب» و «شهود»، دو واقعیت مقابل یکدیگرند، عالم شهود عالمی است که به کمک حواس

۱. مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (احزاب: ۴۰).

۲. وَ مَن يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَن يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (آل عمران: ۸۵).

۳. صِبْغَةَ اللَّهِ وَ مَن أَحْسَنَ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَ نَحْنُ لَهُ عٰبِدُونَ (بقره: ۱۳۸).

۴. وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (سبأ: ۲۸).

۵. مَن عَمِلْ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (نحل: ۹۷).

قابل درک است. «غیب» واقعیتی است که انسان از راه حس توان دریافت و ادراک آن را ندارد. ایمان به غیب، قدم اول برای ورود به برنامه تربیتی دین اسلام است. این اعتقاد پیروان ادیان آسمانی را در برابر منکران خدا و وحی و قیامت قرار می‌دهد و به همین علت نخستین ویژگی پرهیزکاران ایمان به غیب ذکر شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴).

این اندیشه در مقابل مادی‌انگاری جهان هستی قرار دارد که پیش‌فرض اساسی همه رویکردهای عمده در روان‌شناسی می‌باشد. بر اساس مبنای ماده‌گرایی عالم هستی و موجودات همه مادی یا جسمانی هستند. موجود یا جوهر دیگری در کنار وجودهای مادی تحقق ندارد و یا حداقل وجود مستقل ندارد (کالات، ۱۹۹۸). طبق یکی از قرائت‌های این نظریه که مادی‌گرایی حذفی نام دارد، رویدادهای روانی اساساً وجود خارجی ندارند و روان‌شناسی عامه که بر اساس فرض روان و فعالیت‌های روانی برای انسان بنا شده است، از پایه نادرست است (کالات، ۲۰۰۷). طبق این دیدگاه فرایندهای هشیار و همچنین فرایندهای روانی وجود ندارند (پوپر^۲ و اکسلز^۳، ۱۹۹۷).

۲. سلسله‌مراتبی بودن جهان هستی: میان مراتب هستی رابطه علی و معلولی (هستی‌بخشی و عین ربطی) وجود دارد. عالم مجردات علت هستی‌بخش عالم ماده است. چنان‌که علامه طباطبائی می‌گوید: «ترتیبی را که بیان کردیم ترتیبی علی است که به دلیل برتر بودن و توقف یکی بر دیگری وجود دارد». بنابراین، عالم عقل علت تامه برای عالم مثال و عالم مثال علت ایجادگر و افاضه‌کننده عالم ماده است (طباطبائی، ۱۴۳۴ق).

۳. در رأس هرم هستی مجرد تام و کامل مطلق قرار دارد که الله، خدا و در زبان‌های دیگر نیز برایش واژه خاصی وجود دارد. همه موجودات مادی و غیرمادی که ممکن‌الوجود هستند و هستی جزء ذاتشان نیست، همه هر مقدار و نوع کمال وجودی را که داشته باشند از کمال وجود واجب مطلق حکایت می‌کنند که خداوند است (طباطبائی، ۱۴۳۴ق).

۴. این دو مینا در مقابل هستی‌شناسی و کیهان‌شناسی الحادی قرار دارند که زیگموند فروید، بنیانگذار روان‌تحلیل‌گری تا پایان عمر بر آن اصرار می‌ورزید. فروید نه تنها خود را یهودی رها شده و شکاک و کاملاً بی‌دین و بی‌خدا می‌دانست، بلکه نسبت به دین، تفری شدید داشت (ولف^۴، ۱۹۹۷).

سایر روان‌تحلیل‌گران مانند یونگ،^۱ اریکسون،^۲ ایگن،^۳ جونز،^۴ کاکار،^۵ میسنر،^۶ ریزوتو^۷ و سایمینگتن^۸ و دیگران هر چند دینداری را به‌منزله تحول سالم برشمرده‌اند و برای آن جنبه‌های مثبت مانند موفقیت هیجانی، اخلاقی، معنوی و فرهنگی ذکر کرده‌اند که به کمک برخی فرایندهای روان‌تحلیلی قابل اثبات است، ولی مسئله موجود متعالی همواره برایشان لاینحل باقی مانده، بلکه به‌عنوان امری نامربوط و بی‌معنا کنار گذاشته شده است (بلک،^۹ ۲۰۰۶).

در میان سایر روان‌شناسان از جمله انسان‌گرایان نیز به غیر از گوردن آلپورت که خودش را مدافع اعتقاد دینی می‌دانست، نوعی انسان‌محوری افراطی و الحاد به چشم می‌خورد. ابراهام مزلو در همین راستا در کتاب «ادیان، ارزش‌ها و تجارب اوج» موضع خود درباره رابطه با دین و معنویت را این‌گونه بیان می‌کند: «من می‌خواهم نشان دهم که ارزش‌های معنوی معنای طبیعت‌گرایانه دارند، بدین معنی که اینها در مالکیت انحصاری کلیساهای سازمان‌یافته قرار ندارند، بدین معنی که ارزش‌های معنوی برای اعتباریابی، به مفاهیم فراطبیعی نیازمند نیستند. بدین معنی که آنها نیز در گستره قضاوت علم به معنای وسیعش قرار می‌گیرند. بنابراین، ارزش‌های معنوی در حیطة مسئولیت عام همه انسان‌ها قرار دارند» (اسکینر^{۱۰} بوگنتال^{۱۱} و پیرسون،^{۱۲} ۲۰۱۵).

۵. هدفمندی جهان مادی و انسان: جهان مادی و انسان که موجودی مرکب از نفس و بدن است در راستای هدف عالم برتر و مجردات قرار دارد. خود اینها همه در راستای هدفی هستند که خداوند بر وجود آن مترتب کرده است (اسکینر و همکاران، ۲۰۱۵). خداوند در قرآن ضمن آنکه می‌فرماید: «آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریده‌ایم و اینکه شما به سوی ما بازگردانیده نمی‌شوید؟»،^{۱۳} هدف نهایی خلقت انسان را این دانسته است که مظهر اسماء و صفات الهی شود^{۱۴} و خدا را عبادت کند (ذاریات: ۵۶). این مبنا نیز با آنچه داروین در کتابش با عنوان «اصل انواع» در سال ۱۸۵۹ اظهار کرد هماهنگ نیست. داروین معتقد بود: دگرگونی‌ها در افراد یک نوع، بر اثر تصادف و شانس به وجود می‌آید و قابل انتقال به نسل بعدی می‌باشد. داروین علاوه بر پذیرش انتقال وراثتی ویژگی‌گونه‌ها، معتقد به پیوند تکاملی میان انسان‌ها با سایر گونه‌ها بود. او در سال ۱۸۷۲ این مطلب را به شکل واضح‌تر در کتاب «بروز هیجان‌ها در انسان و حیوانات» بیان کرد.

1. Jung, K.G.

2. Eigen, M.

3. Jones, J.

4. Kakar, S.

5. Meissner, W.

6. Rizzuto A.M.

7. Symington, N.

8. Black, D.M.

9. Schneider, K.J.

10. Bugental, J.F.T.

11. Pierson, J.F.

۱۲. أَ فَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنْتُمْ عَلَيْنَا لَأْتَرَجُونَ (مؤمنون: ۱۱۵).

ب. مبانی معرفت‌شناختی

۱. واقعیت خارجی در ورای سازمان ادراکی و شناختی آدمی به صورت مستقل وجود دارد. انسان به وسیله سازمان ادراکی خود می‌تواند، واقعیت‌های خارجی را دست‌کم در برخی شناخت‌ها، همان‌طور که هستند، بدون اثرپذیری از سازه‌های شخصی دریافت کند. بر اساس آیات قرآن و روایات، انسان هم می‌تواند خود و ابعاد وجودیش،^۱ هم جهان پیرامون^۲ و هم ماورای جهان هستی حتی خالق خود را بشناسد.^۳ بنابراین، بر اساس مبانی معرفت‌شناختی دین اسلام سازمان ادراکی ما معطوف به واقعیت ورای خود است. حتی انسان می‌تواند سازمان ادراکی خود را به‌عنوان یک واقعیت عینی در نظر بگیرد و قواعد حاکم بر آن را به دست آورد که این مجموعه گزاره‌ها دانش معرفت‌شناسی^۴ را شکل داده‌اند. روان‌شناسان نیز در این زمینه موضع واقعی‌گرایی را اتخاذ کرده‌اند و واقعیت عینی جدای از درون و ذهن ادراک‌کننده را پذیرفته‌اند. حتی کلی^۵ (۱۹۶۷-۱۹۰۵) که برخی به او نسبت ذهن‌گرایی داده‌اند (چونگمن^۶ و هایلند،^۷ ۲۰۱۲)، در کتاب «روان‌شناسی سازه‌های شخصی» می‌گوید:

از سه باور پیشین درباره جهان هستی که ما در این بخش بر آن تأکید کردیم به دست می‌آید که جهان هستی امری عینی است که صرفاً خواب و خیال نیست، دیگر اینکه تمام اجزای این عالم همانند عقربه‌های ساعت با همدیگر در ارتباطند و جهان هستی در همه زمان‌ها جریان دارد و در بخشی از زمان متوقف نمی‌شود (کلی، ۱۹۹۱).

۲. انسان در شناخت واقعیت‌های مربوط به عالم هستی و خود به دلیل محدودیت‌های سازمان ادراکی خود اشتباه می‌کند، ولی می‌تواند میزان مطابقت ادراکات خود را با واقعیت بررسی نموده و ادراکات صحیح از ناصحیح را تشخیص می‌دهد. کاستی سازمان ادراکی انسان (روم: ۷-۹) و همچنین توانمندی انسان بر رفع خطاهای خود در آیات قرآن و سایر منابع اسلامی به صراحت آمده است (انعام: ۷۵-۷۹). روان‌شناسان نیز هم کاستی سازمان ادراکی انسان و همچنین توانمندی انسان برای کاهش و حذف خطاهای خود را پذیرفته‌اند؛ زیرا روان‌شناسان همواره به دنبال قواعد عامی بوده‌اند که در سایه آن بتوانند روابط موجود میان رویدادها را کشف کنند. برای رسیدن به این روابط بر اساس عقلانیت و تجربه‌گرایی و یا ابطال‌گرایی حرکت کرده‌اند و همه این تلاش برای کشف واقع بوده است (هرگنهان^۸ و هنلی،^۹ ۲۰۱۴).

4. epistemology

۳. اعراف: ۱۷۲.

۲. غاشیه: ۱۶-۲۰.

۱. شمس: ۷-۱۰.

5. Kelly, G.A.

6. Chung Man, C.

7. Hyland, M.E.

8. Hergenhahn B.R.

9. Henley T.B.

۳. تنها یکی از راه‌های شناخت پیدا کردن انسان، تجربه و شناخت به کمک حواس است که در اصطلاح از آن به تجربه یاد می‌شود. انسان واقعیت‌های حسی را به کمک حواس درک می‌کند. واقعیت‌های نامحسوس مانند خدا، ملائکه و وحی را از راه شناخت عقلانی (استدلالی)، شهودی، و حیوانی درک می‌کند. انسان به دلیل محدودیت در ابزارهای شناخت، عواطف و هیجان‌های ویژه و سایر محدودیت‌های به پیامبر ﷺ و امام معصوم ﷺ که دست‌پرورده خداوند هستند نیاز قطعی دارد. قرآن می‌فرماید: «این افراد از زندگی دنیا، فقط ظاهری را می‌شناسند، و حال آنکه از آخرت غافلند، آیا در خودشان به تفکر نپرداخته‌اند؟ خداوند آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آن دو است، جز به حق و تا هنگامی معین، نیافریده است، با این همه بسیاری از مردم لقای پروردگارش را سخت منکرند» (روم: ۷-۸).

ج. مبانی انسان‌شناختی

۱. انسان در دسته موجودات زنده و آمیخته از دو جوهر نفس و بدن است. جوهر نفس غیرمادی و مجرد است و به صورت ماهوی با بدن تفاوت دارد. تغییرات ارگانیزم انسان اصالتاً مربوط به نفس یعنی جوهر مجرد هستند. بدن نیز به دلیل رابطه ابزاری-تعلقی به نفس به تبع تغییرات نفس، تغییرات زیستی متناسب در آن به وجود می‌آید. از سوی دیگر، نفس نیز به دلیل رابطه تعلقی که با بدن دارد به همراه برخی تغییرات بدن دگرگون می‌شود، ولی علت تغییر، ماهیت تعلقی نفس به بدن است نه خود تغییرات بدنی (ملاصدرا، ۱۳۸۳).

۲. آزاد ذاتی و قدرت انتخاب‌گری انسان: انسان تغییرات درونی خود از جمله سازمان‌یافتگی‌های مطلوب و نامطلوب را با خواست، اختیار و انتخاب خود به وجود می‌آورد. پنج عنصر روان‌شناختی ادعان‌ها، ذکر، عمل، انکار و اجتناب وجود دارد. سازوکار نصب، دگرگون‌سازی و اصلاح سازمان‌یافتگی‌های روانی (شاکله) اعم از مطلوب و نامطلوب نیز ایمان‌آوری (ادعان) - ذکر (یادآوری) - عمل، انکار روان‌شناختی (کفرورزی) - اجتناب می‌باشد. طی همین سازوکار پایه، تمام ویژگی‌های ثانوی نفسانی (غیر موجود در فطرت اولیه) از جمله اختلالات روانی به وجود می‌آیند، شدت می‌یابند و حفظ می‌شوند (ناروئی نصرتی، ۱۳۸۸).

۳. اختیار ذاتی انسان بر سایر عوامل مانند وراثت، عوامل محیطی حتی برخی عوامل الهیاتی حاکم است. چنان که در قرآن آمده است: «عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمُ وَإِنْ عُدتُمْ عُدتُمْ وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا» (آدرس؟؟)؛ امید است که پروردگارتان شما را رحمت کند، ولی اگر به گناه بازگردید ما نیز به کیفر شما باز می‌گردیم، و دوزخ را برای کافران زندان قرار دادیم. علامه طباطبائی در تفسیر آیه

می‌گوید: «گویی خداوند خواسته است به اصلی اشاره کند که ربوبیت خدای تعالی اقتضای آن را دارد و آن اصل این است که: بر بندگان خود- در صورتی که به مقتضای خلقت خود مشی کنند- رحم کند و به سوی فطریشان ارشاد نماید، مگر اینکه از خط مرزی خلقت خود منحرف گشته و از راه فطرت بیرون شوند که در این صورت دوباره کیفر خود را باز می‌فرستد» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق). بنابراین، عنصر اراده ذاتی و توان انتخاب‌گری انسان، عنصر اساسی در تغییرات ارگانیزم انسان بوده و به نحوی بر سایر عناصر مانند وراثت و محیط سیطره دارد.

د. مبانی الهیاتی

۱. ربوبیت خداوند: خداوند رب‌العالمین است و پیوسته امر بندگان را علاوه بر ربوبیت تشریحی به صورت تکوینی تدبیر می‌کند. خداوند برای هر کس برنامه تربیتی ویژه دارد و سیر کمالی انسان کاملاً تحت سیطره خداوند است. او به وسیله قرآن، پیامبران، امام معصوم علیه السلام و دخل و تصرف‌های تکوینی عمل هدایت را به انجام می‌رساند.^۱

۲. شیطان: شیطان نقش تحریک‌کننده به سوی فعالیت‌های هماهنگ با تمایلات نفسانی دارد و مکمل فعل اختیاری انسان است. اگر این عنصر نباشد ارزش حرکت اختیاری انسان متوقف می‌شود و موضوع ثواب و عقاب جایگاه خود را در زندگی انسان از دست می‌دهد. البته رابطه شیطان با انسان به گونه‌ای نیست که اختیار ذاتی، قدرت انتخاب و اراده آدمی را سلب بکند.^۲

هـ مبانی ارزش‌شناختی روان‌شناسی اسلامی

اگر سؤال شود چرا روان‌شناسی خوب است که خوانده شود؟ نظریه‌ها و سایر فعالیت‌های روان‌شناختی که تمام عمر جمع زیادی از اندیشمندان را به خود اختصاص می‌دهند، چرا مطلوبیت دارند؟ بیماری روان‌شناختی را می‌بینیم چرا خوب است او را درمان کنیم؟ بر اساس رویکرد اسلامی، شناخت جایگاه نفس و آگاهی نسبت به ابعاد، کارکردها و سعادت و کمال آن از شریف‌ترین دانش‌هایی شمرده شده است^۳ که فرد می‌تواند به آن دست یابد. شناخت نفس و ابعاد آن بدان جهت مهم است که در شناخت

۱. یهدی به الله من اتبع رضوانه سبیل السلم و یخرجهم من الظلمات إلى النور یأذبه و یهدیهم إلى صراط مستقیم (مائده: ۱۶).

۲. وَ قَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قَضَى الْأَمْرَ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَ وَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَ مَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلْمُزُونِي وَ لَوْمُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَ مَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (ابراهیم: ۲۲).

۳. لَا قُوَّةَ كَلْبَةِ الْهَوَى وَ لَا نُورَ كَنْوَرِ الْبَقِيينِ وَ لَا يَتَّيَنَ كَاسْتِغْثَارِكِ الدُّنْيَا وَ لَا مَعْرِفَةَ كَمَعْرِفَتِكَ بِنَفْسِكَ (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۶۳).

همه جانبه نفس، شناخت خداوند نهفته است. در واقع، این شناخت خدا است که مطلوبیت ذاتی دارد.^۱ شناخت خداوند نیز از آن جهت مطلوبیت دارد که انسان به کمک آن می‌تواند تقرب به خالق را به دست آورد. تقرب و قرب الهی هدف نهایی است که از ناحیه خالق برای انسان در نظر گرفته شده است. چنانکه حضرت علی علیه السلام در دعای کمیل تقرب و رسیدن به خداوند را نهایت و پایان آرزوهای عارفین ذکر می‌کند.^۲

و. مبانی روش‌شناختی روان‌شناسی اسلامی

برای کشف قواعد حاکم بر نفس انسان، چهار روش عمده وجود دارد:

۱. روش تجربی: جنبه‌های محسوس نفس به روش تجربی و حسی بررسی می‌شوند. برای مثال، اگر بخواهیم بدانیم کدام‌یک از ناقل‌های عصبی با افسردگی عمده رابطه دارند و یا آیا برنامه آموزشی خاصی بر سرعت یادگیری اثر مثبت یا منفی دارد، راهی غیر از بررسی تجربی ندارد.

۲. روش شهودی: در روش شهودی فرد عین واقعیت روانی را تجربه می‌کند. برای نمونه، تجربه درد، اندوه و اضطراب فقط با شهود تجربه‌کننده فهمیده می‌شود و راهی برای ادراک آن غیر این وجود ندارد. اینها حالت‌های نفس هستند. نفس همچنین به خودش و توانایی‌های خودش نیز علم دارد. از جمله واقعیت‌های شهودی آن چیزی است که افراد در خواب می‌بینند (فتاوی اشکوری، ۱۳۷۵).

۳. روش عقلانی: به نظر بیشتر حکیمان مسلمان از جمله ابن‌سینا، عقل انتزاع مفاهیم کلی از جزئیات، ادراک آنها و صدور احکام کلی را بر عهده دارد. این کارکرد از خاص‌ترین ویژگی‌های نفس انسان می‌باشد که قوه عقل نظری عهده‌دار آن است. به عنوان مثال تفاوت عام جاندار با بی‌جان را عقل درک می‌کند. عقل حکم می‌کند که موجود زنده مرکب از دو جوهر است که در کنار همدیگر در تعامل با همدیگر وجود دارند. این واقعیت با صرف بررسی‌های حسی به دست نمی‌آید (حسین‌زاده، ۱۳۹۴).

۴. روش وحیانی: سازمان ادراکی انسان شامل قوای حسی، شهودی و عقلانی به برخی از واقعیت‌های مربوط انسان و سایر موجودات جهان دسترسی ندارند. ولی این امور حقایقی مربوط به انسان هستند که با زندگی این جهان بخصوص زندگی بعد از مرگ او در ارتباط هستند. به عنوان

۱. وَ قَالَ النَّبِيُّ ص مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ (مصباح‌الشریعه، ۱۴۰۰ق).

۲. لَأَنَادِيَنَّكَ أَنْ كُنْتُ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ يَا غَايَةَ آمَالِ الْعَارِفِينَ (ابن‌طاووس، ۴۰۹ق).

مثال، اینکه روز قیامت وجود دارد و به همه کارهایی که افراد انجام داده‌اند حسابرسی خواهد شد،^۱ هر کس بسته به اعمالی که انجام داده است در مرتبه‌ای از مراتب انسانی قرار می‌گیرد^۲ و بسته به جایگاهش از نعمت برخوردار می‌شود یا رنج و عذاب تحمل خواهد کرد،^۳ سازمان ادراکی به تنهایی از درک آن عاجز است و وحی باید به مددش بشتابد.

بحث و نتیجه‌گیری

الف. رویکرد زیستی در روان‌شناسی که افرادی مانند ویلدر پنفیلد و راجر اسپری بنیان‌گذار آن بوده‌اند (گلاسمن و هداد، ۲۰۰۹) و اکنون کسانی مانند جیمز کالات داعیه‌دار آن هستند (کالات، ۲۰۰۷)، به میزان زیادی با واقعیت انسان که موجودی آمیخته از دو جوهر است فاصله دارد. پنفیلد خودش بعد از حمایت طولانی از رویکرد یگانه‌گرایی مادی نسبت به انسان و پایه‌گذاری روان‌شناسی زیستی، به این واقعیت اجتناب‌ناپذیر دوگانه‌گرایی اذعان کرد (ولف، ۱۹۹۷). همچنان که سرجان اکلز نیز یکی از داعیه‌داران سرسخت آن بود (اکسلز، ۱۹۹۴). زیرا رویکرد یگانه‌گرایی مادی بعد اصیل و تمام حقیقت آدمی را کنار نهاده و همه توجه خود را بر قواعدی معطوف کرده است که ظاهراً بر بدن حاکم است. درحالی که بدن از نگاه اندیشمندان مسلمان به ویژه ملاصدرا به خودی خود فعلیت انسانی ندارد و کاملاً تابع جوهر اصیل نفس است (ملاصدرا، ۱۳۸۳). بنابراین، بر اساس منابع اسلامی قواعد روان‌شناختی، بر نفس انسانی حاکم‌اند که اندیشمند باید در پی کشف آنها باشد. البته از جمله این قواعد قواعد ارتباط تعلقی - ایزاری نفس به بدن است که لازم است به دقت تبیین شود.

ب. روان‌تحلیل‌گری که بر فرض روان سه سطحی استوار است که ساختار آن از اید، ایگو و سوپر ایگو تشکیل شده است و لایه‌ای از ناهشیار بر همه سطوح آن سایه افکنده است، نیز چنان که بسیاری از اندیشمندان بر آن تأکید کرده‌اند (چونگمن و هایلاند، ۲۰۱۲)، ادعایی متناقض و غیرواقعی می‌باشد؛ زیرا چگونه انرژی اید که ماهیتی ذاتاً ناهشیار دارد ممکن است در قالب ایگو و سوپر ایگو ماهیت خود را از دست بدهد و هشیار شود و در مقابل منشأ خود بایستد و انرژی اید را در ارتباط با واقعیت سامان‌دهی کند. به همین دلیل، ویتگنشتاین بر این باور بود که روان‌تحلیل‌گری اساساً علم نیست و هیچ نظریه علمی را دربر ندارد. بلکه مجموعه‌ای حدس و گمان یا افسانه‌سرایی است (چونگمن و

۱. كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُرُورِ (بقره: ۱۸۵).

۲. وَ لِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا وَ لِيُوفِّيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَ هُمْ لَا يَظْلَمُونَ (احقاف: ۱۹).

۳. فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَ ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (سجده: ۱۴).

هایلاند، ۲۰۱۲). بر اساس منابع اسلامی واقعیت انسان همان نفس اوست. نفس ذاتاً غیرمادی و مجرد است. جوهر مجرد ذاتش عین آگاهی است و وجودش و متعلقاتش برایش هشیار است نه ناهشیار. حسن‌زاده (۱۳۷۱) بیان می‌کند: «نفس به ذات خودش آگاهی دارد؛ زیرا هر جوهر مجردی هم عقل است، هم عاقل است و هم معقول». نفس همچنین به بدن و قوای خود نیز علم حضوری دارد. چون بدن مرتبه نازله نفس است. آیت‌الله حائری یزدی در همین زمینه می‌گوید: «علم ما به وجود خودمان علم حضوری است. ما همواره پیش خودمان حاضر هستیم، بدون اینکه صورتی از خود داشته باشیم» (نصری، ۱۳۸۰). البته علم حضوری نفس به خودش و مساوق بودن مجرد با آگاهی به ذات و متعلقات، منافاتی ندارد که نفس به دلیل محدودیت‌های وجودی از جمله تعلقش به بدن که جوهری مادی است، به قواعد حاکم بر خود در ارتباط با جهان هستی، فرایندهای درونی خود و همچنین آثار و پیامدهای کنش‌های خودش آگاهی نداشته باشد. اساساً نفس به این امور که از نوع علم حصولی هستند آگاهی ندارد.^۱ بنابراین، روان‌شناسی اسلامی از جهت هشیار و ناهشیار با رویکرد شناختی شباهت دارد.

ج. رفتارگرایی، بخصوص رفتارگرایی سنتی که درون ارگانیزم را نادیده می‌گیرد با رویکرد اندیشمندان مسلمان تفاوت دارد. اندیشمندان مسلمان تمام حقیقت، بعد اصیل و جاویدان آدمی را نفس او می‌دانند. برای نفس قوه‌هایی از جمله قوای محرکه را در نظر می‌گیرند. قوای محرکه به دو قسم تقسیم می‌شود: قوه باعته، و قوه فاعله. مقصود از قوه باعته نیرویی در نفس حیوانی و انسانی است که انگیزه حرکت را در حیوان به وجود می‌آورد. قوه فاعله نیز نیرویی است که در اعضا و جوارح حیوان منتشر شده و به حرکت درآوردن عضلات و اندام‌های حیوان را بر عهده دارد (فیاضی، ۱۳۸۹). در آیه ۸۴ سوره اسراء آمده است: «قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا»؛ بگو، هر کس بر حسب ساختار روانی و بدنی خود عمل می‌کند، و پروردگار شما به هر که راه یافته‌تر باشد داناتر است. علامه طباطبائی می‌گوید: «این آیه عمل انسان را مترتب بر شاکله او دانسته به این معنا که عمل هر چه باشد متناسب با شاکله است» (علامه طباطبائی، ۱۴۱۷ق). پس شاکله نسبت به عمل، نظیر روح جاری در بدن است که بدن با اعضا و اعمال خود حالت‌های روان‌شناختی آن را مجسم نموده و نشان می‌دهد. بنابراین، روان‌شناسی اسلامی علمی است که به بررسی قواعد حاکم بر شاکله‌ها که می‌توان آن را هم معنای سازمان یافتگی روانی دانست می‌پردازد. هر چند ممکن است در پی کشف قواعد حاکم بر رفتار هم باشد.

۱. وَ اللَّهُ أَعْرَجَكُمْ مِّنْ بَطُونٍ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَرَ وَ الْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (نحل: ۷۸).

د. رویکردهای شناختی در روان‌شناسی نسبت به انسان نگاه یگانه‌گرایی مادی دارند. وقتی سخن از فعالیت‌های درون ارگانیزمی در تعامل با رویدادهای محیطی می‌زنند، انسان را در نهایت همانند رایانه‌ای با برنامه‌های بسیار پیچیده به حساب می‌آورند که در آن به گفته اندی کلارک^۱ «روان در نهایت باید کاملاً در زمره واقعیت‌های طبیعی قرار گیرد و علیت روانی مانند قدرت باور در ایجاد عمل روی دیگر سکه علیت جسمانی هستند» (بادن، ۱۹۹۴). این رویکرد با رویکرد اسلامی که انسان را مرکب از نفس و بدن می‌داند متفاوت است. طبق رویکرد اسلامی رایانه‌ها و آنچه به هوش مصنوعی شهرت یافته است بالاخره بی‌جان هستند، هر چند عملیاتی شبیه جانداران حتی در چارچوب برنامه‌اش پیچیده‌تر از انسان انجام دهد، ولی انرژی رایانه با انرژی در موجود زنده تفاوت اساسی دارد و همچنین مؤلفه‌ها و فرایندهای درون ارگانیزمی و درون رایانه‌ای با همدیگر متفاوت هستند. به همین دلیل، همان‌گونه که برخی اندیشمندان اظهار کرده‌اند هر چند ممکن است رایانه‌ای بسازیم که از لحاظ کارکردی در هیچ‌یک از کارکردهایش تفاوتی با خود انسان نداشته باشد، لازمهٔ چنین شباهتی در کارکرد برخوردار شدن رایانه از روح حیات نیست، مگر اینکه همانند راجر پنروز^۲ (۱۹۸۹) تعریف ویژگی روان‌شناختی را به شباهت‌های کارکردی کاهش دهیم.

ه. رویکرد انسان‌گرایی در روان‌شناسی در مبنای اختیار و اراده آزاد با نگاه اسلام نزدیک است. اینکه انسان ویژگی‌های شخصیتی را خود بنا می‌کند و وراثت و محیط نمی‌تواند از او سلب اختیار کند و سرنوشت محتوم ندارد بلکه سرنوشت خود را خودش رقم می‌زند، با آیات قرآن و آموزه‌های اسلامی هماهنگ است. چنانکه در آیهٔ ۳ سورهٔ انسان آمده است: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا». علامه طباطبائی در تفسیر آیه می‌گوید: «تعبیر «إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» بر آن دلالت دارد که راهی که خدا به آن هدایت کرده راهی اختیاری است، و شکر و کفری که نیز بر این هدایت مترتب است، در حیطة اختیار انسان قرار دارد» (علامه طباطبائی، ۱۴۱۷ق). فرد می‌تواند هر کدام از شکر و کفر را به اختیار خود انتخاب کند و اکراه و اجباری برای او نیست.

رویکرد انسان‌گرایی حداقل در دو مبنای انسان‌شناختی با رویکرد اسلامی تفاوت اساسی دارد:

۱. مبالغه در توانمندی‌های ذاتی انسان، به‌طوری‌که خود فرد را خودکفا در توانش‌های شناختی، هیجانی و عاطفی معرفی می‌کند، به گونه‌ای که توانایی رسیدن به خودشکوفایی را دارد و می‌تواند مصداق خودشکوفایی را نیز بشناسد و به آن برسد. دین اسلام انسان را دارای ظرفیت خلیفه‌اللهمی بر کره زمین می‌داند. او می‌تواند مظهر اسماء و صفات الهی باشد (بقره: ۳۰-۳۳). ولی به سادگی راهش

1. Clark, A.

2. Penrose, R.

را گم می‌کند و استعداد ذاتیش در معرض خطر دائم است (عصر: ۲-۴). به همین دلیل انسان به افرادی از نوع خود نیازمند است که دست پرورده خدا باشند و به‌عنوان پیامبر و امام او را هدایت کنند.

۲. چپستی خود شکوفایی برای انسان عادی قابل تشخیص نیست. هر چند برای آن مصادیقی مانند آلبرت انیشتین^۱ و هاریت توبمان^۲ مشخص کنیم (شولتز و شولتز، ۲۰۰۹)، ولی این افراد در نهایت قدری با اقران خود تفاوت دارند. خودشکوفایی نهایی قدم نهادن در مسیر مظهر اسماء و صفات خداوند شدن است که مصادیق زیادی در تاریخ انسانیت برای آن ذکر شده است که پیامبران، امامان معصوم^۳ و سایر اولیاء در زمره این افراد قرار دارند.

و. انسان در راستای هدف موجود برتر یعنی خداوند قرار دارد. بنابراین، همه امکانات وجودی او از جمله سازمان ادراکی، هیجانی، عاطفی و رفتاری او در راستای همان هدف تعیبه شده است. هدف نهایی که برایش در نظر گرفته شده آن است که در مدت زندگی، با کاوش‌ها و تلاش‌های شبانه‌روزی‌اش سرانجام خدای خود را بیابد و خودش را برای زندگی آخرت مهیا کند. بنابراین، روان‌شناسی اسلامی بر این پایه طراحی می‌شود که زندگی دنیایی و اخروی انسان را به بهترین صورت ممکن در آورد و معطوف به تأمین راحتی انسان صرفاً در زندگی دنیا نیست.^۳

ز. انسان همواره در چارچوب سنت‌هایی برنامه‌ریزی می‌کند که خالق او را در چارچوب آنها طراحی کرده است. او نمی‌تواند از چارچوب این سنت‌ها خارج شود^۴ و ایجادگر سنتی در عالم هستی شود.^۵ بنابراین، تمام تلاش روان‌شناس باید این باشد که سنت‌های روان‌شناختی را اولاً، کشف کند. ثانیاً، در جهت هدف هدف‌گذار از آنها استفاده کند که همان کمک به افراد انسان به ویژه خود او، در تأمین زندگی راحت در دنیا و آخرت می‌باشد. بنابراین، اگر تلاش درمانی هم می‌کند برای آن است که در نهایت به بنده‌ای از بندگان خدا در مسیر بندگی یاری رساند.

ح. در رویکرد اسلامی سلامت و بیماری در ارتباط با هدف خلقت که همان قرب الهی است، ارزش می‌یابد. بنابراین اولاً، یکی از ملاک‌های سلامت و بیماری در کنار سایر ملاک‌های روان‌شناختی، ایمان و کفر به خداوند می‌باشد. ثانیاً، سلامت و فعالیت‌های سلامت‌بخش وقتی ارزشمند است که در راستای اهداف انسانی به ویژه تقرب به خداوند قرار داشته باشد. روان‌شناس اسلامی همواره تلاش می‌کند خودش سلامت، کمال و در نهایت قرب به خداوند را در سایه دانش

1. Einstein, A.

2. Tubman, H.

۳. وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ (بقره: ۲۰۴).

۴. فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَا كُنْ أَكْثَرُ النَّاسِ الَّي يَعْلَمُونَ (روم: ۳۰).

۵. وَ مَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ وَ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ (عنکبوت: ۲۲).

روان‌شناختی خود به دست آورد و به افراد دیگر نیز در همین مسیر مدد رساند. بنابراین، مشاوره و درمان اسلامی پیوسته در مسیر تأمین سعادت دنیا و آخرت افراد انسان قرار دارد. چنان‌که حضرت ابراهیم علیه السلام در گفت‌وگو با سرپرست خود می‌گوید: «ای پدر! علمی در اختیار من قرار گرفته که برای تو نیامده است بنابراین از من پیروی کن، تا تو را به راه راست هدایت کنم!» (مریم: ۴۳). یا حضرت شعیب در گفت‌وگو با قوم خود می‌گوید: «من هرگز نمی‌خواهم چیزی را که شما را از آن باز می‌دارم، خودم مرتکب شوم! من جز اصلاح- تا آنجا که توانایی دارم- نمی‌خواهم! و توفیق من، جز به خدا نیست! بر او توکل کردم و به سوی او باز می‌گردم!» (هود: ۸۸). هر چند سخنان این دو پیامبر در موضع مشاوره در درمان مصطلح نیست ولی در اینکه هدف اصلی مشاوره و درمان راهنمایی مراجع برای رسیدن به سلامت و کنارگذاری امر نامطلوب و انتخاب سبک صحیح است فرقی ندارند.

ط. چهار راه برای کشف قواعد حاکم بر روان انسان وجود دارد: ۱. تجربه حسی؛ ۲. شهود و درون‌نگری که الهام نیز می‌تواند به آن محقق شود؛ ۳. روش عقلانی؛ ۴. وحی. با هر یک از این روش‌ها جنبه‌ای از جنبه‌های مربوط به روان انسان را می‌توان به دست آورد.

ی. بنابراین از منظر قرآن اصالت ارگانیزم انسانی مربوط به نفس او است. پس روان‌شناسی اسلامی، علم بررسی شاکله‌های نفسانی (سازمان یافتگی‌های روان‌شناختی)، نموده‌های رفتاری و فرایندهای بدنی مربوط به آن خواهد بود. ایمان (ادعان‌های نفسانی)، ذکر، عمل، کفرورزی (انکار) و اجتناب عوامل و فرایندهای پایه در تغییرات نفسانی هستند. گستره روان‌شناسی اسلامی زندگی این‌جهانی و آن‌جهانی هر دو را دربر می‌گیرد. مسائل روان‌شناسی نیز همه ابعاد وجودی انسان اعم از ابعاد جسمانی، شناختی، هیجانی، عاطفی و معنوی را شامل می‌شود. روش بررسی در روان‌شناسی اسلامی نیز همه راه‌های شناخت شامل روش تجربی، شهودی، وحیانی را دربر می‌گیرد و قوه عقل در همه روش‌ها قضاوت‌گر نهایی برای جداسازی صحیح از ناصحیح می‌باشد. هدف روان‌شناسی اسلامی نیز تأمین سلامت روانی و معنوی انسان در دنیا و فراهم‌آوری سعادت او در آخرت خواهد بود.

منابع

- قرآن، ترجمه محمد مهدی فولادوند (۱۴۱۵ق)، تهران: دارالقرآن الکریم.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳)، تحف العقول، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۹ق)، اقبال الاعمال، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- امام صادق (ع) (۱۴۰۰ق)، مصباح‌الشریعه، بیروت: اعلمی.
- حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۷۱)، عیون مسائل النفس و شرح العیون فی شرح العیون، تهران: امیرکبیر.
- حسین‌زاده، محمد (۱۳۹۴)، منابع معرفت، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- شیرازی، صدرالدین محمد (ملاصدرا) (۱۳۸۳)، الحکمة المتعالیه فی الاسفار الاربعه: تصحیح، تحقیق و مقدمه علی‌اکبر رشاد. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر المیزان، قم: جامعه مدرسین.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۴۳۴ق)، نه‌ایة‌الحکمه، قم: جامعه مدرسین.
- فنائی اشکوری، محمد (۱۳۷۵)، علم حضوری: سنگ بنای معرفت بشری و پایه‌ای برای یک معرفت‌شناسی و ما بعد الطبیعه متعالی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- فیاضی غلامرضا (۱۳۸۹)، علم‌النفس فلسفی: درس‌های استاد غلامرضا فیاضی، تحقیق و تدوین محمدتقی یوسفی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نارویی نصرتی، رحیم (۱۳۸۸)، اثربخشی روش خودتحقق‌دهی دینی در درمان وسواس - ناخودداری، رساله دکتری، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- نصری، عبدالله (۱۳۸۰)، سفر نفس: تقریرات دکتر مهدی حائری یزدی، تهران: نقش جهان.
- Black, D.M. (2006). *Psychoanalysis and Religion in the 21st Century; competitors or Collaborators?* London and New York. Routledge: Taylor and Francis Group.
- Boden, M.A. (1994). *Artificial Intelligence: Handbook of Perception and Cognition; Second Edition; Series Editors: Edward Carterette and Morton Friedman.* University of Sussex. Brighton.
- Chung Man, C. and Hyland, M.E. (2012). *History and Philosophy of Psychology.* UK: Wiley-Blackwell.
- Eccles, J.C. (1994). *How the Self Controls Its Brain.* Springer – Virlag. New York.
- Glassman, W.E. and Hadad, M. (2009). *Approaches to Psychology.* McGraw-Hill Education. New York.
- Hergenhahn B.R. and Henley T.B. (2014). *An introduction to the History of Psychology; Seventh Edition.* Wadsworth; Cengage Learning. Australia.
- Kalat, J.W. (1988). *Biological Psychology; 3th edition.* California: Thomson Wadsworth.
- Kalat, J.W. (2007). *Biological Psychology; 9th edition,* Australia: Thomson Wadsworth.
- Kelly, G.A. (1991). *The Psychology of Personal Constructs: Theory and personality. Volume One.* Routledge; Taylor and Francis Group: London.
- Kring, A.M., Johnson, S.L., Davison, J.C., and Neale, J.M. (2010). *Abnormal Psychology: eleventh edition.* United States of America: John Wiley and Sons, Inc.
- Kuhn T.S. (1996). *The Structure of Scientific Revolutions; 3th.* Chicago and London: The University of Chicago Press.
- Penrose R. (1989). *The Emperor's New Mind; Concerning Computers, Minds and The Laws of Physics.* Oxford University Press: United States of America.

- Popper, K.R. and Eccles, J.C. (1977). *The Self and Its Brain: An Argument for Interactionism*. London: Routledge and Kegan Paul.
- Schneider, K.J. and Bugental, J.F.T. & Pierson, J.F. (2015). *The Handbook of Humanistic psychology; Theory, Research, and Practice; Second Edition*. United States of America.
- Schultz, D.P. and Schultz, S.E. (2009). *Theories of Personality; Ninth Edition*. Cengage Learning: United States.
- Wulff, D.M. (1997). *Psychology of Religion; Classic and Contemporary: 2th Edition*. New York: John Wiley and Sons, Inc.

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵، ص ۳۷ - ۵۸

مدل ساختاری روان آزرده‌گی: نقش روان‌بندهای ناسازگار اولیه، حرص و حسادت

The Structural Model of Neurosis: the Role of Initial Maladaptive Schemas, Greed and Envy

سیدعباس ساطوریان / دانشجوی دکتری روان‌شناسی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ✨
حسین رضائیان / کارشناسی ارشد روان‌شناسی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ✨
علی صادقی سرشت / دانشجوی دکتری روان‌شناسی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ✨
انسیه رضایی گل‌آبادی / دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس

Sayyid Abbas Satouriyani / PhD Student of Psychology, IKI.

sabbas61@gmail.com

Hussein Reza'iyani / MA of Psychology, IKI.

Ali Sadeqi Seresht / PhD Student of Psychology, IKI.

Ensiya Reza'i Gol-Abadi / MA Student of Clinical Psychology, IAUC.

ABSTRACT

The present study is a descriptive study of correlation type that aims at offering and testing a structural model for explaining neurosis based on greed and Envy, with an emphasis on the intermediary role of initial maladaptive schemas. The research sample composed of 384 students in Khomein University, selected through multi-stage random sampling. We used the questionnaires of five personality factors, the initial maladaptive schemas, the Islamic scales for greed-contentment and Envy to gather data, and analyzed them using the statistical method of path analysis. The fit indices showed that the initial suggested

چکیده

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است که با هدف ارائه و آزمون مدل ساختاری برای تبیین روان‌آزرده‌گی بر اساس صفات حرص و حسادت و با تأکید بر نقش میانجی روان‌بندهای ناسازگار اولیه انجام شد. نمونه پژوهش را تعداد ۳۸۴ نفر از دانشجویان دانشگاه خمین تشکیل دادند که به روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند. از پرسشنامه‌های پنج‌عاملی شخصیت، روان‌بندهای ناسازگار اولیه، مقیاس‌های اسلامی حرص - قناعت، و حسادت برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد و با استفاده از روش آماری تحلیل مسیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. شاخص‌های برازش نشان داد که

model enjoyed a desirable level of fitness. Similarly, the intermediary role of initial maladaptive schemas between all exogenous variables and neurosis was confirmed. All the direct effects except the effect of greed on neurosis were statistically meaningful. The findings of the research shows that in the research sample, there are some psychological features such as greed and Envy which are deeper than the schemas, and it is necessary for clinical psychologists and other practitioners in the field of mental health to pay attention to them.

KEYWORDS: Initial Maladaptive Schemas, Greed, Envy, Neurosis, Path Analysis.

مدل پیشنهادی اولیه از برآزش مطلوب و قابل قبولی برخوردار بود. همچنین نقش میانجی روان‌بندهای ناسازگار اولیه بین همه متغیرهای برون‌زا و روان‌آزردگی تایید و تمامی اثرات مستقیم به جز اثر حرص بر روان‌آزردگی از لحاظ آماری معنادار بودند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در نمونه پژوهش، ویژگی‌های روان‌شناختی عمیق‌تری همچون حرص و حسادت، نسبت به روان‌بندها وجود دارند که لازم است مورد توجه بالین‌گران و سایر متخصصین حوزه سلامت روانی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: طرح‌واره / روان‌بندهای ناسازگار اولیه، حرص، حسادت، روان‌آزردگی، تحلیل مسیر.

مقدمه

«روان‌آزردگی»، یکی از عوامل پنج‌گانه‌ای است که کاستا^۱ و مک‌کرا^۲ برای ساختار شخصیت برگزیدند (آشتون^۳ و لی،^۴ ۲۰۰۵). روان‌آزردگی شامل ویژگی‌هایی چون غم، عصبانیت و عدم رضایت است و در قطب مخالف آن، پایداری هیجانی در خلق، احساس و آرامش اشاره دارد (دانلان،^۵ کانگر^۶ و بریانت،^۷ ۲۰۰۴). روان‌آزردگی گرابی، تمایل به هیجانات منفی مثل اضطراب، غم، ترس، احساس گناه، کلافگی دائم و گرایش به اتخاذ احساسات منفی نسبت به وقایع تعریف می‌شود (تراچیانو،^۸ لاکنهاف،^۹ بینون^{۱۰} و کاستا،^{۱۱} ۲۰۰۸). ویژگی روان‌آزردگی با هیجان‌مداری و مدیریت اجتنابی رابطه دارد (مارک^{۱۲} و داوینا،^{۱۳} ۲۰۱۰). افراد با این ویژگی، نگرش‌های ضداجتماعی و حواس‌پرتی در کار (هانسن،^{۱۴} ۱۹۹۸) و بی‌مسئولیتی و خودمحوری (کلارک^{۱۵} و رابرتسون،^{۱۶} ۲۰۰۵) دارند که می‌توانند سنجش‌های عملکردی را با سوگیری بیشتری موجب شود (حقیقی و سماواتیان، ۱۳۹۰).

امروزه پیشرفت علوم و ارتباط آنها با یکدیگر، زمینه تعامل بیشتر آنها را فراهم آورده است. برای نمونه، دانش‌هایی چون روان‌شناسی و علوم تربیتی، در بسیاری از زمینه‌ها می‌توانند به علم اخلاق و به

1. Costa, P.T.
5. Donnelan, M.B.
9. Mark, E.B.
13. Davina, J.F.

2. McCrae, R.R.
6. Conger, R.D.
10. Löckenhoff, C.E.
14. Hansen, C.P.

3. Ashton, M.C.
7. Bryant, C.M.
11. Bienven, O.J.
15. Clarke, S.

4. Lee, K.
8. Terracciano, A.
12. Costa, T.P.
16. Robertson, I.T.

ویژه تربیت اخلاقی کمک نمایند. با این همه، در آثار اخلاقی موجود، توجه شایسته‌ای به این امر نشده و یافته‌های جدید علمی، در آثار مذکور به خدمت علم اخلاق در نیامده‌اند. همچنین تحقیقات میدانی در زمینه اخلاق، یکی از اقدامات مهمی است که تا امروز، جایگاه لازم را در پژوهش‌های مربوط به تربیت اخلاقی و علم اخلاق نداشته است. درحالی‌که استفاده از آموزه‌های دینی در فرایند مشاوره و روان‌درمانی، توجه روان‌شناسان بسیاری را به خود جلب کرده و مطالعات بسیاری نیز در این زمینه صورت گرفته است (قربانی، ۱۳۷۷). ضمن اینکه بحث هیجان‌ها و راه‌های مهار و پرورش آنها، یکی از نیازهای بشر و از مباحث جدی روان‌شناختی است. در این میان، برخی ویژگی‌ها که موجب اختلال در کارکرد عادی فرد در زندگی می‌شوند و گاه سلامت جسمی و روانی وی را به خطر می‌اندازند، از اهمیت خاصی برخوردارند که از جمله آنها می‌توان به «حرص» و «حسادت» اشاره نمود (ولی‌زاده و آذربایجانی، ۱۳۸۹).

در آیات و روایات، و منابع اخلاقی و تاریخی، به موضوع حرص و حسادت بسیار توجه شده است. «حرص»، دومین صفت از صفات رذیله (بعد از تکبر) است که در متون دینی و داستان انبیاء و آغاز خلقت انسان به چشم می‌خورد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸؛ قمی، ۱۴۱۶هـ.ق). نراقی (۱۳۸۷)، در تبیین اصطلاح حرص می‌گوید: «حالت و صفتی است نفسانی، که آدمی را بر گرد آوردن آنچه بدان نیاز ندارد بر می‌انگیزد بی‌آنکه به حد و مقدار معینی اکتفا کند و آن نیرومندترین شاخه‌های دوستی دنیا و مشهورترین انواع آن است». حرص یا آرز، یک حالت درونی است که انسان را به تجسس دائمی ثروت و نفع مادی وادار می‌کند، به طوری که امور مالی، همچون قطبی می‌شود که افکار و تلاش‌ها و کوشش‌ها بر محور آن دور می‌زند (موسوی، ۱۳۴۱، ص ۲۹).

در روایات اخلاقی، گاهی از الفاظ و اصطلاحاتی استفاده شده است که معنایی نزدیک به حرص دارد یا ناظر به لوازم و نتایج آن است، مثل شُحّ، شَرَه و نَهْمَه (نهج‌البلاغه، ن ۵۳؛ ابن‌بابویه، ۱۳۶۲، ص ۵۳ و ۱۷۶؛ ابن‌بابویه، ۱۳۶۳، ص ۲۴۴) و اصطلاحات «طَلَبُ الدُّنْيَا»، «جَمْعُ الْمَالِ» و «طُولُ الْأَمَلِ» (ابن‌بابویه، ۱۳۶۸، ص ۱۸۰؛ همو، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۹؛ همو، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۵۱). هلوع (معراج: ۱۹) نیز از مترادف‌های حرص دانسته شده است (حداد عادل، ۱۳۸۸، ج ۱۳، ص ۱۹). در کتاب‌های اخلاقی، حرص در برابر قناعت قرار گرفته شده است (نراقی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۵؛ غزالی، ۱۳۶۸، ص ۲۳۱). امام علی علیه السلام می‌فرماید: «قناعت به دست نمی‌آید مگر اینکه حرص نابود شود» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۶۶).

«حسادت»، سومین صفت از رذائل سه‌گانه زیربنائی است که در داستان انبیاء و آغاز خلقت انسان

به چشم می‌خورد (قمی، ۱۴۱۶ق، ذیل واژه کبر). در قول معصومین علیهم‌السلام یکی از ریشه‌های کفر،^۱ سرچشمه ردائل^۲ و انگیزه‌ای برای غرق شدن در گناهان^۳ برشمرده شده است. «حسادت» مفهومی است که تحت تأثیر فرهنگ قرار می‌گیرد و اغلب مردم آن را تجربه کرده‌اند (شاک،^۴ ۱۹۶۹؛ اسمیت^۵ و همکاران، ۱۹۹۹). طبق برخی از آیات و روایات، فرد حسود به لحاظ هیجانی دچار آسیب‌هایی در گذشته بوده است (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۲؛ تمیمی آمدی، ۱۳۶۶؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰) و باورهای اشتباهی در ارتباط با خداوند، خود، دیگران و ماهیت دنیا دارد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵؛ اعراف: ۱۲ و ۶۳).

در متون دینی به برخی از همبسته‌های شناختی، عاطفی و رفتاری حسادت اشاره شده است که از آن جمله می‌توان به مواد ذیل اشاره کرد: نپذیرفتن حقیقت (شوری: ۱۴)، نپذیرفتن تقدیر الهی (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱۳۱۷)، باور نکردن برتری دیگران (مؤمنون: ۴۷؛ دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱)، خود برتری‌بینی (اعراف: ۱۲)، نادانی درباره ماهیت دنیا (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵)، تلخ کامی، کینه، آرزوی سلب نعمت محسود، حسرت، احساس حقارت، بی‌حوصلگی، بیماری روانی (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۸۵۹، ۶۷۸۷، ۶۷۸۸، ۶۸۰۴، ۶۸۴۴، ۶۸۵۰، ۶۸۵۲ و ۶۸۵۵)، نارضایتی از زندگی (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق)، افسردگی، نداشتن آرامش، احساس تأسف (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰)، پرخاشگری سریع، سخت‌دلی، بی‌قراری (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۰)، طمع در نعمت دیگران (نساء: ۵۴)، آرزوی سقوط معنوی رقیب (بقره: ۱۰۹) حرص به داشته‌های دیگران (نساء: ۳۲)، اظهار دوستی، بغض درونی (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۶۸۴۱)، خیره شدن به نعمت دیگران (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۸)، نفاق و دورویی (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳).

حسادت، در روان‌شناختی غرب نیز مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس «راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (DSM)» (۱۳۸۱)، یکی از معیارهای تشخیصی اختلال شخصیت خودشیفتگی این است که فرد، اغلب به دیگران حسادت می‌ورزد یا اعتقاد دارد که دیگران به او حسادت او می‌کنند (زلاتان کریزان^۶ و جوهر،^۷ ۲۰۱۲). از نگاه اسمیت و همکاران (۱۹۹۴)، حسادت دو بخش اصلی دارد: خصومت و اندوه. خصومت با خواسته‌ای نادرست و خشم حاصل از باور ذهنی بی‌عدالتی همراه است و

۱. عن صادق: «أصولُ الكُفْرِ ثلاثُهُ: الحِرْصُ وَ الإِسْتِكْبَارُ وَ الحَسَدُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۸۹).

۲. عن علی: «راسُ الرذائلِ الحسد» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۲۳).

۳. عن علی: «الحِرْصُ وَ الكِبْرُ وَ الحَسَدُ دَوَاعٍ إِلَى التَّقْصُرِ فِي الدُّنْيَا» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۵۴۱).

اندوه با احساس حقارت حاصل از مقایسه ناکارآمد اجتماعی (میلفانت^۱ و گوویا،^۲ ۲۰۰۹). از دیگر عوامل روانی آسیب‌زا برای سلامت روانی و تعادل شخصیت می‌توان به روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه اشاره نمود. روان‌بنه به‌طور کلی، به‌عنوان ساختار، قالب یا چارچوب تعریف می‌شود (یانگ،^۳ کلوسکو^۴ و ویشار،^۵ ۲۰۰۳، ص ۲۹). از نظر فری^۶ (۲۰۰۷) روان‌بنه‌ها، عوامل شکل‌دهنده شخصیت هستند. آنها ساختارهایی ثابت در سازمان شناختی شخص هستند که همانند صافی‌ها، طرح‌ها یا کلیشه‌ها عمل می‌کنند و برای خلاصه‌سازی و جمع‌بندی تجربه افراد از دنیای پیرامون و توانمندسازی آنها برای سازمان‌دهی رفتارهای خود به کار می‌روند (فری، ۲۰۰۷، ص ۶). روان‌بنه می‌تواند مثبت یا منفی، سازگار یا ناسازگار باشد و همچنین می‌تواند در اوایل زندگی یا در سیر بعدی زندگی شکل بگیرد (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۲۹ و ۳۰). یانگ (۱۹۹۰، ۱۹۹۱)، معتقد است برخی از این روان‌بنه‌ها - به ویژه آنهایی که اغلب در نتیجه تجارب ناگوار دوران کودکی شکل می‌گیرند - ممکن است هسته اصلی اختلال‌های شخصیت، مشکلات منش شناختی خفیف‌تر و بسیاری از اختلال‌های مزمن محور I قرار بگیرند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۳۰-۳۲). شایع‌ترین محتویات منفی روان‌بنه‌ها پیش‌فرض‌ها، خاطرات و واکنش‌های عاطفی تداعی‌کننده آنها در موضوعات ارزش خود، ماهیت زندگی ما/ دنیای ما، زندگی اجتماعی ما، یکپارچگی/ امنیت خود ما و ارزش دیگران است (فری، ۲۰۰۷، ص ۷۵ و ۱۰۱).

روان‌بنه‌ها در پنج حوزه قرار دارند:

- حوزه بریدگی و طرد: رهاشدگی/ بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی/ سوء رفتار، محرومیت هیجانی، نقص/ شرم، انزوای اجتماعی/ بیگانگی.
- حوزه خودمختاری و عملکرد مختل: وابستگی/ بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر/ بیماری، خود تحول نایافته/ گرفتار، شکست.
- حوزه محدودیت‌های مختل: استحقاق/ بزرگ‌منشی، خویش‌ن‌داری و خودانضباطی ناکافی.
- حوزه دیگرجهت‌مندی: اطاعت، ایثار.
- حوزه گوش‌به‌زنگی بیش از حد و بازداری: بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه/ عیب‌جویی افراطی (یوسفی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۳۰).

تحقیقات همبستگی منفی و معنادار روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و سلامت روانی (شهامت، ۱۳۸۹، ص ۱۰۳)، رضایت از زندگی (یوسف‌نژاد شیروانی و پیوسته‌گر، ۱۳۹۰، ص ۵۵)، احساس امنیت، اعتماد، حرمت‌خود، کنترل، (پانس،^۱ ویلیامز^۲ و آلن،^۳ ۲۰۰۴، ص ۹۷)، و اضطراب (لاملی^۴ و هارکنس،^۵ ۲۰۰۷، ص ۶۳۹؛ سلیگمن،^۶ شالمن^۷ و ترون،^۸ ۲۰۰۷، ص ۱۱۱۱) را نشان می‌دهد. موریس^۹ (۲۰۰۶)، گزارش کرد که تمامی روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه با عامل روان‌آزردگی همبسته است. همچنین، روان‌بنه ایثار، با توافق و روان‌بنه آسیب‌پذیری نسبت به زیان، با تجربه‌پذیری رابطه مثبت داشتند. در همین راستا ساوا^{۱۰} (۲۰۰۹) نشان داد که میان روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه با توافق پایین و روان‌آزردگی بالا، رابطه معناداری وجود دارد. علاوه بر این، پژوهش‌هایی نیز نشان داده است که روان‌آزردگی با روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه رابطه مثبت و توافق و برون‌گرایی با روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه رابطه منفی دارد (رضایی، غلام‌رضائی، سپهوندی، غضنفری و دریکوند، ۱۳۹۲، ص ۷۹).

پژوهش‌هایی در دهه اخیر، ابعاد شخصیت را در ارتباط با مذهب بر اساس پنج عامل بزرگ شخصیت، مورد مطالعه قرار داده‌اند (سارگلو^{۱۱} و مونزگارسیا،^{۱۲} ۲۰۰۸؛ مک‌کرا و کاستا، ۱۹۹۹؛ وینک،^{۱۳} سیسیولا،^{۱۴} دیلان؛^{۱۵} تریسی،^{۱۶} ۲۰۰۷). این تحقیقات مذهب را در دو بعد: سازگاری و وجدانی بودن، و برون‌گرایی و روان‌آزردگی بررسی کرده‌اند و در نهایت، به نقش گشودگی به تجربه در تعیین نگرش مذهبی اشاره کرده‌اند. تحقیقات نشان داده‌اند که مذهب با بعد سازگاری و وجدانی بودن، رابطه مثبت (کاسک،^{۱۷} ۱۹۹۹؛ ساروگلو و فیس،^{۱۸} ۲۰۰۳؛ تایلر^{۱۹} و مک‌دونالد،^{۲۰} ۱۹۹۹؛ مک‌کالاف^{۲۱} و سانگ^{۲۲} و بریون،^{۲۳} ۲۰۰۳؛ وینک و همکاران، ۲۰۰۷) و با مقیاس روان‌آزردگی رابطه منفی دارد (فرنسیس^{۲۴} و همکاران، ۱۹۹۵؛ لوئیس^{۲۵} و مالتبی،^{۲۶} ۱۹۹۵؛ مالتبی، ۱۹۹۹؛ اسمیت،^{۲۷} ۱۹۹۶). گشودگی به تجربه، با اصول مذهبی رابطه منفی ولی با پختگی مذهبی و معنویت رابطه مثبت دارد (ساروگلو، ۲۰۰۲). پنج عامل شخصیت با معنویت که رابطه نزدیکی با

1. Ponce, A.N.

2. Williams, M.K.

3. Allen, G.J.

4. Lumley, M.N.

5. Harkness, K.

6. Seligman, M.E.P.

7. Schulman, P.

8. Tryon, A.

9. Muris, P.

10. Sava, F.A.

11. Saroglou, V.

12. Munoz-Garcia, A.

13. Wink, P.

14. Ciciolla, L.

15. Dillon, M.

16. Tracy, A.

17. Kosek, R.B.

18. Fiasse, L.

19. Taylor, A.

20. MacDonald, D.A.

21. McCullough, M.E.

22. Tsang, J.A.

23. Brion, S.

24. Francis, L.J.

25. Lewis, C.A.

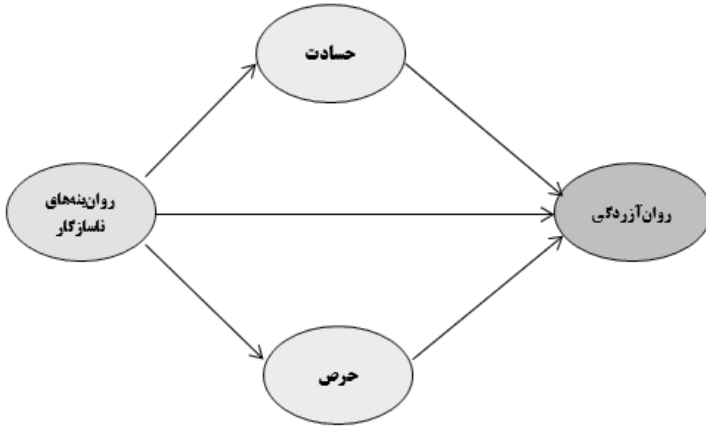
26. Maltby, J.

27. Smith, D.L.

مذهب دارد، مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس نتایج به دست آمده، گشودگی نسبت به تجربه با معنویت بیشتر در زندگی همراه است (کاسک، ۱۹۹۹؛ وینک و همکاران، ۲۰۰۷). تحقیقات انجام شده در ایران بیشتر بر روی نظریه آیزنک و دو بعد روان‌رنجورخویی و روان‌پریشی متمرکز شده‌اند (بهرامی احسان و پورنقاش تهرانی، ۱۳۸۸؛ خداپناهی و خوانین‌زاده، ۱۳۷۹) و دیگر ابعاد شخصیت را در رابطه با جهت‌گیری مذهبی و صفات اخلاقی مورد بررسی قرار نداده‌اند.

در مطالعاتی که اخیراً انجام گرفته، هراتیان، ساطوریان، ترکاشوند و احمدی (۱۳۹۴) رابطه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه، ویژگی‌های شخصیتی و صفت اخلاقی حسادت را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که بین همه حوزه‌های روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه با روان‌آزرده‌نگی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد اما بین زیرمقیاس‌های برون‌گرایی، تجربه‌پذیری موافق بودن و وظیفه‌شناسی با حسادت رابطه منفی و معنادار وجود دارد. رضاییان و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که صفت حرص در رابطه بین تکبر و حسادت نقش میانجی دارد. ساطوریان (۱۳۹۵)، نیز نقش صفات اخلاقی کبر، حرص و حسادت را در پیش‌بینی روان‌آزرده‌نگی مورد بررسی قرار داد و نتیجه گرفت که میان هر سه صفت اخلاقی کبر، حرص و حسادت با روان‌آزرده‌نگی رابطه معنادار وجود دارد و این صفات توان پیش‌بینی بخش معناداری از وارپانس روان‌آزرده‌نگی را دارند.

بنابر آنچه بیان شد و با توجه به تولید سنجه معتبر ردائل زیربنایی حرص و حسادت، پژوهشی که آنها را در کنار روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و ویژگی شخصیتی روان‌آزرده‌نگی به صورت مدل‌یابی مورد بررسی قرار دهد وجود ندارد. از این رو، هدف این پژوهش، بررسی مدل ساختاری روان‌آزرده‌نگی بر اساس روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه، حرص و حسادت است. مرور پیشینه مذکور، علاوه بر اینکه توان پیش‌بینی‌کننده بودن متغیرهای حرص، حسادت و روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه را برای روان‌آزرده‌نگی تأیید می‌کند، کمبود و نقص ادبیات علمی موجود را نیز روشن می‌سازد. چرا که پژوهش‌های تبیینی برای تعیین نقش صفات اخلاقی بسیار اندک است و اغلب پژوهش‌های انجام شده به روش همبستگی ساده و متغیرهای محدود خلاصه می‌گردند و مطالعه‌ای که روابط ساختاری را بررسی کرده باشد، یافت نشد. از این رو، این پژوهش در جهت رفع این کمبود مدل پیشنهادی (شکل ۱) زیر را در قالب روابط ساختاری مورد آزمون قرار می‌دهد.



شکل ۱. مدل ساختاری کلی روان‌آزردگی بر اساس روان‌بندهای ناسازگار اولیه، حرص و حسادت

در واقع این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا مدل ارائه شده برای تبیین روان‌آزردگی، در گروه نمونه از نیکویی برآزش مطلوبی برخوردار است یا خیر؟ و اینکه اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها بر آن چگونه است؟

روش پژوهش

این پژوهش، از جمله تحقیقات توصیفی با روش همبستگی از نوع رگرسیون چندمتغیری و خاصه مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) است که به آزمون مدل پیشنهادی می‌پردازد. جامعه آماری پژوهش، همه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ بودند (۱۱۰۰ نفر). بر اساس روش کرجسی^۱ و مورگان^۲ (۱۹۷۰) حجم مناسب نمونه برای چنین جامعه‌ای ۲۸۵ آزمودنی در نظر گرفته شده است (نادری و سیف‌نراقی، ۱۳۹۰)؛ اما با توجه به نوع پژوهش (مدل ساختاری) و به جهت اطمینان بیشتر، از بین جامعه مذکور تعداد ۳۸۴ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند. برای دستیابی به نمونه ابتدا سه دانشکده به صورت تصادفی انتخاب شد. سپس از بین رشته‌های گوناگون در این دانشکده‌ها ۵ رشته انتخاب و در نهایت، از بین کلاس‌های مربوط به این رشته‌ها ۵ کلاس به صورت تصادفی انتخاب گردید. اجرا به صورت گروهی در کلاس‌های درس انجام شد. برای گردآوری داده‌ها، پس از توضیح مختصر در مورد هدف از پژوهش، هر سه ابزار پژوهش به طور همزمان در اختیار اعضای گروه نمونه قرار گرفت و تکمیل پرسش‌نامه‌ها

1. Krejcie, R. V.

2. Morgan, D.V.

بین ۲۰ تا ۳۰ دقیقه طول کشید. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و LISREL مورد ارزیابی قرار گرفت.

ابزار پژوهش

فرم کوتاه پرسش‌نامه روان‌بندهای ناسازگار اولیه یانگ (YSQ-SF): یانگ در سال ۱۹۹۸ فرم کوتاه روان‌بندهای ناسازگار اولیه را برای اندازه‌گیری ۱۵ روان‌بنده ناسازگار اولیه تهیه کرد که از ۷۵ سؤال دارای بیشترین بار عاملی در فرم بلند ۲۰۵ سؤالی اولیه تشکیل شده است (شایقیان، آگیلار وفایی و رسول‌زاده طباطبائی، ۲۰۱۱). این ابزار خود توصیفی، دارای پاسخ‌های ۶ درجه‌ای (کاملاً غلط=۱ تا کاملاً درست=۶) است و روان‌بندها را در قالب ۵ حوزه می‌سنجد. درباره ویژگی‌های روان‌سنجی این پرسش‌نامه بررسی‌های متعددی انجام شده است. از جمله در پژوهش والر، دیکسون و آنین (۲۰۰۲) ثبات درونی محاسبه شده برای عوامل پرسش‌نامه از ۰/۶۵ تا ۰/۹۰ گزارش شد و در پژوهش بارانف، تیان و اویی (۲۰۰۷) نیز ساختار عاملی و روایی سازه آن مورد تأیید قرار گرفت. در ایران در پژوهشی که توسط آهی، محمدی‌فر و بشارت (۲۰۰۷) جهت بررسی روایی و اعتبار فرم کوتاه در دانشجویان انجام شد، نتایج نشان داد که اعتبار پرسش‌نامه به دو شیوه همسانی درونی آلفای کرونباخ و بازآزمایی به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۷۶ بود. آلفای کرونباخ در این پژوهش، ۰/۹۴ به دست آمد و حوزه‌های پنج‌گانه روان‌بندهای ناسازگار اولیه به‌عنوان عوامل و مؤلفه‌های آن در نظر گرفته شد.

مقیاس اسلامی حرص - قناعت (ISGF): مقیاس اسلامی حرص - قناعت، توسط هراتیان و همکاران (۱۳۹۳) ساخته شده است. چهار عامل مربوط به حرص در این پرسش‌نامه ۱۸ گویه‌ای، از این قرار است: الف. دل مشغولی مادی، ب. مهار گسیختگی مادی، ج. ضعف معرفت و هیجان دینی، د. احساس محرومیت و نیاز مادی. پاسخ‌نامه، دارای یک طیف ۴ گزینه‌ای (کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) است. بررسی روایی مقیاس، با روش‌های روایی محتوا (نظر کارشناسان) میزان ۹۱/۱۴ درصدی موافقت کارشناسان را نشان می‌دهد. ضریب دونیمه‌سازی ۰/۸۲۳ نشانگر اعتبار قوی این مقیاس است. ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس برابر با ۰/۸۶۳ محاسبه شد که بیانگر همسانی درونی مناسب این مقیاس است. ضریب آلفای کرونباخ برای چهار عامل به ترتیب، ۰/۷۹۳، ۰/۵۸۳، ۰/۶۳۶ و ۰/۶۹۸ است. شاخص‌های برازندگی در تحلیل عاملی تأییدی نیز برازش مناسب مدل این مقیاس را مورد تأیید قرار داد. آلفای کرونباخ این ابزار در این پژوهش ۰/۸۱ به دست آمد.

مقیاس اسلامی حسادت (ISE-R): فرم تجدیدنظر شده مقیاس اسلامی حسادت توسط ولی‌زاده، هراتیان و احمدی (۱۳۸۴) ساخته شده است. چهار عامل مربوط به حسادت در این پرسش‌نامه ۳۰ گویه‌ای، از این قرار است: الف. آزدگی از موفقیت دیگران، ب. احساس محرومیت و حقارت، ج. تمایل به سلب نعمت از دیگران، د. اندوه مقایسه. پاسخ‌نامه، دارای یک طیف ۴ گزینه‌ای (کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) است. در بررسی روایی مقیاس، ضریب دونیمه‌سازی ۰/۸۹، نشانگر اعتبار قوی این مقیاس است. ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس برابر با ۰/۹۳ محاسبه شد که بیانگر همسانی درونی مناسب این مقیاس است. ضریب آلفای کرونباخ برای چهار عامل به ترتیب، ۰/۸۷، ۰/۷۶، ۰/۶۹ و ۰/۷۹ است. شاخص‌های برازندگی در تحلیل عاملی تأییدی نیز برازش مناسب مدل این مقیاس را مورد تأیید قرار داد. آلفای کرونباخ این ابزار در این پژوهش ۰/۸۹ به دست آمد.

پرسش‌نامه پنج عاملی شخصیت (NEO-FFI-60): این پرسش‌نامه توسط مک‌کرا و کاستا در سال ۱۹۸۹ ساخته شد، و از ۶۰ گویه تشکیل شده است که بر اساس مقیاس لیکرت ۵ گزینه‌ای (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌گردد. هر دوازده گویه آن یکی از پنج عامل بزرگ شخصیت (روان‌آزدگی، برون‌گرایی، تجربه‌پذیری، سازگاری و مسئولیت‌پذیری) را می‌سنجد. این پرسش‌نامه در ایران توسط گروسی‌فرشی (۱۳۷۷)، هنجاریابی شده است و اعتبار آن توسط آزمون - آزمون مجدد در مورد ۲۰۸ نفر از دانشجویان به فاصله ۳ ماه به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۹ و ۰/۷۹ برای عوامل C, A, O, E, N به دست آمده است. همچنین در تحقیق ملازاده (۱۳۸۱)، آلفای کرونباخ برای روان‌آزدگی ۰/۸۶، برون‌گرایی ۰/۸۳، گشودگی ۰/۷۴، موافق بودن ۰/۷۶، با وجدان بودن ۰/۷۸ و آلفای کل برابر ۰/۸۳ به دست آمده است (فتحی‌آشتیانی و داستانی، ۱۳۸۹، ص ۵۰). آلفای کرونباخ این ابزار در پژوهش حاضر ۰/۶۵ به دست آمد. در این پژوهش، فقط رگه شخصیتی روان‌آزدگی مورد بررسی قرار گرفت و زیر مقیاس‌های اضطراب، خصومت، افسردگی، هشیاری نسبت به خود، تکانشوری و آسیب‌پذیری به‌عنوان عوامل آن لحاظ شد.

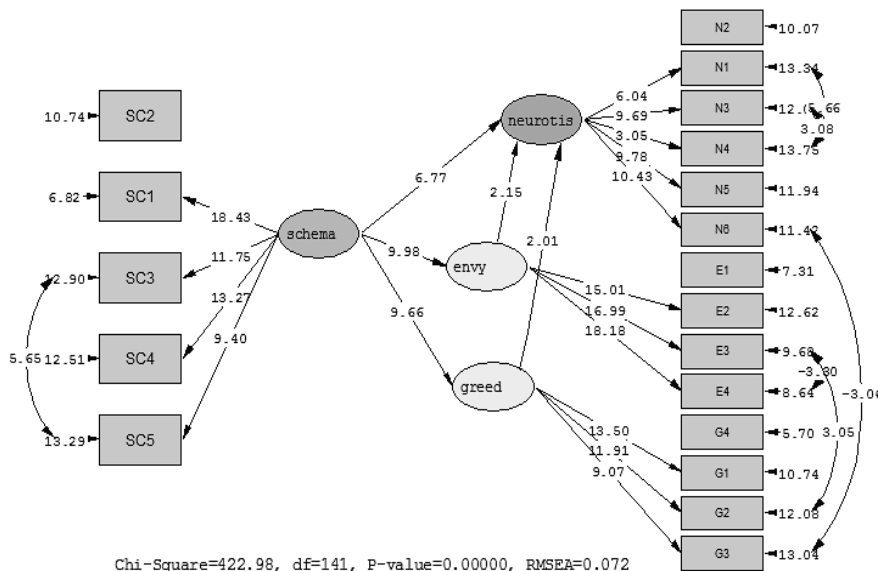
یافته‌های پژوهش

اساس تحلیل در مدل معادلات ساختاری، بر مبنای ماتریس همبستگی بین متغیرها است. از این‌رو، ابتدا همبستگی دو به دو متغیرها با یکدیگر مورد بررسی و تأیید قرار گرفت و سپس جهت آزمون مدل پیشنهادی، مقیاس‌ها و عامل‌های هر یک از متغیرها، به‌عنوان متغیر نشانگر برای متغیرهای مکنون در نظر گرفته شد. در جدول ۱، مؤلفه‌های توصیفی متغیرهای نشانگر و ضرایب همبستگی آنها ارائه شده است.

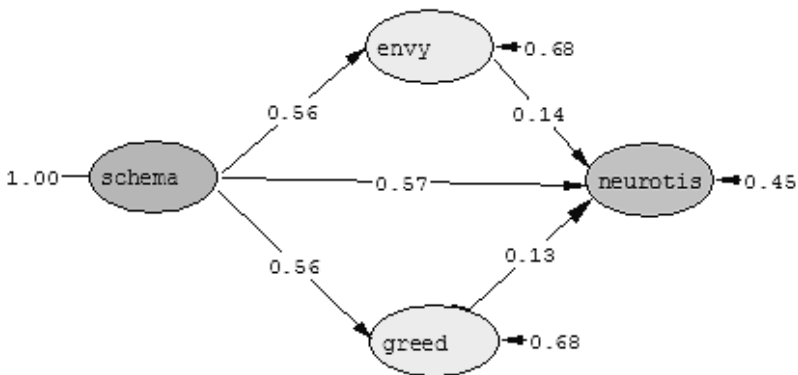
متغیرهای مشاهده‌شده	M	SD	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
۱ اضطراب	۵/۸۱	۱/۹۲																		
۲ پرخاشگری	۵/۳۲	۲/۰۷	**.۰/۳۴																	
۳ افسردگی	۶/۵۹	۱/۹۹	**.۰/۲۸	**.۰/۲۸																
۴ هوشیاری نسبت به خود	۶/۰۶	۱/۹۴	**.۰/۳۴	**.۰/۱۵	**.۰/۳۴															
۵ تکثوری	۵/۷۵	۱/۹۹	**.۰/۱۴	**.۰/۴۱	**.۰/۳۷	**.۰/۰۸														
۶ آسیب‌پذیری	۵/۶۹	۱/۸۹	**.۰/۱۸	**.۰/۴۱	**.۰/۳۴	**.۰/۰۵	**.۰/۳۷													
۷ حوزه بریدگی و طرد	۶/۳۳	۱۹/۳۳	**.۰/۲۲	**.۰/۴۴	**.۰/۲۸	**.۰/۱۴	**.۰/۴۳	**.۰/۳۴												
۸ خودگرانی و عملکرد مختل	۴۶/۴۶	۱۵/۸۵	**.۰/۱۷	**.۰/۲۸	**.۰/۲۶	**.۰/۰۱	**.۰/۳۳	**.۰/۳۷	**.۰/۷۱											
۹ محدودیت‌های مختل	۳۰/۷۰	۸/۰۶	**.۰/۱۶	**.۰/۲۸	**.۰/۲۹	**.۰/۱۲	**.۰/۴۶	**.۰/۵۱	**.۰/۴۶											
۱۰ دیگرجهت‌مندی	۲۹/۰۸	۸/۳۴	**.۰/۱۸	**.۰/۳۱	**.۰/۲۷	**.۰/۱۳	**.۰/۲۲	**.۰/۲۸	**.۰/۵۸	**.۰/۵۸										
۱۱ بازاری و گوش‌به‌زنگی	۳۱/۸۰	۸/۰۱	**.۰/۱۲	**.۰/۲۱	**.۰/۲۴	**.۰/۱۳	**.۰/۱۲	**.۰/۳۲	**.۰/۴۳	**.۰/۲۶	**.۰/۵۱	**.۰/۴۱								
۱۲ آزردهی از موفقیت دیگران	۲۵/۴۸	۸/۵۱	**.۰/۱۵	**.۰/۳۷	**.۰/۱۱	**.۰/۰۰	**.۰/۳۳	**.۰/۲۴	**.۰/۴۴	**.۰/۳۳	**.۰/۲۸	**.۰/۱۶	**.۰/۱۴							
۱۳ احساس محرومیت و حقارت	۲۵/۳۸	۵/۷۲	**.۰/۲۱	**.۰/۳۹	**.۰/۳۱	**.۰/۰۴	**.۰/۳۰	**.۰/۲۶	**.۰/۴۶	**.۰/۳۲	**.۰/۴۳	**.۰/۲۶	**.۰/۳۰	**.۰/۵۹						
۱۴ میل به سلب نعمت دیگران	۸/۷۶	۲/۳۳	*.۰/۱۰	**.۰/۲۹	*.۰/۰۸	-.۰/۰۵	**.۰/۱۷	**.۰/۱۴	**.۰/۲۵	**.۰/۲۲	**.۰/۱۹	**.۰/۱۷	*.۰/۰۹	**.۰/۳۳	**.۰/۵۰					
۱۵ اندوه مقایسه	۱۳/۷۱	۴/۸۴	**.۰/۱۶	**.۰/۴۱	**.۰/۱۸	*.۰/۰۷	**.۰/۳۱	**.۰/۴۸	**.۰/۲۵	**.۰/۳۰	**.۰/۲۲	**.۰/۳۳	**.۰/۵۶	**.۰/۵۶						
۱۶ دل‌مشغولی ملای	۹/۵۷	۲/۶۶	*.۰/۱۱	**.۰/۱۸	**.۰/۱۸	*.۰/۰۷	**.۰/۱۱	**.۰/۲۴	**.۰/۳۴	**.۰/۳۰	**.۰/۲۲	**.۰/۲۲	**.۰/۳۴	**.۰/۲۷	**.۰/۳۰	**.۰/۳۱	**.۰/۲۸			

۱۷	مهارت‌گسیختگی ملدی	۶/۱۳	۱/۸۷	*-/۱۱	*-/۳۰	*-/۱۲	-/۰۰	*-/۲۵	*-/۲۷	*-/۲۷	*-/۳۷	*-/۳۸	*-/۲۲	*-/۲۶	*-/۱۲	*-/۳۹	*-/۳۳	*-/۳۹	*-/۳۴	*-/۳۹	۱
۱۸	ضعف معرفت و هیجان دینی	۱۱/۶۷	۲/۵۴	۰/۰۰	*-/۱۵	۰/۰۸	۰/۰۱	*-/۱۶	۰/۰۳	*-/۲۴	*-/۱۵	*-/۱۹	*-/۱۱	۰/۰۱	*-/۲۷	*-/۱۶	*-/۲۲	*-/۲۸	*-/۲۹	*-/۳۴	۱
۱۹	محرومیت و نیاز ملدی	۱۰/۱۴	۲/۸۰	*-/۱۴	*-/۳۴	*-/۲۷	۰/۰۹	*-/۲۱	*-/۲۶	*-/۴۱	*-/۲۹	*-/۲۲	*-/۲۱	*-/۲۳	*-/۳۶	*-/۴۳	*-/۳۱	*-/۴۹	*-/۶۳	*-/۵۲	*-/۴۲

پس از انجام اصلاحات پیشنهادی نرم‌افزار و ایجاد کواریانس بین برخی از زیرمقیاس‌ها، تمام مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم مدل مفهومی اولیه معنادار شدند و شاخص‌های برازش مدل در وضعیت مطلوب و قابل قبولی قرار گرفت. نمودار مدل آزمون شده و ضرایب استاندارد مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم متغیرها روی روان‌آزردهی در شکل ۲ و ۳ ارائه شده است.



شکل ۲. مقادیر معناداری مدل ساختاری برای تبیین روان‌آزردهی بر اساس روان‌بندهای ناسازگار اولیه و صفات حرص و حسادت



شکل ۳. ضرایب استاندارد شده مدل ساختاری برای تبیین روان‌آزردهی بر اساس روان‌بندهای ناسازگار اولیه و صفات حرص و حسادت

نتایج حاصل از آزمون الگو، شاخص‌ها و مقادیر مربوط به هر یک از آنها در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. شاخص‌های برازش مدل

شاخص تناسب مدل	حد مجاز	ارزش‌های محاسبه شده مدل
IFI	۰/۹ و بیشتر	۰/۹۶
CFI	۰/۹ و بیشتر	۰/۹۶
NFI	۰/۹ و بیشتر	۰/۹۴
GFI	۰/۹ و بیشتر	۰/۹۰
AGFI	۰/۹ و بیشتر	۰/۸۶
RMSEA	کمتر از ۰/۱	۰/۰۶
$\frac{\chi^2}{df}$	کوچک‌تر از ۳	۲/۹۹

نتایج برازش مدل نشان داد که شاخص نیکویی برازندگی (GFI) و شاخص تعدیل یافته برازندگی (AGFI) به ترتیب معادل ۰/۹۰ و ۰/۸۶ به دست آمده که طبق این دو شاخص می‌توان گفت: مدل پیشنهادی دارای برازش قابل قبولی می‌باشد. مقدار شاخص برازندگی مقایسه‌ای (CFI) و شاخص برازش افزایشی (IFI) ۹۶/۰ به دست آمد که با توجه به بالاتر بودن از ۰/۹۵، نشان‌دهنده برازش خوب مدل پیشنهادی با داده‌ها است. مقدار شاخص برازش بنتلر- بونت (NFI) نیز برای داده‌های مدل ۰/۹۴ به دست آمده که بر اساس بیشتر بودن از ۰/۹، می‌تواند نشان‌دهنده برازش قابل قبول مدل باشد. از آنجا که جذر خطای میانگین مجزورات تقریب (RMSEA) به دست آمده (۰/۰۶) از مقدار ملاک (۰/۰۸) کمتر است، می‌توان گفت که بر اساس این معیار نیز، مدل پیشنهادی از برازش نسبتاً قابل قبولی برخوردار است. نسبت مجذور کای به درجه آزادی (χ^2/df) که برای برازش مدل‌ها به آن توجه می‌شود و مقدار مطلوب آن کمتر از ۳ است، برای مدل حاضر ۲/۹۹ به دست آمده است. به‌طور کلی، بررسی شاخص‌های برازش نشان می‌دهند که مدل پیشنهادی از برازش قابل قبولی برخوردار است. ضرایب استاندارد اثر مستقیم و غیرمستقیم متغیرها و ضرایب تعیین در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. مقادیر اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها در مدل

R ²	اثر کلی		اثر غیرمستقیم		اثر مستقیم		اثرات متغیرها
	T	ضریب استاندارد	T	ضریب استاندارد	T	ضریب استاندارد	
حرس	۲/۰۱	۰/۱۳	-	-	۲/۰۱	۰/۱۳	حرس بر روان‌آزردگی
	۲/۱۶	۰/۱۴	-	-	۲/۱۶	۰/۱۴	حسادت بر روان‌آزردگی
	۱۰/۶۰	۰/۷۲	۲/۸۲	۰/۱۵	۶/۷۷	۰/۵۷	روان‌بندها بر روان‌آزردگی
۰/۳۲	۹/۶۶	۰/۵۶	-	-	۹/۶۶	۰/۵۶	روان‌بندها بر حرس
۰/۳۲	۹/۹۸	۰/۵۶	-	-	۹/۹۸	۰/۵۶	روان‌بندها بر حسادت

همان‌طور که در جدول ۳ آمده است، همه اثرات مستقیم حرس، حسادت و روان‌بندهای

ناسازگار اولیه بر روان آزرده‌گی، روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه بر حرص و حسادت در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ به لحاظ آماری معنادار می‌باشد. این نتایج نشان می‌دهد که اثر غیرمستقیم روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه بر روان آزرده‌گی در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ به لحاظ آماری معنادار است. همچنین نتایج حاکی از آن است که اثرات کلی حرص، حسادت و روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه بر روان آزرده‌گی در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ به لحاظ آماری معنادار است. نتایج نشان داد که ۵۵ درصد از واریانس روان آزرده‌گی به وسیله سه متغیر حرص، حسادت و روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه تبیین می‌شود. همچنین ۳۲ درصد از واریانس هر یک از دو متغیر حرص و حسادت نیز به وسیله متغیر روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه قابل تبیین است.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش، جهت ارائه و آزمون مدل ساختاری برای تبیین روان آزرده‌گی بر اساس روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و صفات حرص و حسادت انجام شد. بررسی شاخص‌های برازش نشان داد که مدل پیشنهادی اولیه از برازش مطلوب و قابل قبولی برخوردار بود. همچنین نقش میانجی حرص و حسادت بین متغیر برون‌زا و روان آزرده‌گی تأیید و تمامی اثرات مستقیم از لحاظ آماری معنادار بودند.

این یافته که حرص، حسادت، روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و روان آزرده‌گی با هم رابطه دارند همسو با نتایج پژوهش ساطوریان (۱۳۹۵) و برخی نصوص اسلامی است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۰، ص ۲۱۷) است. در تبیین رابطه روان‌بنه‌ها با حرص و حسادت می‌توان گفت: شایع‌ترین محتویات منفی روان‌بنه‌ها پیش‌فرض‌ها، خاطرات و واکنش‌های عاطفی تداعی‌کننده در موضوعات ارزش خود، ماهیت زندگی، دنیا، زندگی اجتماعی، یکپارچگی / امنیت خود و ارزش دیگران است (فری، ۲۰۰۷، ص ۷۵ و ۱۰۱)، عملکرد و بازخوردهای فرد حریص و حسود نیز نشان می‌دهد که نشانگان این صفات اخلاقی - شخصیتی آنها، حاصل آسیب‌دیدگی ذهنیت‌های عمیق این افراد در موضوعات مذکور است. به عبارت دیگر، وضعیت فعلی و کنشوری افراد حریص و حسود نشان از شکل‌گیری و فعالیت روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه در آنها دارد. آموزه‌های اسلامی نیز زمینه اصلی حرص و حسادت را آسیب‌های شخصیتی می‌داند که افراد در گذشته گرفتار آن شده‌اند (ابن‌بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۶۹؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۳۲۴). بنابراین، روان‌بنه‌ها و احساسات منفی که در گذشته در افراد حریص و حسود شکل گرفته، موجب مکانیزم‌های شناختی، هیجانی و رفتاری خاصی در آنها شده

و با رفتارهایی مانند نفاق، زبان جسمی، خستگی، زیاده‌خواهی، ظلم، قطع ارتباط با نزدیکان، غیبت و سرزنش، بخل، کوتاهی در ستودن نیکی‌های دیگران، قدرناشناسی از دیگران، بغض درونی، چشم دوختن به نعمت دیگران، ضربه زدن به نزدیکان، تحقیر دیگران، سعی در جبران بیمارگونه ضعف، نقص و کمبودهای روحی خودشان می‌پردازند تا از این طرق بتوانند اندکی از میزان اضطراب و خشم و احساسات منفی خود بکاهند.

در تبیین این یافته که حرص بر روان‌آزردگی تأثیر دارد می‌توان گفت: فرد حریص نیز باورهای غلطی مبنی بر ترس از فقر و ناداری، بدبینی و ناامیدی نسبت به خداوند، آرزوهای دور و دراز، نارضایتی از وضع موجود دارد، که چنین باورهایی آرامش را از فرد حریص سلب می‌کند. فرد حریص دارای یک خلأ درونی است که به احساس حقارت (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۶۲)، احساس فقر (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۲۲؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۶۹)، احساس کهنتری و فقدان امنیت درونی او برمی‌گردد؛ لذا با داشتن بیشتر، می‌خواهد این احساس کمبود را از بین ببرد و جبران کند، حال آنکه احساس امنیت یک احساس درونی است و با عوامل بیرونی برطرف و جبران نخواهد شد همین موضوع می‌تواند زمینه‌نا سازگاری با دیگران را در او به وجود آورد و اضطراب، خشم و خصومت را نسبت به دیگران تجربه می‌کند و معمولاً آن را در قالب قطع ارتباط و ظلم نسبت به دیگران بروز می‌دهد. بنابراین، فرد حریص از یک طرف به خاطر نارضایتی از وضع موجود، زیاده‌خواهی، بخل ورزیدن و قطع ارتباط با نزدیکان، و از سوی دیگر به خاطر بدبینی نسبت به خدا و در نتیجه ناامیدی و عدم توکل به خداوند (طبرانی، ج ۲۲، ص ۷۸؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۷۶)، دچار روان‌آزردگی شده و آرامش را در زندگی دنیوی تجربه نخواهد کرد.

در تبیین این یافته که حسادت بر روان‌آزردگی تأثیر دارد می‌توان گفت: فرد حسود نیز همان‌گونه که میلفانت^۱ و گوویا^۲ (۲۰۰۹) بیان کردند خصومت و اندوه را تجربه می‌کند؛ خصومت ناشی از خواسته‌های نادرست، خشم حاصل از باور ذهنی بی‌عدالتی، اندوهی که با احساس حقارت حاصل از مقایسه ناکارآمد اجتماعی همراه است. فرد حسود در زمینه‌هایی مانند پذیرش حق (شوری: ۱۴)، پذیرفتن تقدیر الهی (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱۳۱۷)، و برتری دیگران مشکل دارد، لذا به خاطر اندوهی که به سبب احساس حقارت درونی (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۸۵۹) ناشی از مقایسه، تجربه می‌کند، دچار خشم و بغض درونی خواهد شد و ضمن اینکه به داشته‌های دیگران حرص می‌ورزد،

آرزوی سلب نعمت از دیگران نیز می‌کند. در نتیجه فرد حسود آرامش خود را از دست خواهد داد و دچار بی‌قراری، افسردگی، خصومت و حرص و به معنای دقیق‌تر دچار روان‌آزرده‌نگی می‌شود. به عبارت دیگر، افراد حسود با داشتن ویژگی‌هایی مانند طمع در نعمت دیگران (نساء: ۵۴)، آرزوی سقوط معنوی رقیب (بقره: ۱۰۹) حرص به داشته‌های دیگران (نساء: ۳۲)، سرزنش‌کننده، بخیل، پرخاشگر، تحقیرکننده و دورویی همراه بوده و دارای روابط اجتماعی ناسالم و تمایل به سلب نعمت‌های دیگران دارند (فتحی‌آشتیانی و داستانی، ۱۳۸۹). لذا همین ویژگی‌ها می‌تواند زمینه کاهش کنترل هیجانات منفی مانند اندوه، حسرت، خشم و اضطراب در فرد حسود شده و زمینه ناسازگاری با دیگران و روان‌آزرده‌نگی را در او به وجود آورد. به‌طور کلی می‌توان گفت باورهای غیرمنطقی، احساس ضعف و حقارت درونی، زمینه‌ساز عدم تعادل روانی در افراد حریص و حسود یا به عبارت دیگر، روان‌آزرده‌نگی آنها خواهد شد. بنابراین، حسادت و حریص بودن، همراه با باورهای غیرمنطقی، کاهش کنترل تکانه و کاهش میزان سازش با دیگران، خشم، خصومت و اضطراب است.

در تبیین این یافته که حرص و حسادت نقش میانجی بین روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه با روان‌آزرده‌نگی دارند می‌توان چنین گفت: با توجه به اینکه شایع‌ترین محتویات منفی روان‌بنه‌ها پیش‌فرض‌ها، خاطرات و واکنش‌های عاطفی تداعی‌کننده در موضوعات ارزش خود، ماهیت زندگی، دنیا، زندگی اجتماعی، یکپارچگی، امنیت خود و ارزش دیگران است (فری، ۲۰۰۷) و بازخوردهای فرد حریص و حسود نیز نشان می‌دهد که نشانگان این صفات حاصل آسیب‌دیدگی ذهنیت‌های عمیق آنها در موضوعات مذکور است و آموزه‌های اسلامی نیز زمینه اصلی حرص و حسادت را آسیب‌های شخصیتی می‌داند که فرد در گذشته گرفتار آن شده است. بنابراین، در حسادت شکل‌گیری شناخت‌های غلط و مغشوش نسبت به خود، خداوند، دیگران و آینده در نپذیرفتن حقیقت، خطا در ارزیابی تقدیر الهی، نپذیرفتن تقدیر الهی، باور نکردن برتری دیگران، خود برتری‌بینی، نادانی دربارهٔ ماهیت دنیا (شوری: ۱۴؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲؛ دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱؛ اعراف: ۱۲؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵) موجب می‌گردد چنین فردی به لحاظ ارزشی، خود را بی‌ارزش و ناایمن بباید. به نظر می‌آید چنین برداشتی از خود است که موجب می‌شود فرد حسود، احساسات حسرت، حقارت، بی‌حوصلگی، اندوه، ترس، ناآرامی، تأسف، بی‌قراری و خشم را دائماً تجربه نماید و برای حفظ خود از چنین وضعیت دشوار روانی با مکانیزم‌های شناختی، هیجانی و رفتاری درصدد جبران برآید و با بروز رفتارهای نوروپیک مانند غیبت، سرزنش، بخل، کوتاهی در ستودن نیکویی‌های دیگران، قدرناشناسی از دیگران،

اظهار دوستی، بغض درونی، چشم دوختن به نعمت دیگران، ضربه زدن به نزدیکان، تحقیر دیگران و نفاق و دورویی به جبران نوروتیک ضعف، نقص و کمبودهای روحی خود پرداخته و از میزان اندوه، حسرت و خشم خود بکاهد. اما در فرد حریص، همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، به دلیل احساس حقارت، احساس نیاز، عدم اعتماد و اطمینان و ترسی که فرد در درون خود احساس می‌کند (ابن‌بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۶۹؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۳۲۴) و به لحاظ ارزشی، خود را بی‌ارزش و ناایمن می‌یابد. به نظر می‌آید چنین برداشتی از خود در فرد حریص، همراه با اضطراب و خشم نیز بوده و سبب می‌گردد که فرد با مکانیزم‌های شناختی، هیجانی و رفتاری درصد جبران برآید و با روی آوردن به عالم خیال و توهم و ایجاد شناخت‌های غلط از خود و غیر خود مبنی بر احساس فقر، بدبینی به خدا و ناامیدی از خدا، نارضایتی از وضع موجود، آرزوهای دور و دراز و بروز رفتارهای نوروتیک مانند بخل و قطع ارتباط با نزدیکان، به جبران نوروتیک ضعف، نقص و کمبودهای روحی خود پرداخته و از میزان اضطراب و خشم خود بکاهد. همچنین انتخاب سبک‌های مقابله‌ای ناکارآمد از سوی افراد حریص در زمان فعال‌سازی روان‌بنه‌ها، به نفاق، زیان جسمی، خستگی، زیاده‌خواهی و ظلم منجر می‌گردد.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش، فقر ادبیات روان‌شناختی در زمینه نقش صفات اخلاقی در شخصیت و ویژگی‌های شخصیتی و روابط میان آنها و نیز محدود بودن جامعه و نمونه پژوهش نیز از جمله محدودیت‌های این پژوهش بود. لذا بررسی روابط صفات اخلاقی و دیگر ویژگی‌ها و ابعاد شخصیت در پژوهش‌های آتی با جامعه و نمونه‌های متفاوت می‌تواند به روشن‌تر شدن نقش صفات اخلاقی در این حوزه کمک کند.

منابع

- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، محقق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مکتبه آیه‌الله مرعشی النجفی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، قم: انتشارات اسلامی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲)، الخصال، قم: جامعه مدرسین.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۳)، عیون اخبار الرضا، قم: چاپ مهدی لاجوردی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۸)، من لایحضره الفقیه، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، محقق علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
- انجمن روان‌پزشکی آمریکا (۱۹۹۴)، متن تجدیدنظر شده راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی، ترجمه محمدرضا نیکخو و هامایاک آوادیس یانس (۱۳۸۱)، تهران: سخن.
- آهی، قاسم؛ محمدی‌فر، محمدعلی و بشارت، محمدعلی (۱۳۸۶)، «اعتباریابی مقیاس طرح‌واره سازش نایافته (فرم کوتاه)»، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، سال سی‌وششم، شماره ۳، ص ۵-۲۰.
- بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۶ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق قسم الدراسات الاسلامیه موسسه البعثه، تهران: بنیاد بعثت.
- بهرامی احسان، هادی و پورنقاش، تهرانی، مرضیه (۱۳۸۸)، «رابطه پابندی به اعتقادات مذهبی با سلامت روانی و هویت‌یابی مذهبی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارجاسب»، معرفت، شماره ۴۸، ص ۲۵-۳۲.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶)، غررالحکم و دررالکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- حداد عادل، غلامعلی (۱۳۸۸)، دانشنامه جهان اسلام، تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی.
- حقیقی، عالیه و سماواتیان، حسین (۱۳۹۰)، «رابطه ویژگی‌های شخصیتی همکاران و زیردستان با نحوه ارزیابی آنان از عملکرد سرپرستان و مدیران»، دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، سال دوازدهم، شماره ۴، ص ۸۱-۹۰.
- خدانقاهی، محمد و خوانین‌زاده، مرجان (۱۳۷۹)، «بررسی ساخت شخصیت در جهت‌گیری مذهبی دانشجویان»، روان‌شناسی و دین، سال چهارم، شماره ۲، ص ۱۷۰-۱۸۹.
- دیلمی، حسن ابن احمد (۱۴۱۲ق)، إرشاد القلوب إلى الصواب، قم: الشریف الرضی.
- رضایی، مهدی؛ غلامرضایی، سیمین؛ سپهوندی، محمدعلی؛ غضنفری، فیروزه و دریکوند، فضل‌الله (۱۳۹۲)، «توان طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و ابعاد شخصیت در پیش‌بینی افسردگی»، مجله اندیشه و رفتار، دوره هشتم، شماره ۲۹، ص ۷۷-۸۷.
- رضاییان، حسین؛ ساطوریان، سیدعباس؛ هراتیان، عباس‌علی و حسینی مطلق، سیدمهدی (۱۳۹۵)، «نقش میانجی صفت حرص در رابطه بین کبر و حسادت»، اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی، سال دوم، شماره ۴، ص ۸۵-۹۸.
- ساطوریان، سیدعباس (۱۳۹۵)، «نقش صفات اخلاقی کبر، حرص و حسادت در پیش‌بینی روان‌آزرده‌نگی»، روان‌شناسی و دین، سال نهم، شماره ۳۴، ص ۵۵-۷۲.
- شایقیان، زینب؛ آگیلار وفایی، ماریا و رسول‌زاده طباطبایی، سیدکاظم (۱۳۹۰)، «بررسی طرح‌واره‌ها و پیوند والدینی در دختران نوجوان با وزن طبیعی، چاق و یا دارای علائم بی‌اشتهایی عصبی»، پژوهنده، شماره ۱، ص ۳۰-۳۸.
- شریف‌الرضی، محمدحسین (۱۳۷۸)، نهج البلاغه، ترجمه محمد میردشتی، تهران: کاشف.
- شهامت، فاطمه (۱۳۸۹)، «پیش‌بینی نشانه‌های سلامت عمومی (جسمانی‌سازی، اضطراب و افسردگی) بر اساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه»، فصلنامه روان‌شناسی (دانشگاه تبریز)، سال پنجم، شماره ۲۰، ص ۱۰۳-۱۲۴.
- غزالی، محمد بن محمد (۱۳۶۸)، احیاء علوم الدین، تهران: حسین خدیوچم.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۴۰۶ق)، المستدرک علی الصحیحین، بیروت: یوسف عبدالرحمان مرعشی.

- فتال نیشابوری، محمدین احمد (۱۳۷۵ق)، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، قم: انتشارات رضی.
- فتحی آشتیانی، علی و داستانی، محبوبه (۱۳۸۹)، آزمون‌های روان‌شناختی، ارزشیابی شخصیت و سلامت روان، چ چهارم، تهران: بعثت فری، مایکل (۲۰۰۷)، شناخت درمانگری گروهی، ترجمه مسعود جان‌بزرگی (۱۳۸۸)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- قربانی، نیما (۱۳۷۷)، «روان‌شناسی دین: یک روی‌آورد علمی چندتباری»، قبسات، سال سوم، شماره ۸ و ۹، ص ۲۲-۴۵.
- القمی، علی (۱۴۱۶ق)، سفینه‌البحار و مدینه‌الحکم والأقار، تهران: اسوه.
- کلینی، محمدین یعقوب (۱۳۶۵)، الکافی، چ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گروسی فرشی، میرتقی (۱۳۷۷)، هنجاریابی آزمون جدید شخصیتی نتو و بررسی تحلیل ویژگی‌ها و ساختار عاملی آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های ایران، رساله دکتری روان‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، بحارالانوار، بیروت: الوفاء.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۸)، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب.
- موسوی، مجتبی (۱۳۴۱)، «درسی از اخلاق: حرص با یک شهوت نامحدود»، درس‌هایی از مکتب اسلام، سال چهارم، شماره ۱۱، ص ۲۸-۳۱.
- نادری، عزت‌الله و سیف نراقی، مریم (۱۳۹۰)، روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی (با تأکید بر علوم تربیتی)، تهران: نشر ارسباران.
- نراقی، احمد (۱۳۷۷)، معراج‌السعاده، تهران: دهقان.
- نراقی، مهدی (۱۳۸۷)، جامع‌السعادات، نجف: محمد کلاتر.
- نوری طبرسی، میرزااحسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک‌الوسائل و مستنبط‌المسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- هراتیان، عباس‌علی؛ آگاه‌هریس، مژگان، محمدی، زهرا و شمسی‌نژاد، فاطمه‌السادات (۱۳۹۳)، «ساخت و اعتباریابی مقیاس اسلامی حرص-قناعت»، روان‌شناسی و دین، سال ششم، شماره ۲۸، ص ۵-۲۲.
- هراتیان، عباس‌علی؛ ساطوریان، سیدعباس؛ ترکشوند، جواد و احمدی، محمدرضا (۱۳۹۴)، «رابطه روان‌بنده‌های ناسازگار اولیه، ویژگی‌های شخصیتی و صفت اخلاقی حسادت»، روان‌شناسی و دین، سال نهم، شماره ۳۵، ص ۱۲۱-۱۳۸.
- ولی‌زاده، ابوالقاسم و آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۹)، «آزمون اولیه سنجش حسادت با تکیه بر منابع اسلامی»، روان‌شناسی و دین، سال سوم، شماره ۲، ص ۴۵-۶۰.
- ولی‌زاده، ابوالقاسم؛ هراتیان، عباس‌علی و احمدی، محمدرضا (۱۳۹۴)، «اعتبار و روایی و ساختار عاملی فرم تجدید نظر شده مقیاس اسلامی حسادت»، دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، دوره شانزدهم، شماره ۳، ص ۱۰۰-۱۱۲.
- یانگ، جفری؛ کلسکو، ژانت و ویشار، مارجوری (۲۰۰۳)، طرح‌واره‌درمانی: راهنمای کاربردی برای متخصصین بالینی، ترجمه حسن حمیدپور و زهرا اندوز (۱۳۹۱)، تهران: ارجمند.
- یوسف‌نژاد شیروانی، مانده و پیوسته‌گر، مهرانگیز (۱۳۹۰)، «رابطه رضایت از زندگی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در دانشجویان»، دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، سال دوازدهم، شماره ۲، ص ۵۵-۶۵.
- یوسفی، رحیم؛ عابدین، علیرضا؛ تیرگری، عبدالحکیم و فتح‌آبادی، جلیل (۱۳۸۹)، «اثر بخشی مداخله آموزشی مبتنی بر مدل طرح‌واره‌ها در ارتقا رضایت زناشویی»، روان‌شناسی بالینی، سال دوم، شماره ۷، ص ۲۵-۳۷.
- Ashton, M.C., & Lee, K. (2005). Honesty-humility, the Big Five, and the five-factor model. *Journal of Personality*, 73 (5), 1321-1354.
- Baranoff, J., Oei Tian, P.S., Seong Hc. & Kwon, S.M. (2006). Factor Structure and Internal Consistency of the Young Schema Questionnaire (Short Form) in Korean and Australian

- Samples. *Journal of Affective Disorders*; 93:133-40.
- Clarke, S. & Robertson, I.T. (2005). A meta-analytic review of the big five personality factors and accident involvement in occupational and non-occupational settings. *Journal of Occupational and Organisational Psychology*, 78, 355-376.
- Donnellan, M.B., Conger, R.D. & Bryant, C.M. (2004) The big five and enduring marriages. *Journal of Research in Personality*; 38:481-504.
- Francis, L.J., Lewis, J.M., Brown, L.B., Philipchalk, R. & Lester, D. (1995). Personality and religion among undergraduate students in the United Kingdom, United States, Australia and Canada. *Journal of Psychology and Christianity*; 14:250-262.
- Hansen, C.P. (1988). Personality characteristics of the accident involved employee. *Journal of Business and Psychology*, 2, 346-365.
- Kosek, R.B. (1999). Adaptation of the Big Five as hermeneutic instrument for religious constructs. *Personality and Individual Differences*, 27, 229-237.
- Lewis, C.A. & Maltby, J. (1995). Religiosity and personality among U.S. adults. *Personality and Individual Differences*; 18:293-295.
- Lumley, M.N. & Harkness, K. (2007). Specificity in the Relations among Childhood Adversity, Early Maladaptive Schema and Symptom Profile in Adolescent Depression. *Journal of Cognitive Therapy Research*. 31, 639-657.
- Maltby, J. (1999). Religious orientation and Eysenck's personality dimensions: The use of the amended religious orientation scale to examine the relationship between religiosity, psychoticism, neuroticism and extraversion. *Personality and Individual Differences*; 26:79-84.
- Mark, E.B. & Davina, J.F. (2010). Neuroticism, stress, and coping in the context of an anagram-solving task. *Journal of Personality and Individual Difference*. 49 (5), 380-385.
- McCrae, R.R. & Costa, Jr. (1999). A five-factor theory of personality. In: *Handbook of personality: Theory and research*. LA Pervin and OP John. New York: Guilford Press..p.139-53.
- McCullough, M.E., Tsang, J.A. & Brion, S. (2003) Personality Traits in Adolescence as Predictors of Religiousness in Early Adulthood: Findings from the Terman Longitudinal Study. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 29(8), 980-991.
- Milfont, T.L. & Gouveia, V.V. (2009). A Capital Sin: Dispositional Envy and its Relations to Wellbeing, *Interamerican Journal of Psychology*, 43 (3), 547-551.
- Muris, P. (2006). Maladaptive schemas in non-clinical adolescents: relations to perceived parental rearing behaviours, big five personality factors and psychopathological symptoms. *Clinical Psychology and Psychotherapy*, 13, 405-413.
- Ponce, A.N., Williams, M.K. & Allen, G.J. (2004). Experience of maltreatment as a child and acceptance of violence in adult intimate relationships: mediating effects of distortions in cognitive schemas. *Journal of Violence and Victims*, 19, 97-108.
- Saroglou, V. & Fiasse, L. (2003). Birth order, personality, and religion: A study among young adults from a three-sibling family, *Personality and Individual Differences*, 35, 19-29.
- Saroglou, V. & Munoz-Garcia, A. (2008). individual differences in religion and spirituality: an issue of personality traits and/or values. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 47(1), 83-101.
- Saroglou, V. (2002). Religion and the five factors of personality: A meta-analytic review. *Personality and Individual Differences*; 32:15-25.
- Sava, F.A. (2009). Maladaptive schemas, irrational beliefs, and their relationship with the five-factor personality model. *Journal of Cognitive and Behavioral Psychotherapies*, 9, 135-147.
- Schoeck, H. (1969). *Envy: A theory of social behavior*. New York: Harcourt, Brace, and World.
- Seligman, M.E.P. (2002). *Authentic Happiness: Using the New Positive Psychology to Realize Your Potential for Lasting Fulfillment*. New York: Free Press/ Simon and Schuster.
- Seligman, M.E.P., Schulman, P., & Tryon, A. (2007). Group prevention of depression and anxiety symptoms. *Journal of Behavior Research and Therapy*, 45(6), 1111-1126.
- Smith, D.L. (1996). Private prayer, public worship and personality among 11-15- year-old

- adolescents. *Personality and Individual Differences*; 21:1063–1065.
- Smith, R.H., Parrot, W.G., Diener, E., Hoyle, R.H., & Kim, S.H. (1999). Dispositional envy, *Personality and Social Psychology Bulletin*, 25(8), 1007-1020.
- Taylor, A. & MacDonald, D.A. (1999). Religion and the five factor model of personality: An exploratory investigation using a Canadian university sample. *Personality and Individual Differences*; 27:1243–1259.
- Terracciano, A., Löckenhoff, C.E., Bienvén, O.J. & Costa, T.P. (2008). Five-factor model personality profiles of drug users. Retrieved January_ 27, 2012, from: www.biomedcentral.com.
- Wink, P., Ciciolla, L., Dillon, M. & Tracy, A. (2007). Religiosity, spiritual seeking and personality: Findings from a longitudinal study. *Journal of personality* 75 (5), 1051-1070.
- Zlatan Krizan, Z. & Johar, O. (2012). Envy Divides the Two Faces of Narcissism. *Journal of Personality*. doi: 10.1111/j.1467-6494.2012.00767.x.

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵، ص ۶۰ - ۸۰

از خداآگاهی تا خودمهارگری؛ آزمون یک مدل با کاربرد تحلیل مسیر

From God-awareness to Self-control; The Test of a Model through the Path Analysis

عبدالله رحیمی / کارشناسی ارشد روان‌شناسی، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت
رحیم میردیریکوندی / استادیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
مسعود نورعلیزاده میانجی / دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

Abdullah Rahimi / MA in Psychology, UAE.

h.r.62464@gmail.com

Rahim Mirdirikvandi // Assistant Professor of Psychology, IKI.

Mas'ud Nur-Alizade Mianji / PhD Student of Psychology, IKI.

The present research aims at identifying the relationship and the model of causal relation between God-awareness and self-control with intermediating role of self-awareness and self-respect among men and women. The research method is descriptive and of correlation type. The path analysis method was used to analyze the data of four scales of God-awareness, self-control, consistent self-knowledge, and self-respect. The scales were tested on 322 university students in Jame'a al-Zahra and Jame'a al-Mustafa, selected through cluster sampling method. The findings show a meaningful positive relationship between God awareness and self-control with the intermediating role of self-awareness and self-respect. Thus,

چکیده

پژوهش پیش‌رو با هدف شناسایی رابطه و مدل ارتباط علی بین خداآگاهی و خودمهارگری با میانجی‌گری خداآگاهی و حرمت خود در میان زنان و مردان انجام گرفت. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است که از روش تحلیل مسیر، برای تجزیه و تحلیل داده‌های چهار مقیاس خداآگاهی، خودکنترلی، خودشناسی انسجامی و حرمت خود که به‌طور هم‌زمان بر روی ۳۲۲ نفر از دانشجویان جامعه‌المصطفی و جامعه‌الزهرا با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای اجرا شده بود، استفاده شد. یافته‌ها حاکی از وجود رابطه معنادار و مثبت بین خداآگاهی و خودمهارگری با میانجی‌گری خداآگاهی و حرمت خود و برآزش مطلوب مدل علی ارائه شده و الگوی تحلیل مسیر

the effect of self-awareness and mentioning God in self-control is explainable through the processes of self-awareness and self-respect.

KEYWORDS: God-awareness, Self-control, Self-awareness, Self-respect, Path Analysis.

خداآگاهی تا خودمهارگری از طریق میانجی-گری خودآگاهی و حرمت خود بود. بنابراین، تأثیر خداآگاهی و ذکر و یاد خداوند در خودمهارگری از طریق فرایندهای خودآگاهی و حرمت خود، تبیین‌پذیر است.
کلیدواژه‌ها: خداآگاهی، خودمهارگری، خودآگاهی، حرمت خود، تحلیل مسیر.

مقدمه

«خودمهارگری» به‌عنوان توانایی عالی انسانی برای یک زندگی ارزشمند، امری حتمی و اجتناب‌ناپذیر است. خودمهارگری، ویژگی کلیدی است که وجود آدمی را از سایر گونه‌های حیوانی متمایز می‌سازد (کراس^۱ و میشل^۲، ۲۰۱۰، ص ۴۲۸). خودمهارگری برترین فضیلت است؛ به این معنا که در تحقق فضایل و اجتناب از رذایل، وجودش ضرورت دارد (گیبیر^۳ و بامیستر^۴، ۲۰۰۵، ص ۴۱۳ به نقل از تیبیک، قربانی و رضازاده، ۱۳۹۲، ص ۷۲). موضوع مهار خویشتن موضوعی جدید و مخصوص علم روان‌شناسی معاصر نیست، بلکه از زمان‌های بسیار گذشته با عناوین دیگر مورد بحث و بررسی بوده است. این موضوع را می‌توان در آثار فیلسوفان یونانی تحت عنوان عقل و مقابله با هوای نفس و شهوات، ردیابی کرد. در منابع اسلامی از کلماتی مانند تقوا، صبر، حلم که به نوعی مفهوم خودمهارگری را می‌رسانند استفاده شده است. اما در عرصه روان‌شناسی، ویلیام جیمز^۵ (۱۸۹۰) با طرح موضوعات مهمی چون اراده، توجه و عادت، جزو اولین کسانی است که این موضوع را به این عرصه کشاند. از نگاه وی مفهوم اراده با توانایی مهار افکار و رفتار توسط خویشتن پیوند خورده است. از دید پژوهشگران، تقریباً همه مشکلات عمده شخصی و اجتماعی مستلزم نوعی شکست در خودمهارگری می‌باشد (بامیستر، اسمیشل^۶ و واس^۷، ۲۰۰۷، ص ۵۱۷). خودمهارگری نامناسب با مشکلات رفتاری و مهار تکانه از جمله پرخوری، سوءمصرف مواد و الکل، جنایت و خشونت و نقض قوانین، مرتبط می‌باشد. اهمیت خودمهارگری در زندگی انسان موجب شده است که پژوهشگران، عوامل اختصاصی افزایش خودمهارگری را بررسی کنند (رفیعی‌هنر، جان‌بزرگی، پسندیده و رسول‌زاده طباطبایی، ۱۳۹۳، ص ۶). در آموزه‌های دین اسلام به مسئله خودمهارگری در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی تأکید

1. Krass, E.

2. Mischel, W.

3. Geyer, A.L.

4. Baumeister, R.F.

5. James, W.

6. Schmeichel, B.J.

7. Vohs, K.D.

فراوانی شده است. به نظر می‌رسد این عنوان در قالب مفاهیمی اساسی چون تقوا، عقل، صبر و مفاهیم فرعی چون محاسبه نفس، خوف، رجاء، حياء، محبت، عبرت، عفت و حلم، مطرح شده است (رفیعی‌هنر، ۱۳۹۵، ص ۱۸۷). بنابر آنچه از آیات^۱ و روایات^۲ استفاده می‌شود، انسان از دو نیروی متضاد برخوردار است، یکی مایه سعادت و دیگری باعث شقاوت است. سعادت انسان در گرو تبعیت از عقل، شقاوت او در پی تبعیت از هوای نفس بوده و تسلط انسان بر نفس اماره قهری و غیرقابل کنترل نبوده و انسان در این میدان بی‌اختیار نیست. از این رو، برای کسب سعادت می‌توان در برابر این نیرو ایستاد و خود را کنترل کرد و در این صورت است که مفهوم جهاد نفس معنی می‌یابد (پسندیده، ۱۳۸۹، ص ۷۲). بنابراین، یکی از عرصه‌های حائز اهمیت در مسئله خودمهارگری شناسایی متغیرهای تأثیرگذار در خودمهارگری است. با جست‌وجو در منابع اسلامی می‌توان به سه متغیر در این زمینه دست یافت.

پژوهشگرانی از جمله بامیستر و اکسلین^۳ (۱۹۹۹)، مک‌کالخ^۴ و برین^۵ (۲۰۰۹)، دیسموند^۶ اولمر^۷ و بادر^۸ (۲۰۰۷)، تأثیر قدرت دین در پرورش و تقویت توان خودمهارگری را مورد بررسی قرار داده‌اند. خداآگاهی اساسی‌ترین مؤلفه دین است و شاکله اصلی دینداری را تشکیل می‌دهد. خداآگاهی عبارت است از: حالت توجه و احساس حضور خدا و تلاوم این حالت که ریشه در بازشناسی مفهوم «ذکر» دارد (نورعلیزاده میانجی، ۱۳۹۴، الف، ص ۱۸، ۳۳ و ۷۵). به یاد خداوند بودن و خود را در محضر او دیدن را می‌توان به‌عنوان بزرگترین عامل مهار خویشتن از ناپاکی‌ها و ناهنجاری‌ها و ناپسندی‌ها دانست. در روایتی از امیرالمؤمنین علی^{علیه السلام} آمده است: «برترین ذکر این است که در کنار کارهای حرام خداوند را یاد کنی تا این یاد مانعی در برابر ارتکاب حرام شود» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۹۰). در حدیثی از امام صادق^{علیه السلام} نقل شده است: «هر که به حقیقت، ذاکر خداوند باشد پس اطاعت‌کننده باشد و هر که از خداوند غافل باشد پس عصیان‌گر خواهد بود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۰، ص ۱۵۸).

حجم کم اما رو به تزایدی از پژوهش‌ها نشانگر این است که عموم افراد و به ویژه جوانانی که در معرض فعالیت‌های مذهبی و معنوی قرار دارند، از یک ظرفیت بازدارندگی بالقوه در مقابل بزهکاری برخوردارند (جانسون^۹ و همکاران، ۲۰۰۱، ص ۵، به نقل از خانزاده، همتی علمدارلو، آقابابایی، مرادی و رضایی، ۱۳۹۰، ص ۲۰). به گفته مک‌کالخ و برین (۲۰۰۹)، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که افراد با نمرات بالا در اندازه‌های خودمهارگری و ابعاد شخصیتی که دربرگیرنده خودمهارگری هستند، تمایل

۱. برای نمونه: یوسف: ۵۳. ۲. برای نمونه: کلینی (۱۴۰۷)، ج ۱، ص ۲۱، ج: ۱۴ حدیث جنود عقل و جهل.

3. Exlin, J.J.

4. McCullough, M.E.

5. Briann, L.B.

6. Desmond, S.A.

7. Ulmer, J.T.

8. Bader, C.D.

9. Jansson, D.

دارند که مذهبی‌تر باشند. در این ارتباط، بازنگری بیش از دوازده پژوهش نشان داده است که اندازه‌های مذهبی بودن با اندازه‌های کلی خودمهارگری مرتبط است. در همین راستا، عزیز و رحمن (۱۹۹۶) دریافتند که مذهبی بودن در میان مسلمانان با خودمهارگری ارتباط مثبت دارد. لازم به ذکر است که روابط مذهبی بودن و خودمهارگری به‌طور کلی در نمونه‌های نوجوانان، دانشجویان دانشگاه، بزرگسالان جامعه نیز قوی بوده است (خانزاده و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲۰). تحقیقات دیسموند و همکاران (۲۰۰۷) نشان داد که بین دینداری نوجوانان و خودمهارگری، رابطه مثبت معناداری وجود دارد و هر دو متغیر دینداری و خودمهارگری با کاهش رفتارهای مجرمانه همچون مصرف الکل و ماری‌جوانا در ارتباط است. همچنین خدایاری‌فرد و شهبایی (۱۳۸۸)، نشان دادند که بین سطح دینداری فرد و گرایش به مصرف مواد، رابطه منفی معنادار وجود داشته و در عین حال، بین خودکنترلی پایین و گرایش به مصرف مواد رابطه معنادار مثبت وجود دارد. برخی از مؤلفان (برای مثال، گیبر و با میستر، ۲۰۰۵) قدرت دین در پرورش و تقویت رفتارهای فضیلت‌مندانه اخلاقی را به وسیله ابزار بهبودی خود مهارگری، مورد بررسی قرار داده‌اند و در نهایت صالحی، نارویی و جندقی (۱۳۹۲) در پژوهشی اثربخشی یاد خدا را که یکی از مؤلفه‌های اصلی دینداری است؛ بر خودمهارگری را مورد مطالعه قرار داده و به این نتیجه رسیدند که یاد خدا، میزان خودمهارگری را افزایش می‌دهد.

خداآگاهی هسته مرکزی دینداری است و احتمالاً می‌تواند به صورت مستقیم و یا با تحقق عملیات سازه‌های معنوی و روان‌شناختی دیگر نقش مؤثری را در خودمهارگری ایفا کند (نورعلیزاده میانجی، ۱۳۹۴، ص ۱۰). با مرور مبانی نظری و آموزه‌های اسلامی و پیشینه پژوهش‌های روان‌شناختی می‌توان نقش و سازوکار میانجی‌گری (واسطه‌ای) سازه‌های روان‌شناختی، مانند خودآگاهی^۱ و حرمت خود^۲ را در تحلیل علی مسیر خداآگاهی تا خودمهارگری تبیین کرد.

خودآگاهی از یک سو با خداآگاهی ارتباط دارد و از سوی دیگر، با خودمهارگری همراهی دارد. این اصطلاح با گذر از پیچ و خم‌های تکامل مفهوم‌شناختی و با عبور از مفاهیمی چون خودهشیاری^۳ به خودآگاهی رسیده است (نورعلیزاده میانجی، ۱۳۹۴، ص ۱۰). خودآگاهی فراتر از مفهوم خودشناسی^۴، یک ساختار سازش‌دهنده، پویایی و انسجام‌بخش است که از رشد ساختارها و فرایندهای شناختی و نیز عواطف و احساسات تنیده در آن حاصل می‌شود و شامل درک، توجه، هشیاری و آگاهی از ابعاد وجودی، ویژگی‌ها، افکار، احساس‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای خود در طی زمان است که نتیجه

آن، ایجاد دید وسیع‌تر برای هدایت رفتار و تشکیل طرح‌واره‌های فردی پیچیده‌تر و کامل‌تر است و موجب حرمت خود و خودمهارگری می‌گردد. در واقع خودآگاهی نه تنها شامل خودشناسی و شناخت ابعاد گوناگون وجود خود است، بلکه حالت توجه و آگاهی به آن شناخت و دیگر کنش‌های روان‌شناختی، مانند خودتأملی،^۱ خودسنجی^۲ و خودنظم‌بخشی^۳ را نیز دربر می‌گیرد (همان، ۱۳۹۴ الف، ص ۸۵ و ۱۰۵). خودآگاهی به دلیل اینکه میانجی‌گری بسیاری از فرایندها را بر عهده دارد، از اهمیت بسزایی برخوردار است (محسنی، ۱۳۷۵، ص ۵۸).

از نظر قرآن راه صحیح بازیافتن خود، توجه به خداست. از غفلت و نسیان خدا غفلت و نسیان نفس و از توجه و ذکر خدا توجه و ذکر نفس پیدا می‌شود.^۴ از نظر قرآن معرفت واقعی نفس و رب و تذکر واقعی نفس و رب از یکدیگر جدا نیست (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۴۹۲).

در حوزه مطالعات علمی روان‌شناختی، آلپورت^۵ (۱۹۶۰) معتقد است: در جهت‌گیری مذهبی درونی، خودآگاهی وجود دارد (آذربایجانی و موسوی‌اصل، ۱۳۸۵، ص ۱۱۱). پژوهش قربانی و همکاران نشان داد که خودشناسی انسجامی^۶ با سالم‌ترین اشکال دینداری در هر دو فرهنگ ایران و آمریکا همبستگی دارد (قربانی و واتسن، ۱۳۸۴، ص ۵). اساساً تجربه دینی و عرفانی همین افزایش بیش‌ازپیش خودآگاهی تا مرحله آگاهی محض است؛ آگاهی از وجود متعالی درون خود و اتکای مطلق و عین ربط بودن خود به خدا است (رو، ۱۳۷۹، ص ۲۸۶؛ آذربایجانی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۸). پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه خداانگاره^۷ و باور به خدا نیز حاکی از نقش آن در فرایندهای روان‌شناختی مرتبط با خودآگاهی است. مطالعات لارنس^۸ (۱۹۹۷)، شاپ‌جانکر^۹ و همکاران (۲۰۰۲)، بنسون^{۱۰} و اسپیلکا^{۱۱} (۱۹۷۳)، اسپیلکا، ادیسون^{۱۲} و روزنسون^{۱۳} (۱۹۷۵)، تیزدل و همکاران (۱۹۹۷) (به نقل از نورعلیزاده میانجی، ۱۳۹۴ ب، ص ۱۲) نشان داده است که کیفیت تصور از خدا (خداانگاره) افراد با خداانگاره و چگونگی تصور از خود (خود پنداشت^{۱۴}) و دیگر کارکردهای شخصیتی مرتبط با خود، مانند حرمت خود، همبستگی دارد و بر همدیگر تأثیر می‌گذارند. قنبری، هاشم‌آبادی و اشرف (۱۳۹۱)، نشان داد ادراک خدا با خودپنداره^{۱۵} و احساس خودکارآمدی ارتباط دارد. در نهایت، پژوهش نورعلیزاده میانجی (۱۳۹۰)، نشان داد که بین خودآگاهی و خودآگاهی رابطه مستقیم معنادار و مثبت وجود دارد و عامل اثربخش خداآگاهی توان پیش‌بینی خودآگاهی را دارد.

1. self- reflection or self-reflectiveness

2. self-evaluation

3. self regulation

۴. وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (حشر: ۱۹).

5. Allport, G.W.

6. integrative self-knowledge

7. god image

8. Lawrence, R.T.

9. Schapp-jonker, H.

10. Benson, P.

11. Spilka, B.

12. Addison, J.

13. Rosensohn, M.

14. self concept.

15. self image

فقدان خودآگاهی در شکست خودمهارگری نیز نقش دارد (رفیعی‌هنر، ۱۳۹۲، ص ۱۵۳). رابینز^۱ و همکاران (۱۹۹۹) در بررسی ارجاعات به «خود»^۲، متذکر شدند که خود از طریق فرایندهای خودآگاهی، نظم‌دهنده رفتار و تجربه انسانی است (نورعلیزاده میانجی، بشیری، جان بزرگی، ۱۳۹۱، ص ۶). فرایندهای خودآگاهی فرآیندی به هم پیوسته است که با به هوشیاری^۳ آغاز می‌شود، از گذرگاه خودشناسی می‌گذرد و با خودمهارگری پایان می‌یابد (آقابابایی، قربانی و خدابخش، ۱۳۹۰، ص ۵۶). قرآن کریم هدف والای رسالت پیامبران را تهذیب نفس و تزکیه جان انسان می‌داند^۴ و می‌فرماید: «ای مؤمنان، به فکر تهذیب و اصلاح خویش باشید»^۵ و این مهم جز با شناخت نفس میسر نیست؛ زیرا بدون معرفت نفس چگونه می‌توان در تهذیب آن کوشید و در تزکیه آن مجاهدت ورزید». حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «هر که بشناسد نفس خود را با آن جهاد کند»^۶؛ زیرا که هر که نفس خود را بشناسد صفات و اخلاق ذمیمه نفس و میل آن را به خواهش‌ها و هوس‌های باطل می‌داند پس برای ازاله آنها و واداشتن آن بر اطاعت و فرمانبرداری حق تعالی جهاد می‌کند و آنکه شناخت، پس نفس خود را وامی‌گذارد و در اخلاق نکوهیده نفسش باقی می‌ماند چنان‌که حضرتش فرموده: «هر که نفس خود را نشناسد، آن را وامی‌گذارد»^۷ (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۱۷۸).

غفاری و احدی (۱۳۸۶)، در پژوهشی دریافتند که آموزش خودآگاهی هیجانی، تأثیر معناداری بر کنترل تکانه، تنظیم کارآمد هیجان، کناره‌گیری اجتماعی و کنترل کارهای اجتماعی داشته است. نتیجه پژوهش‌های احدی و همکاران (۱۳۹۰)، نشان داد آموزش خودآگاهی بر کاهش شکایت ناشی از عدم کنترل خشم اثر دارد. همچنین آریانپور و حجت (۱۳۹۳)، نشان دادند آموزش مهارت خودآگاهی هیجانی بر حالت خشم مردان معنادار است. پژوهش‌های متعددی از جمله اسکافل (۱۹۷۸)، استوارت (۱۹۸۳)، کویل و ویلیام سون (۱۹۹۰)، باد (۱۹۹۳)، کروگر و همکاران (۱۹۹۶)، جانسون (۱۹۹۷)، وینشتاین (۲۰۰۱)، کلاگزبرون (۲۰۰۱)، اوانز و کلی (۲۰۰۴) بر نقش مثبت خودآگاهی در مدیریت تنیدگی و مقابله مؤثر تأکید دارند (شاه‌محمدی و همکاران ۱۳۸۵، ص ۱۰۰).

حرمت خود،^۸ عموماً یک مؤلفه ارزیابی‌کننده از خودپنداره و معرف گسترده‌ای از خود است که شامل جنبه‌های شناختی، رفتاری و عاطفی است. در واقع، حرمت خود عبارت است از: میزان نگرش، عقیده و ارزیابی مثبت فرد از بدن، تاریخچه، فرایندهای روانی و رفتار خویش. این سازه با بسیاری از

1. Robins, S.

2. self

3. mindfulness

۵. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ (مائده: ۱۰۵).

۴. در مبحث اهمیت مهارت نفس در اسلام گذشت.

۷. من جهل نفسه أهملها (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۳۳، ج: ۴۶۶۲).

۶. من عرف نفسه جاهدها (آمدی ۱۳۶۶، ص ۲۳۲، ج: ۴۶۳۶).

8. self-esteem

جنبه‌های فکری، هیجانی، و رفتاری مرتبط است و اغلب یکی از بخش‌های مرکزی درک یک شخص در نظر گرفته می‌شود (ماتساموتو،^۱ ۲۰۰۹، ص ۴۷۳). اگر احساس فرد نسبت به خود مثبت باشد، حرمت خود او بالاست و اگر احساس فرد منفی باشد، حرمت خود او پایین است. حرمت خود، ارزیابی مداوم شخصی نسبت به ارزشمندی خویش است. حرمت خود خوب داشتن؛ یعنی از توانایی‌ها و ضعف‌های خودآگاهی داشتن و خود را با آنچه با ارزش تر است پذیرفتن. به اعتقاد برنز،^۲ علت پایین بودن حرمت خود افراد این است که آنها درباره خودشان فکر غیرمنطقی می‌کنند. برخورد منطقی با خود و مسائل آن از راه‌های افزایش حرمت خود است و این امر بدون آگاهی از خود و مسائل آن امکان‌پذیر نیست (فضل‌اللهی و ملکی‌توانا، ۱۳۹۲، ص ۴۸).

در عرصه پژوهش، قنبری‌طلب، قنبری، محمودی و ساعدی‌فرد (۱۳۹۵)، نشان داد که بین عزت‌نفس و خودشناسی انسجامی همبستگی مثبت معنادار وجود دارد. زواره، سالاری‌فر و کلویانی (۱۳۹۴) نشان دادند که آموزش خودشناسی به نوجوانان در افزایش حرمت خود کلی آنان تأثیر دارد. حیدرزادگان و جدگال (۱۳۹۳)، دریافتند که بین خودشناسی و عزت‌نفس رابطه مثبت معنادار وجود دارد. همچنین یارمحمدیان (۱۳۸۵)، نتیجه گرفت خودپنداره مثبت با حرمت خود ارتباط مثبت دارد. از آنجا که حرمت خود یکی از محورهای سلامت روان را تشکیل می‌دهد تمام پژوهش‌ها در زمینه نقش خودآگاهی در سلامت روان به طور ضمنی نقش خودآگاهی در حرمت خود را نیز روشن می‌سازد.

در نظریه ویلیام جیمز (۱۸۹۰) حرمت خود، ارتباط بین خود واقعی^۳ (خودپنداشت^۴) و خود آرمانی (خودپنداره^۵) است که وقتی خود واقعی در برابر استانداردهای خود آرمانی شکست می‌خورد فرد حرمت خود پایینی را حس می‌کند، زمانیکه این دو با هم هم‌تراز باشند فرد از حرمت نفس بالاتری برخوردار می‌شود. فرایند حرمت خود زمانی به هدف می‌رسد که فرد به وسیله خودسنجی به نگرش مناسبی از خود و جایگاه خود دست یافته باشد و چنین دست‌یافتی حاصل نمی‌شود مگر در سایه شناخت خالق و مقوم وجودی انسان که همان خداوند متعال است. بنابراین، خداآگاهی زمینه را برای کشف جایگاه و ارزش حقیقی انسان فراهم می‌کند. به گفته بندورا، حرمت خود می‌تواند از طریق ارزش‌های واقعی که از مذهب و باورهای اعتقادی فرد ریشه می‌گیرد، به دست می‌آید. حرمت خود حاصل از ارزش‌های واقعی ریشه گرفته از مذهب و باورهای اعتقادی، با منسوخ ساختن دیگران و توجه به منبع دیگر یعنی خدا مرتبط است (شجاعی، ۱۳۸۷، ص ۲۱).

نتایج به دست آمده از پژوهش فضل‌اللهی و ملکی‌توانا (۱۳۹۲) نشان داد بین دین‌باوری و حرمت

خود دانشجویان رابطه وجود دارد. نتیجه یافته‌های بال^۱ و همکاران (۲۰۰۳) و هاریسون^۲ و فستینگر^۳ نیز نشان‌دهنده همبستگی بین دینداری و حرمت خود بالاست. هاریسون گزارش کرده است که دیندار بودن با حرمت خود بالا همبستگی دارد (فضل‌اللهی قمشی و ملکی‌توانا، ۱۳۹۲، ص ۵۰). کونیگ^۴ و همکاران (۱۹۹۸)، مایکل^۵ و همکاران (۱۹۹۸)، اولر^۶ (۱۹۹۸) و پارگامنت^۷ و همکاران (۱۹۹۸) در مطالعات خود دریافتند که اعتقادات و رفتارهای مذهبی از قبیل زیارت، ذکر و توسل و اعتقاد به خداوند سبب حفظ و افزایش حرمت خود در افراد می‌شود (شجاعی، ۱۳۸۷، ص ۲۰۳). بهرامی (۱۳۸۱)، جهت بررسی رابطه بین جهت‌گیری مذهبی، اضطراب و حرمت خود، همبستگی بین جهت‌گیری مذهبی و حرمت خود را مثبت و معنادار گزارش کرده است. نورعلیزاده میانجی و همکاران (۱۳۹۱)، بخشایشی (۱۳۹۰)، فراهنگ‌پور و همکاران (۱۳۸۹) و جیمز و ولز (۲۰۰۳)، نیز اصلاح‌خداپنداره را منجر به عزت‌نفس می‌دانند (به نقل از فضل‌اللهی قمشی و ملکی‌توانا، ۱۳۹۲، ص ۵۰).

ارتباط حرمت خود با خودمهارگری در آموزه‌های اسلامی مورد تأکید است. امیرمؤمنان علی^{علیه السلام} می‌فرماید: «جان تو گرمی‌تر از آن است که به هر کار پست و فرومایه تن دردهی. کرامت روح در آن است که به پست ننگری، اگرچه کار پست در تو رغبت ایجاد کند و محبوبت باشد».^۸ نیز فرموده‌اند: «هر که نفس او گرمی باشد بر او، شهوت و میل او، بر او خوار گردد».^۹ طبق یافته‌های پژوهش رفیعی‌هنر و آینه‌چی (۱۳۹۴)، بین حرمت خود کلی با خودمهارگری کلی و مؤلفه‌های آن که شامل انگیزش خودمهارگری، خودنظارت‌گری، خودمهارگری هیجانی-رفتاری، خودمهارگری جنسی و هدف‌پذیری است، رابطه مثبت معنادار وجود دارد. هافر،^{۱۰} باخ^{۱۱} و کارتر^{۱۲} (۲۰۱۱)، در پژوهشی نشان دادند که نمره بالاتر در کنترل توجه (یکی از حوزه‌های خودمهارگری) با نمره‌های بالاتر در حرمت خود ارتباط دارد. در حوزه تنظیم هیجانان (یکی دیگر از حوزه‌های خودمهارگری) پژوهش‌ها نشان دادند رابطه معنادار منفی میان حرمت خود نوجوانان و خشم خصیصه‌ای و رابطه معنادار مثبت میان حرمت خود و کنترل خشم وجود دارد (ارسلان، ۲۰۰۹، ص ۵۵۶).

بیشتر مطالعات انجام شده در مورد عوامل مؤثر بر خودمهارگری، به بررسی ارتباط ساده دو یا چند متغیر پرداخته‌اند و در مجموع پژوهش‌های اندکی در این حوزه یافت می‌شود که با این نگاه به تحلیل

1. Ball, J.

2. Harrison, M.O.

3. Fistingner, G.

4. Koeng, H.G.

5. Mickley, J.R.

6. Oler, G.

7. Pargament, K.I.

۸. اَلْاَكْرَمُ نَفْسَكَ عَنْ كُلِّ ذَنْبَةٍ وَ اِنْ سَاقَتَكَ اِلَى الرَّغَائِبِ (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۳۱، ج: ۴۶۱۵).

۹. من کرمت علیه نفسه هانت علیه شهوته (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۳۱، ج: ۴۶۱۱).

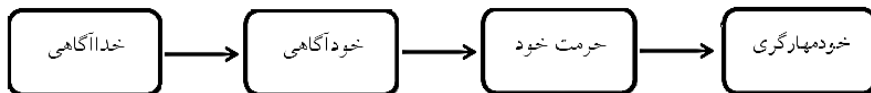
10. Hofer, J.

11. Busch, H.

12. Kartner, J.

مدل علی پرداخته باشند که در مسیر خداآگاهی تا خودمهارگری، متغیرهای میانجی خداآگاهی و حرمت خود را با رویکرد اسلامی بررسی کرده باشند. بنابراین، ضروری است که مدل علی بین خداآگاهی و خودمهارگری با میانجی‌گری خداآگاهی و حرمت خود از طریق الگوی تحلیل مسیر ترسیم شود و برازش آن مورد تجزیه و تحلیل و آزمون آماری قرار گیرد. از این رو، با توجه به پشتیبانی پیشینه مطالعات علمی و اسلامی در حوزه ارتباط‌هایی که: ۱. خداآگاهی با خودمهارگری؛ ۲. خداآگاهی با خودآگاهی؛ ۳. خودآگاهی با حرمت خود؛ ۴. خودآگاهی با خودمهارگری؛ ۵. حرمت خود با خودمهارگری دارند، می‌توان این فرضیه پژوهشی را ارائه داد که خداآگاهی با خودمهارگری با واسطه خداآگاهی و حرمت خود می‌تواند رابطه علی داشته باشد. متغیرهای خداآگاهی و حرمت خود می‌توانند مسیر علی بین این دو متغیر اساسی را هدایت و پیش‌بینی کنند. بدین صورت که خداآگاهی موجب خودآگاهی افراد می‌شود و در شکل‌گیری حرمت خود آنان ایفای نقش می‌کند و در نتیجه، بر خودمهارگری آنان اثر می‌گذارد. این پژوهش به هدف مدل‌یابی علی و با روش تحلیل مسیر و آزمون نقش خداآگاهی و حرمت خود در فرایند تأثیر خداآگاهی در خودمهارگری، انجام می‌گیرد.

مدل فرضی این تحلیل مسیر به شکل زیر ترسیم می‌شود:



نمودار ۱. مدل فرضی و اولیه تحلیل مسیر خداآگاهی تا خودمهارگری

روش پژوهش

این پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی است که از روش تحلیل مسیر، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. تحلیل مسیر از جمله مدل‌یابی معادلات ساختاری به شمار می‌رود و تعمیمی از رگرسیون است که قادر است علاوه بر بیان آثار مستقیم، آثار غیرمستقیم و اثر کل هر یک از متغیرهای مستقل را بر روی متغیرهای وابسته نشان دهد و با بیان منطقی، روابط و همبستگی مشاهده شده بین آنها را تفسیر کند (پورشافی، ۱۳۹۳، ص ۳۰۸؛ میرز، گامست و گارینو، ۱۳۹۱، ص ۶۸۶). برای بررسی نقش میانجی خداآگاهی و حرمت خود در رابطه بین خداآگاهی و خودمهارگری و برازش مدل علی از تحلیل مسیر و نرم‌افزار لیزرل (LISERL) استفاده شد.

جامعه آماری این پژوهش، حدود ۲۰۰۰ نفر از دانش‌پژوهان خانم ایرانی جامعه‌الزهرای نیمه‌وقت صبح و دانش‌پژوهان مرد مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد مدرسه امام خمینی ویژه طلاب غیرایرانی، هستند که در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۵ در این دو مرکز مشغول به تحصیل بوده‌اند. طبق جدول مورگان ۳۲۲ نفر حجم نمونه انتخابی بود که بین دو گروه آقایان و خانم‌ها تقسیم شد و به روش تصادفی خوشه‌ای با واحد نمونه گروه کلاس، نمونه‌گیری به عمل آمد. میانگین سن پاسخگویان ۲۵/۱ سال و انحراف استاندارد ۶/۴۵ سال بود.

ابزار پژوهش

مقیاس خداآگاهی: این مقیاس در سال ۱۳۹۰ توسط نورعلیزاده میانجی به پشتوانه تحلیل‌های نظری و دین‌شناختی سازه خداآگاهی و آموزه‌های وحیانی و مستندهای اسلامی (قرآنی و حدیثی) جامع‌نگر و با رعایت اصول آزمون‌سازی در ۲۵ ماده و با پاسخ‌نامه‌ای به صورت چهار درجه‌ای لیکرتی تهیه شده است. این مقیاس به سه شیوه روایی محتوایی^۱ و صوری بر اساس کارشناسی متخصصان در حوزه دینی و روان‌شناسی، روایی ملاکی^۲ با خرده‌مقیاس حضور خداانگار^۳ لارنس^۴ (۱۹۹۷)، به میزان توافق بالای (I=۰/۷۰۸) و روایی سازه با بررسی ساخت درونی آن روایی سنجی شد و هر یک از گزاره‌ها همبستگی معنادار و مطلوبی با نمره کل داشتند. اعتباریابی این مقیاس به سه شیوه باز آزمایی (I=۰/۷۷)، همسانی درونی آلفای کرونباخ (۰/۹۰۵) و دونیمه‌سازی (با ضریب اسپرمن - براون و گاتمن، برابر با ۰/۹۱) انجام گرفت. در نتیجه، مقیاس خداآگاهی از ویژگی‌های روان‌سنجی (اعتبار^۵ و روایی^۶) رضایت‌بخش و در سطح بالایی برخوردار است (نورعلیزاده میانجی، ۱۳۹۴، ص ۲۱).

مقیاس خودشناسی انسجامی: این مقیاس را قربانی، واتسن^۷ و هرگیس^۸ در سال ۲۰۰۸ تهیه کرده‌اند. این مقیاس، از بازنگری در نظریه دو وجه خودشناسی تجربه‌ای و تأملی به دست آمد که قربانی و همکاران، آن را در سال ۲۰۰۳ ساخته بودند. مقیاس مذکور، هر دو وجه خودشناسی تجربه‌ای و تأملی را به صورت منسجم در دوازده گویه در پنج مقیاس می‌سنجید. بررسی‌های میان‌فرهنگی در ایران و آمریکا حاکی از روایی سازه و ملاک این مقیاس بودند (نورعلیزاده میانجی، ۱۳۹۴، الف، ص ۱۷۵). در بررسی اعتبار این مقیاس در نمونه‌های ایرانی، آلفای کرونباخ

1. content validity

2. criterion related

3. presence subscale god image

4. Lawrence, R.T.

5. reliability

6. validity

7. Watson, P.J.

8. Hargis, M.B.

۰/۸۱ به دست آمد. همچنین در پژوهش تیبیک (۱۳۸۹)، همین میزان به دست آمد (نورعلیزاده میانجی، ۱۳۹۴، ص ۲۳).

مقیاس حرمت خود آیزنک (۱۹۷۶): این مقیاس ۳۰ ماده دارد و آزمودنی برای پاسخ دادن به هر ماده باید یکی از ۳ گزینه «بلی»، «خیر» و یا «؟» را انتخاب کند. در این پرسش‌نامه، پایین‌ترین نمره ممکن صفر و بالاترین نمره ۳۰ است. هرمزی‌نژاد (۱۳۸۰)، در پژوهشی روی دانشجویان شهید چمران اهواز، اعتبار سازه این آزمون را برای دانشجویان دختر ۰/۷۴ و برای دانشجویان پسر ۰/۷۹ گزارش کرده است. همچنین وی آزمون حرمت نفس آیزنک و مقیاس حرمت نفس اهواز را به‌طور هم‌زمان روی دو نمونه دختر و پسر دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز اجرا کرده و ضرایب روایی محاسبه شده برای نمونه دختر $I=0/79$ و برای نمونه پسر $I=0/74$ را گزارش می‌کند که هر دو در سطح $p < 0/01$ ، معنادار هستند. نتایج یافته‌های وی نشان می‌دهد که این آزمون از ویژگی‌های روان‌سنجی مطلوب و رضایت‌بخشی بهره‌مند است.

یافته‌های پژوهش

تجزیه و تحلیل داده‌های آماری بر اساس ضریب همبستگی پیرسون، ارتباط ساده و دوجه‌دو بین همه متغیرها را در سطح $P \leq 0/01$ معنادار نشان می‌دهد. وجود این همبستگی‌ها آمادگی داده‌ها را برای تحلیل‌های پیچیده بین متغیرها نشان می‌دهد. شاخص‌های توصیفی در جدول ۱ و ماتریس همبستگی بین متغیرها در جدول ۲ آمده است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
خداآگاهی	۲/۰	۹۹/۰	۷۶/۰۸	۱۲/۶۴	۱/۱۸۸-	۱/۸۶
خودمهارگری	۲۱/۰	۶۱/۰	۴۱/۸۲	۶/۸۹	۰/۲۰۱-	۰/۲۴
خودآگاهی	۸/۰	۴۸/۰	۳۰/۱۵	۸/۱۷	۰/۰۹۲	۰/۵۸-
حرمت خود	۵/۰	۲۹/۵۰	۱۹/۶۳	۵/۲۴	۰/۲۱۳-	۰/۴۹-

جدول ۲. ماتریس ضرایب همبستگی متغیرهای تحقیق

متغیرها	خداآگاهی	خودمهارگری	خودآگاهی	حرمت خود
خداآگاهی	۱			
خودمهارگری	**۰/۳۵۵	۱		
خودآگاهی	**۰/۳۱۶	**۰/۳۴۶	۱	
حرمت خود	**۰/۳۶۱	**۰/۴۱۳	**۰/۵۲۰	۱

برای بررسی پیش‌بینی‌پذیری متغیر خودمهارگری توسط سه متغیر خداآگاهی، خودآگاهی و حرمت خود، از رگرسیون خطی استفاده شده است. نتایج آن در جداول ۳ و ۴ آمده است.

جدول ۳. نتایج رگرسیون خودمهارگری بر اساس سه متغیر خداآگاهی و خودآگاهی و حرمت خود

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معناداری	R	R ^۲
رگرسیون	۳۴۹۳/۸۸۲	۳	۱۱۶۴/۶۲۷	۳۱/۶۷۹	۰/۰۰۰	۰/۴۸۳	۰/۲۳۳
باقیمانده	۱۱۴۷۰/۱۹۴	۳۱۲	۳۶/۷۶۳				

جدول ۴. ضرایب رگرسیون خودمهارگری بر اساس سه متغیر خداآگاهی و خودآگاهی و حرمت خود

متغیر	ضریب B	انحراف معیار	ضریب بتا	T	سطح معناداری	شاخص‌های هم‌خطی	VIF
مقدار ثابت	۲۲/۴۹۱	۲/۲۰۵		۱۰/۱۹۹	۰/۰۰۰		-
حرمت خود	۰/۳۴۳	۰/۰۷۹	۰/۲۶۱	۴/۳۶۰	۰/۰۰۰	۰/۶۸۷	۱/۴۵۶
خداآگاهی	۰/۱۱۸	۰/۰۳۹	۰/۲۱۷	۴/۰۳۳	۰/۰۰۰	۰/۸۴۷	۱/۱۸۰
خودآگاهی	۰/۱۱۹	۰/۰۵۰	۰/۱۴۲	۲/۴۰۷	۰/۰۱۷	۰/۷۱۱	۱/۴۰۷

با استفاده از ضرایب بتا می‌توان گفت: از سه متغیر پیش‌بین، بیشترین تأثیر را حرمت خود و سپس خداآگاهی دارد. ضریب رگرسیون هر سه متغیر پیش‌بین، مثبت است. به این ترتیب، می‌توان گفت: هر سه متغیر به صورت مستقیم با خودمهارگری ارتباط دارند.

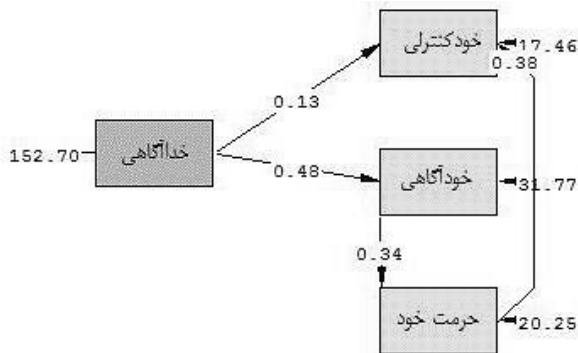
برای بررسی مفروضه نرمال بودن توزیع باقیمانده‌های رگرسیون، از آزمون‌های کلموگروف اسمیرنوف^۱ و شاپیرو ویلک^۲ استفاده شده است. نتایج در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵. نتیجه آزمون‌های کلموگروف اسمیرنوف و شاپیرو ویلک برای بررسی مفروضه نرمال بودن توزیع باقیمانده‌های رگرسیون

متغیر	آزمون کلموگروف اسمیرنوف			آزمون شاپیرو ویلک		
	آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری	آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری
باقیمانده‌های رگرسیون	۰/۰۴۰	۳۱۶	۰/۲۰۰	۰/۹۹۱	۳۱۶	۰/۰۵۵

نتیجه هر دو آزمون کلموگروف اسمیرنوف ($P > ۰/۰۵$) و شاپیرو ویلک ($P > ۰/۰۵$) نشان می‌دهد باقیمانده‌های رگرسیون دارای توزیع نرمال بوده‌اند. بنابراین، می‌توان به نتایج حاصل از رگرسیون اعتماد کرد.

همان‌گونه که گذشت، رابطه بین همه متغیرهای تحقیق، معنادار است. در ادامه همه مسیرهای مذکور با استفاده از نرم‌افزار لیزرل در قالب تحلیل مسیر مورد بررسی قرار گرفت.



Chi-Square=0.52, df=1, P-value=0.46894, RMSEA=0.000

نمودار ۲. تحلیل مسیر برای بررسی نقش واسطه‌ای خودآگاهی و حرمت خود، در رابطه بین خداآگاهی و خودمهارگری

همان‌طور که در نمودار ۲ مشاهده می‌شود مدل مفروض از برازش مناسب برخوردار نشد و در مدل برازش‌یافته، همه مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم خداآگاهی به سمت خودمهارگری معنادار است. شاخص‌های برازش (مناسبت) مدل در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶. شاخص‌های برازش مدل

شاخص مناسبت مدل	ارزش‌های مورد انتظار (سفارش شده)	ارزش‌های محاسبه شده مدل
IFI	۰/۹ و بیشتر	۱/۰۰
CFI	۰/۹ و بیشتر	۱/۰۰
NFI	۰/۹ و بیشتر	۱/۰۰
GFI	۰/۹ و بیشتر	۱/۰۰
AGFI	۰/۹ و بیشتر	۰/۹۹
RMSEA	کمتر از ۰/۱	۰/۰۰۰
$\frac{\chi^2}{df}$	کوچک‌تر از ۳	۰/۵۲

محاسبه شاخص‌های برازش (مناسبت) مدل تحلیل مسیر پیش‌بینی خودمهارگری، نشان می‌دهد که مدل به دست آمده از تحلیل، از برازش خوبی برخوردار است و لذا می‌توان از این مدل برای پیش‌بینی خودمهارگری با استفاده از خداآگاهی و با متغیرهای میانجی حرمت خود و خودآگاهی استفاده نمود.

در نهایت، نتایج به دست آمده از مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم مؤلفه‌های موجود در مدل به شرح زیر است:

جدول ۷. مسیرهای آزمون شده در الگوی تحلیل مسیر

R ²	اثر کل		اثر غیرمستقیم		اثر مستقیم		مسیرهای آزمون شده
	t	ضریب استاندارد	t	ضریب استاندارد	t	ضریب استاندارد	
-۰/۳۵							خودمهارگری از
	۷/۴۸	۰/۳۹	-	-	۷/۴۸	۰/۳۹	حرمت خود
	۵/۸۶	۰/۲۱	۵/۸۶	۰/۲۱	-	-	خودآگاهی
	۹/۴۳	۰/۴۷	۵/۰۲	۰/۱۵	۶/۳۲	۰/۳۲	خداآگاهی
-۰/۲۸							حرمت خود از
	۷/۱۵	۰/۳۸	۷/۱۵	۰/۳۸	-	-	خداآگاهی
	۱۰/۲۱	۰/۵۳	-	-	۱۰/۲۱	۰/۵۳	خودآگاهی
-۰/۵۳							خودآگاهی از
	۷/۶۷	۰/۷۳	-	-	۷/۶۷	۰/۷۳	خداآگاهی

همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود خداآگاهی بر خودآگاهی تنها اثر مستقیم دارد و این اثر نیز مثبت و معنادار است ($t=۷/۶۷$, $\beta=۰/۷۳$). خداآگاهی ۵۳ درصد واریانس خودآگاهی را تبیین می‌کند. خودآگاهی بر حرمت خود تنها اثر مستقیم دارد و این اثر نیز مثبت و معنادار است ($\beta=۰/۵۳$), اما خداآگاهی بر حرمت خود تنها اثر غیرمستقیم دارد و این اثر نیز مثبت و معنادار است ($t=۷/۱۵$, $\beta=۰/۳۸$). این دو متغیر با هم ۲۸ درصد واریانس حرمت خود را تبیین می‌کنند. خودآگاهی بر خودمهارگری تنها اثر غیرمستقیم دارد که این اثر مثبت و معنادار است ($\beta=۰/۲۱$), اثر مستقیم خداآگاهی بر خودمهارگری نیز مثبت و معنادار است ($t=۵/۸۶$, $\beta=۰/۳۲$); همچنین اثر غیرمستقیم خداآگاهی بر خودمهارگری نیز مثبت و معنادار است ($t=۵/۰۲$, $\beta=۰/۱۵$). حرمت خود نیز بر خودمهارگری تنها اثر مستقیم دارد که این اثر مثبت و معنادار است ($\beta=۰/۳۹$), ۳۵ درصد واریانس خودمهارگری توسط خداآگاهی، حرمت خود و خودآگاهی تبیین می‌شود. ($t=۷/۴۸$)

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش، نشان داد که نه تنها بین متغیرهای خداآگاهی، خودآگاهی، حرمت خود و خودمهارگری رابطه معنادار ساده و دوجه‌دو حاکم است، بلکه بین آنها رابطه پیچیده‌ای در قالب مدل‌یابی علی وجود دارد که در قالب یک الگوی تحلیل مسیر قابل تبیین است. بررسی همبستگی بین متغیرهای تحقیق به این نتیجه ختم شد که همه متغیرهای تحقیق با یکدیگر همبستگی مثبت و معنادار دارند و نتیجه به دست آمده از ضرایب رگرسیون، حاکی از معنادار بودن پیش‌بینی

خودمهارگری بر اساس سه متغیر خداآگاهی و خودآگاهی و حرمت خود است. در نهایت، با آزمون تحلیل مسیر، مشاهده شد که مسیر غیرمستقیم خداآگاهی به سمت خودمهارگری (با میانجی‌گری خودآگاهی و حرمت خود) مثبت و معنادار است. پس از بررسی مسیر مذکور با استفاده از نرم‌افزار لیزرل این نتیجه مشاهده گردید که خداآگاهی بدون میانجی‌گری خودآگاهی، با حرمت خود اثر مستقیم ندارد (پس از حضور متغیر خودآگاهی، مسیر متغیر خداآگاهی، نسبت معنادار خود به حرمت خود را از دست می‌دهد) و خودآگاهی هم بدون میانجی‌گری حرمت خود، با خودمهارگری اثر مستقیم ندارد (پس از حضور متغیر حرمت خود، مسیر متغیر خودآگاهی نسبت معنادار خود به خودمهارگری را از دست می‌دهد). پس به این نتیجه می‌رسیم که خودآگاهی واسطه خداآگاهی با حرمت خود و حرمت خود واسطه خودآگاهی با خودمهارگری و هر دو متغیر باهم واسطه خداآگاهی با خودمهارگری‌اند.

نتایج بررسی برازندگی مدل ارائه شده نشان داد که این مدل از برازش مناسبی برخوردار است و از نظر شاخص‌های برازش در سطح بالایی قرار دارد، لذا می‌توان از این مدل برای پیش‌بینی خودمهارگری استفاده کرد. همچنین نتایج به دست آمده حاکی از این است که خداآگاهی علاوه بر تأثیر غیرمستقیم، همچنین به طور مستقیم نیز در خودمهارگری تأثیر مثبت و معنادار دارد. در نتیجه، خداآگاهی دارای دو مسیر است یک مسیر مستقیم و یک مسیر غیرمستقیم.

از آنجاکه هیچ پژوهشی این متغیرها را به طور جامع ذکر نکرده است، مقایسه دقیق این مدل با سایر پژوهش‌ها به صورت مستقیم ممکن نیست. اما نتایج برازش مدل ارائه شده با نتایج پژوهش‌های مشابه دیگر همسو است. پژوهش محمدی و همکاران (۱۳۹۲)، نشان داد نقش واسطه‌ای حرمت خود در رابطه با کیفیت زندگی و رفتارهای پرخطر معنادار و دارای برازش مناسب است. پژوهش طولایی و همکاران (۱۳۹۲)، نشان داد حرمت خود و خودکارآمدی، دارای نقش واسطه‌ای مثبت معنادار با برازش مناسب بر سبک زندگی اسلامی و سازگاری اسلامی است. پژوهش نورعلیزاده میانجی (۱۳۹۴)، حاکی از برازش مطلوب در ارتباط خداآگاهی از طریق خودآگاهی و هویت خود با سلامت بود.

این یافته‌ها همچنین با برخی نظریه‌های مطرح در روان‌شناسی و همچنین با آموزه‌های اسلامی همسو و قابل تبیین است. طبق بررسی‌های یونگ، خود، مرکز ثقل و محور شخصیت است که تمام سیستم‌ها و خصوصیات دیگر به دور آن جمع شده‌اند. خود نیرویی است که مظهر وحدت، تعادل و ثبات، یعنی خودپرورانی و وحدت کامل شخصیت است (شیرافکن، ۱۳۸۹، ص ۱۶۲). افرادی که خودآگاهی مطلوب دارند، خود را موجودی ارزشمند می‌یابند و در نتیجه، از حرمت خود بالایی برخوردار

می‌شوند. چنین فردی دیگر از ناشایستگی اجتماعی رنج نمی‌برد و در تعاملات اجتماعی خود، احساس کمبود و حقارت نمی‌کند که بخواهد با دیگران رفتاری پرخاشگرانه داشته باشد. او با خودش سر ستیز ندارد که با دیگران برای اثبات خودش در ستیز باشد. فرد خودآگاه از خودمحوری می‌رهد و در نتیجه می‌تواند در مقابل دیگران رفتار متواضعانه داشته باشد و غرور و تکبر بی‌جایی ندارد (نورعلیزاده میانجی، ۱۳۹۴ الف، ص ۱۲۶). به اعتقاد بندورا، حرمت خود حاصل از ارزش‌های واقعی ریشه گرفته از مذهب و باورهای اعتقادی، بیشتر از آنکه با نیاز به تقدیر اجتماعی رابطه داشته باشد، با منسوخ ساختن دیگران و توجه به منبع دیگر یعنی خدا مرتبط است (شجاعی، ۱۳۸۷، ص ۲۱). در نظر چنین کسی فقط رضایت خداوند مهم بوده و خواسته‌ها و ناملایمات دیگران برای او اهمیتی نخواهد داشت. کیفیت خداآگاهی افراد، تعیین‌کننده چگونگی خودآگاهی و در نتیجه حرمت خود و خودمهارگری آنان است. بر اساس روی‌آورد شناختی و تحولی، تصورات از خود، به تدریج منظومه‌ای از باورها را نسبت به خویشتن شکل می‌دهد که اگر با واقعیت مطابقت نداشته باشند، به افکار و شناخت‌های غیرواقعی و به تعبیر ایس به پاسخ‌های نامناسب در فرد منجر می‌شوند و در مقابل، مداخلات روان‌شناختی همراه با خودآگاهی باعث تغییر در افکار و روان‌بنه‌های زیر بنایی، انسجام روان‌بنه‌های سازش نایافته می‌شود که این امور در روند مهار و کنترل رفتار حائز اهمیت فراوان هستند (پورحسین، ۱۳۸۳؛ قربانی ۱۳۸۷ به نقل از نورعلیزاده میانجی، ۱۳۹۴ ب، ص ۳۰).

مطابق با آموزه‌های اسلامی، خودشناسی کامل نیز بدون شناخت علت و هستی‌بخش انسان محقق نخواهد شد. انسان باید دشمن را از دوست تشخیص دهد، هنجار را از ناهنجار متمایز کند و معروف را از منکر بشناسد. خداوند متعال، هم خالق انسان است و هم هستی‌بخش و مقوم وجود او. اگر انسان خدا را نشناخت، خود را نخواهد شناخت و هویت واقعی خویش را فراموش خواهد کرد. در این صورت با وجود حمله و غارت به هویت او از طرف شیاطین انس و جن و هوای نفس، هیچ احساس خطری نخواهد داشت و با عدم احساس خطر هیچ اقدام و کنترل و مهار صورت نخواهد گرفت. از سوی دیگر، وقتی هویت واقعی خویش را فراموش کرد و مورد هجوم نفس و شیاطین قرار گرفت، مسخر آنان می‌گردد و جهان را از دید این دو دشمن درک می‌کند و در نتیجه، هرگونه معروف و هنجار الهی نزد او منکر و ناهنجار تلقی می‌شود و هرگونه منکر و ناهنجاری را معروف و هنجار به حساب می‌آورد (حشر: ۱۹؛ جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۱۶۵).

انسان وقتی دست به خودمهارگری الهی خواهد زد که جایگاه خود را بشناسد و بداند که خداوند

انسان را به‌عنوان خلیفه خود بر روی زمین برگزیده است (بقره: ۳۰؛ یونس: ۱۴) و خلیفه الهی نباید به هر کاری دست بزند. وقتی انسان به این درک رسید که مسجود ملائکه است و از روح خداوند در او دمیده شده است، جایگاه خود را به خوبی خواهد یافت و می‌فهمد که چه احترامی نزد خداوند و سایر موجودات دارد و چنین موجود محترم و باارزشی نباید به هر کاری دست زند و خود را کوچک کند و از چشم خداوند تنزل یابد. این درک، مولد انگیزه و نیرو و اراده کافی از جهت اقدام شناختی (شناخت خوبی و بدی) و سپس اقدام عملی، در انسان است (آمدی، ۱۳۶۶، ح ۴۶۱۲ و ۴۶۱۱ و ۴۶۱۵؛ نهج‌البلاغه، ص ۴۰۱). در نهایت، از این طریق است که انسان به خودمهارگری مبتنی بر حرمت خود مبتنی بر خودآگاهی مبتنی بر خداآگاهی دست خواهد یافت و تمام این مراحل، الهی بوده و رنگ خدا به خود دارد و این مسیر خداآگاهی تا خودمهارگری با این رنگ خدایی، یکی از مصادیق این آیه شریفه می‌شود: «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً» (بقره: ۱۳۸)؛ رنگ خدایی بپذیرید و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است؟ بنابراین، خداآگاهی از طریق خودآگاهی و حرمت خود باعث شناخت کامل و واقعی دوست از دشمن، خوبی از بدی و هنجار الهی از ناهنجار الهی است و تأمین‌کننده نیروی اراده کامل و قوی برای اقدام به خودمهارگری است.

با این نوع جهت‌گیری و آگاهی (از خداوند و خود و جایگاه خود در نظام آفرینش) است که انسان به هویت واقعی خود پی می‌برد و می‌فهمد که موجودی برگزیده، دارای کرامت و شرافت انسانی و دارای رسالت و امانتدار الهی است نه فردی رهاشده (بقره: ۳۰؛ اسراء: ۷۰؛ احزاب: ۷۲؛ جائیه: ۱۳). با چنین آگاهی انسان به جایگاه خود در نظام هستی توجه می‌یابد و نظام فکری و کنش رفتاری و ارتباطی و روانی خود را به نوعی خاص (الهی) سازمان‌دهی می‌کند و رنگ خدایی می‌گیرد و از هر چه رنگ تعلق پذیرد خود را می‌رهاند.

محدودیت‌های پژوهش: با توجه به اینکه جامعه آماری این پژوهش، طلاب علوم دینی است، تعمیم آن به غیرطلاب با محدودیت مواجه است و جهت سنجش خودمهارگری به خاطر کمتر شدن حجم سؤالات و همکاری بیشتر و بهتر پاسخگویان، از فرم کوتاه مقیاس خودمهارگری تانجنی استفاده شد که بهتر بود از فرم بلند آن استفاده می‌شد.

پیشنهاد می‌شود محققان، جهت رفع محدودیت تعمیم‌پذیری این پژوهش، پژوهش حاضر را در جامعه‌های دیگر نیز بررسی کنند و نیز بنا بر اثبات فرضیه تحقیق پیشنهاد می‌شود بسته آموزشی و درمانی در این راستا تهیه گردد.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، فولادوند و مشکینی.
 آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۶)، «آثار دینداری از دیدگاه ویلیام جیمز»، مطالعات اسلام و روان‌شناسی، سال اول، شماره ۱، ص ۱۱۷-۱۴۸.
- آذربایجانی، مسعود و موسوی اصل، سیدمهدی (۱۳۸۵)، درآمدی بر روان‌شناسی دین، تهران: سمت.
- آذربایجانی، مسعود؛ سالاری فر، محمدرضا؛ عباسی، اکبر؛ کاویانی، محمد و موسوی اصل، مهدی (۱۳۸۵)، «روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی»، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- آریانپور، ناهید و حجت، کاوه (۱۳۹۳)، تأثیر آموزش مهارت خودآگاهی هیجانی در کنترل خشم و اضطراب مردان مصرف‌کننده شیشه مقیم در مرکز اقامتی ترک اعتیاد شیروان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی قوچان، چاپ نشده.
- آقابابایی، ناصر؛ قربانی، نیما و خدابخش، محمدرضا (۱۳۹۰)، «تقابل فرایندهای خودشناسی با آستانه‌گذری»، روان‌شناسی و دین، سال چهارم، شماره ۱، ص ۵۵-۶۹.
- آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶)، تصنیف غررالْحکْم و دررالکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- بخشایشی، علیرضا (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه توکل بر خدا، عزت‌نفس و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان»، روان‌شناسی و دین، سال چهارم، شماره ۲، ص ۷۹-۹۸.
- بهرامی، احسان (۱۳۸۱)، «رابطه جهت‌گیری مذهبی با اضطراب و حرمت خود»، روان‌شناسی، سال ششم، شماره ۴، ص ۳۳۷-۳۴۷.
- پسندیده، عباس (۱۳۸۹)، اخلاق پژوهی حدیثی، تهران: سمت.
- پورشفایی، هادی (۱۳۹۳)، پژوهش و نگارش علمی، تهران: نشر آوای نور.
- تبییک، محمدتقی؛ قربانی، نیما و رضازاده، محمدرضا (۱۳۹۲)، «نقش فرایندهای خودشناختی و عوامل بزرگ شخصیت در فضائل اخلاقی»، روان‌شناسی و دین، سال ششم، شماره ۳، ص ۷۱-۸۰.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳)، سرچشمه اندیشه، قم: اسراء.
- حیدرزادگان، علیرضا و جدگال، لال‌بخش (۱۳۹۳)، بررسی رابطه بین خودشناسی با عزت‌نفس و عملکرد مدیران و معاونین مدارس منطقه دشتیاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، چاپ نشده.
- خان‌زاده، عباسعلی حسین؛ همتی علمدارلو، قربان؛ آقابابایی، حسین؛ مرادی، اعظم و رضایی، صدیقه (۱۳۹۰)، «پیش‌بینی ظرفیت خودمهارگری از طریق انواع جهت‌گیری‌های مذهبی و نقش آن در کاهش بزهکاری»، پژوهش‌نامه حقوقی، سال دوم، شماره ۲، ص ۱۹-۳۶.
- رفیعی‌هنر، حمید و آینه‌چی، عباس (۱۳۹۴)، «رابطه حرمت خود با خودمهارگری؛ با توجه به جنسیت و وضعیت تأهل»، اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی، سال اول، شماره ۱، ص ۱۱۵-۱۲۸.
- رفیعی‌هنر، حمید و جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۸۹)، «رابطه جهت‌گیری مذهبی و خودمهارگری»، روان‌شناسی و دین، سال سوم، شماره ۱، ص ۳۱-۴۲.
- رفیعی‌هنر، حمید؛ جان‌بزرگی، مسعود؛ پسندیده، عباس و رسول‌زاده طباطبایی، سیدکاظم (۱۳۹۳)، «تبیین سازه خودمهارگری بر اساس اندیشه اسلامی»، روان‌شناسی و دین، سال هفتم، شماره ۳، ص ۵-۲۶.
- رو، ویلیام (بی‌تا)، «تجربه دینی و عرفانی»، ترجمه اسماعیل سلیمانی‌فر (۱۳۷۹)، نقد و نظر، سال ششم، شماره ۳ و ۴، ص ۲۸۶-۳۱۹.

- زواره، مهدی؛ سالاری، فرح، محمدرضا و کاویانی، محمد (۱۳۹۴)، اثربخشی آموزش خودشناسی در عزت‌نفس نوجوانان راهنمایی آموزش و پرورش ناحیه ۴ قم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اخلاق کاربردی، قم، مؤسسه اخلاق و تربیت، چاپ نشده.
- سرافراز، مهدی‌رضا؛ قربانی، نیما و جواهری، عابدین (۱۳۹۱)، «خودمهارگری ظرفیتی واحد یا دو وجهی؟ تمایز بین وجوه بازدارندگی و برانگیختگی در دانشجویان دانشگاه تهران»، پژوهش در سلامت روان‌شناختی، دوره ششم، شماره ۴، ص ۶۹-۹۵.
- سعیدی، ضحی؛ بهرامی‌احسان، هادی و علیپور، احمد (۱۳۹۵)، «خودمهارگری و سلامت: نقش تعدیل‌کننده شفقت خود»، روان‌شناسی سلامت، سال پانزدهم، شماره ۱۹، ص ۸۸-۱۰۲.
- شاملو، سعید (۱۳۹۰)، مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت، تهران: رشد.
- شاه‌محمدی، خدیجه؛ قربانی، نیما و بشارت، محمدعلی (۱۳۸۵)، «تأثیر پیش‌بین خودشناسی انسجامی، به‌هشیاری و سبک‌های دفاعی بر سلامت»، روان‌شناسی و علوم تربیتی، سال سی‌ونهم، شماره ۳، ص ۹۹-۱۱۹.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۷)، توکل به خدا، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی □.
- شریفی‌نیا، نام؟؟ (۱۳۸۸)، «درمان یکپارچه توحیدی، رویکرد دینی در درمان اختلالات روانی»، مطالعات اسلام و روان‌شناسی، سال سوم، شماره ۴، ص ۶۵-۸۲.
- شریف رضی، محمدبن حسین (۱۴۱۴)، نهج‌البلاغه، قم: هجرت.
- شیرافکن، علی (۱۳۸۹)، نظریه‌های شخصیت، تهران: پوران پژوهش.
- صالحی، علی‌محمد؛ نارویی نصرتی، رحیم و جندقی، غلام‌رضا (۱۳۹۲)، «اثربخشی یاد خدا بر خودمهارگری بر اساس منابع اسلامی»، روان‌شناسی و دین، سال ششم، شماره ۲، ص ۱۹-۳۰.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین.
- طولابی، زینب؛ صمدی، سعید و مطهری‌نژاد، فاطمه (۱۳۹۲)، «بررسی نقش میانجی عزت‌نفس و خودکارآمدی در رابطه بین سبک زندگی اسلامی و سازگاری اجتماعی جوانان شهر مشهد»، مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال سوم، شماره ۹، ص ۱۱۵-۱۳۲.
- غفاری، مسعود و احدی، حسن (۱۳۸۶)، «بررسی تأثیر آموزش خودآگاهی هیجانی و کنترل تکانه در کاهش کناره‌گیری اجتماعی و کاربری اجباری اینترنت»، مطالعات روان‌شناختی، سال سوم، شماره ۲، ص ۹۱-۱۰۷.
- فضل‌اللهی قمشی، سیف‌الله و ملکی توانا، منصوره (۱۳۹۲)، «بررسی رابطه دین‌باوری، عزت‌نفس و پیشرفت تحصیلی دانشجویان»، مطالعات اسلام و روان‌شناسی، سال هفتم، شماره ۱۳، ص ۴۷-۶۵.
- فیست، جس و فیست، گریگوری جی (بی‌تا)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی (۱۳۹۳)، تهران: نشر روان.
- قربانی، نیما و واتسن، پل جی (۱۳۸۴)، «فرایندهای خودشناختی و نظام‌های پردازش خبر عقلانی و تجربه‌ای در ایران و آمریکا»، روان‌شناسان ایرانی، سال دوم، شماره ۵، ص ۳-۱۴.
- قنبری‌طلب، محمود؛ قنبری، علی؛ محمودی، خاطره و ساعدی‌فرد، ویلینا (۱۳۹۵)، «بررسی رابطه عزت‌نفس با خودشناسی انسجامی و اصالت شخصیت درون‌گرایی و برون‌گرایی»، سیویلیکا. اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روان‌شناسی و مطالعات اجتماعی ایران.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- محسنی، نیک‌چهره (۱۳۷۵)، ادراک خود: از کودکی تا بزرگسالی، دیدگاه‌ها، نظریه‌ها و کاربردهای تربیتی و درمانی، تهران: بعثت.
- محمدی‌ری‌شهری، محمد (۱۳۶۷)، میزان الحکمه، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴)، اخلاق در قرآن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ☞.

- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، یادداشت‌های استاد مطهری، قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۵)، تعلیم و تربیت، قم: صدرا.
- مظاهری، حسین (۱۳۸۸)، کاوشی نو در اخلاق اسلامی، ترجمه محمدرضا آذیر و محمود ابوالقاسمی، تهران: نشر ذکر.
- میرزا، لاورتس اس؛ گلن، گامست و ا. جی، گارین (۱۳۹۱)، پژوهش چندمتغیری کاربردی (طرح و تفسیر)، ترجمه حسن پاشاشریفی و همکاران، تهران: نشر رشد.
- نورعلیزاده میانجی، مسعود (۱۳۹۰)، رابطه خداآگاهی با خودمهارگری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- نورعلیزاده میانجی، مسعود (۱۳۹۴ الف)، از خداآگاهی تا خودآگاهی و آثار روان‌شناختی آن، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- نورعلیزاده میانجی، مسعود (۱۳۹۴ ب)، «از خداآگاهی تا سلامت روان: آزمون یک مدل با کاربرد تحلیل مسیر»، اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی، سال اول، شماره ۱، ص ۴۲-۵.
- نورعلیزاده میانجی، مسعود؛ بشیری، ابوالقاسم و جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۹۱)، «رابطه خداآگاهی با خودآگاهی»، روان‌شناسی و دین، سال پنجم، شماره ۳، ص ۳۴-۵.
- ولی‌زاده، شیرین (۱۳۹۰)، «سبک‌های والدگری و پیشرفت تحصیلی: واسطه‌گری خودپنداشت یا حرمت خود»، روان‌شناسی تحولی، روان‌شناسان ایرانی، سال هشتم، شماره ۳، ص ۱۴۳-۱۵۵.
- یارمحمدیان، احمد (۱۳۸۵)، «بررسی ارتباط خودپنداره و عزت‌نفس در دانشجویان خلاق و غیرخلاق»، مطالعات روان‌شناسی تربیتی، دوره سوم، شماره ۸، ص ۱۰۹-۱۲۲.
- Arslan, C. (2009). "Anger, Self-esteem and Perceived Social Support in Adolescence", *Social Behavior and Personality*, 37(4), p. 555-564.
- Baumeister, R.F. and Vohs, K.D. (2004). (Eds), *Handbook of selfRegulation: Research, Theory and Application*, Guilford Press, New York.
- Baumeister, R.F., Schmeichel, B.J. and Vohs, K.D. (2007). "Self Regulation and the Executive Function: The Self as Controlling Agent" In: A. W. Kruglanski and E. T. Higgins (Eds), *Social'ychology. Handbook of Basic Principles*, Guilford Press, New York, 516-539.
- Bergin, A.E, Masters, K.S. and Richards, P.S. (1988). Religiousness and mental health reconsidered: A Study of an intrinsically religious sample, *Journal of Counseling psychology*, 42, 2, p. 197-204.
- Bouchard, T.J, MaGue, M., Lykken, D., and Tellegen, A. (1999). Intrinsic and extrinsic religiousness: Genetic and environmental influences and personality correlates. *Twin Research*, 2, p. 88-98.
- Ferrari, J.R., Stevens, E.B., Legler, R. and Jason, L.A. (2012). "Hope, self-esteem, and self-regulation: Positive characteristics among men and women in recovery Journal of Community Psychology, 40(3), p. 292-300.
- Hofer, J., Busch, H. and Kartner, J. (2011). "Self-regulation and Well-being: The Influence of Identity and Motives", *European Journal of Personality*, 25, p. 211-224.
- Kivetz, R. and Yuhuang, Z. (2006). "Determinants of Justification and SelfControl." *Journal of Experimental Psychology*, 135, p. 572-587.
- Kross, E. and Mischel, W. (2010). "From Stimulus Control to Self-Control Towards an Integrative Understanding of the Processes Underlying Willpower" In: R Hassin, K. Ochsner and Y. Trope (Eds), *Self ontrol in Society, Mind and Brain*, Oxford University Press, New York, p.428-446.
- Latimore, T, Lorraine, T.C., and Grasmick, H. (2006). "Childrearing, Self Control, and Crime: Additional Evidence." *Sociological Inquiry*, 76, p. 343-371.

- Matsumoto, D. (2009). *The Cambridge Dictionary of Psychology*, London: Cambridge University Press.
- McCullough, M.E. and Brian, L.B. (2009) Religion, self-regulation, and self-control: Associations, explanations, and implications. *Psychological Bulletin* 135(1), p. 69–93.
- Unnever, J.D., Francis T.C., & John, B. (2006). “Images of God and Public Support for Capital Punishment: Does a Close Relationship with a Loving God Matter? *Criminology*, 44, p. 835-866.

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵، ص ۸۱ - ۹۶

نقش واسطه‌ای خودمهارگری در رابطه دلبستگی به خدا با کارکرد خانواده در میان متأهلین شهر قم

The Mediating Role of Self-control in the Relationship between Attachment to God and Family Functioning

احمد عرفانی / کارشناس ارشد روان‌شناسی اسلامی، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت
باقر غباری بناب / استاد دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران
حمید رفیعی هنر / دانشجوی دکتری روان‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

Ahmad 'Irfani / MA of Psychology, UAE.

ahmaderfani@yahoo.com

Baqir Ghubari Bonab / Professor of Psychology and Education, UT.

Hamid Rafi'ee Hunar / Phd Student of General Psychology, IKI.

ABSTRACT

This study aims to investigate the mediating role of self-control in relationship between attachment to God and family functioning. To achieve the above objective, in a descriptive study, 461 married individuals living in the residential complexes in Pardisan, Qom, were selected by using a combination of simple random and convenience sampling method. The data were collected through questionnaires attachment to God, short form of self-control scale, and Family Assessment Device (FAD); and data through Pearson correlation and the Method of the Path Analysis (in Amos Software) were analyzed. According to the research hypothesis, results confirmed the mediating role (partial mediation) of self-

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای خودمهارگری در رابطه دلبستگی به خدا با کارکرد خانواده انجام گردید. برای دستیابی به هدف فوق، در یک پژوهش توصیفی از نوع همبستگی، تعداد ۴۶۱ نفر از افراد متأهل ساکن در مجتمع‌های مسکونی منطقه پردیسان قم، با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌های دلبستگی به خدا، فرم کوتاه مقیاس خودمهارگری و ابزار سنجش خانواده استفاده شد و داده‌های پژوهش از طریق آزمون همبستگی پیرسون و روش تحلیل مسیر (در نرم‌افزار ایموس) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نقش واسطه‌ای خودمهارگری

control in the relationship between quality of attachment to God and family functioning. The results also showed that the secure attachment to God and self-control has significant negative relationship with family dysfunction (respectively.45 and .46), and the secure attachment to God and self-control have a significant positive relationship (.34). The results of this study can be used for designing educational packages to improve the family functioning through the quality of attachment to God and self-governing.

KEYWORDS: Family Functioning, Family Performance, Attachment to God, Self-governing, Self-control.

در رابطه کیفیت دلبستگی به خدا با کارکرد خانواده را به صورت میانجی‌گری جزئی تأیید نمودند. همچنین یافته‌ها نشان داد که دلبستگی ایمن به خدا و خودمهارگری با کارکرد (ناسالم) خانواده، رابطه منفی و معنادار (به ترتیب: $-0/45$ و $-0/46$) و دلبستگی ایمن به خدا با خودمهارگری رابطه مثبت و معنادار دارد ($0/34$). از نتایج این تحقیق می‌توان جهت طراحی بسته‌های آموزشی برای ارتقاء کارکرد خانواده از طریق کیفیت دلبستگی به خدا و خودمهارگری استفاده نمود.

کلیدواژه‌ها: کارکرد خانواده، عملکرد خانواده، دلبستگی به خدا، خودمهارگری، خودکنترلی.

مقدمه

خانواده از ابتدای تاریخ تاکنون در تمامی جوامع بشری، همواره به‌عنوان نخستین، کوچک‌ترین و درعین‌حال مهم‌ترین نهاد اجتماعی به شمار آمده است. سلامت و سعادت جامعه، وابسته به تشکیل خانواده‌های پایدار، پویا و بانشاط است (امیدیان‌فر، رفاهی، قادری و افشون، ۱۳۹۴). آنچه سبب پایداری این نهاد دیرپای اجتماعی گردیده، کارکردهای حیاتی و متعدد آن است. کارکرد خانواده پدیده‌ای بسیار پیچیده است (ایدلسون^۱ و اپستاین^۲، ۱۹۸۲) که به اعتقاد شیک^۳ (۲۰۰۲) به کیفیت زندگی خانواده در سطح سیستمی اشاره دارد و شاخص‌هایی همچون سلامت، شایستگی‌ها، کفایت‌ها، ضعف‌ها و قدرت‌های نظام خانواده را دربر می‌گیرد (به نقل از سیف و اسلامی، ۱۳۸۷). الگوهای نظری متعددی در روان‌شناسی به بررسی کارکردهای خانواده می‌پردازند (به‌عنوان نمونه: الگوی مینوچین^۴؛ ۱۹۷۴؛ بیورس^۵، ۱۹۸۱، مک‌مستر^۶، ۱۹۷۸، اولسون^۷، ۲۰۰۰). در این میان، الگوی مک‌مستر به‌عنوان یک الگوی پیشرفته خانواده‌درمانی، با اعتبار درونی بالا، به‌عنوان چارچوب مفهومی مناسبی برای ارزیابی و تشخیص کارکرد خانواده، مورد توجه قرار گرفته است. همچنین برخورداری از یک ابزار قوی برای سنجش کارکرد خانواده (مقیاس^۸ FAD)، مک‌مستر را به الگویی مورد علاقه در

1. Eidelson, R.J.

2. Epstein, N.B.

3. Shek, D.T.L.

4. Minuchin, S.

5. Beavers, R.

6. McMaster

7. Olson, D.H.

8. family assesment device

عرصه پژوهش تبدیل نموده است (رایان^۱ و همکاران، ۲۰۰۵). بر اساس رویکرد خانواده‌درمانی مک‌مستر، مهم‌ترین کارکردهای خانواده عبارتند از: حل مسئله،^۲ ارتباط،^۳ نقش‌ها،^۴ پاسخ‌دهی عاطفی،^۵ مشارکت عاطفی^۶ و کنترل رفتار^۷ (اپستاین، بالدوین،^۸ بیشاپ، ۱۹۸۳).

«کارکرد مطلوب خانواده»، مفهوم مفیدی است که نه تنها در مورد مشکلات احتمالی به وجود آمده در خانواده، بلکه در چگونگی تأمین بهینه نیازهای زوجین و فرزندان نیز مدنظر قرار می‌گیرد (بارکر،^۹ ۱۹۹۸). به اعتقاد واکر^{۱۰} و شفرد^{۱۱} (۲۰۰۸)، کارکرد مناسب خانواده برای سلامتی فرد، خانواده و جامعه ضروری است. از این‌رو، بررسی راه‌های تقویت کارکرد خانواده و عوامل مؤثر بر آن اهمیت می‌یابد. در این زمینه، پژوهش‌ها به بررسی عواملی چون تاب‌آوری (عبادت‌پور و همکاران، ۱۳۹۲)، خودکارآمدی (لطفی‌نیا، محب و عبدلی، ۱۳۹۲)، ساختار قدرت در خانواده (زارعی‌توپخانه، جان‌بزرگی و احمدی، ۱۳۹۲)، سبک‌های دلبستگی (اصلانی، صیادی و امان‌اللهی، ۱۳۹۱) و مهارت‌های زندگی (پورقاسمی، ۱۳۸۹) پرداخته‌اند. در این میان عوامل دینی و معنوی (به‌عنوان نمونه: رودز،^{۱۲} ۲۰۱۱، عبادت‌پور و همکاران، ۱۳۹۲؛ عبدالله‌پور و همکاران، ۱۳۸۸) نیز سهم مهمی را به خود اختصاص داده‌اند.

در میان مفاهیم متعدد دینی و معنوی، دلبستگی به خدا به‌عنوان یکی از بهترین مفاهیم بیان‌کننده دینداری مورد توجه پژوهشگران عرصه روان‌شناسی قرار گرفته است (محمودی، ۱۳۹۳). به عقیده کرک‌پاتریک^{۱۳} و شیور (۱۹۹۲)، نظریه دلبستگی، چارچوب مناسبی برای تفهیم و تبیین بسیاری از ابعاد اعتقادات مذهبی، به‌ویژه درک ارتباط با خداست. به اعتقاد، مفهوم دین را می‌توان یک مفهوم ارتباطی دانست؛ چنان‌که فرم^{۱۴} (۱۹۴۵) واژه «دین» را مشتق از واژه لاتین «religare»، به معنای «پابندگی» یا «relegere»، به معنای «گرد هم آمدن» می‌داند (کرک‌پاتریک، ۲۰۰۵، ص ۵۳). از این‌رو، پژوهشگران به این ایده دست یافتند که رابطه بین انسان و خدا را می‌توان به‌عنوان رابطه دلبستگی تجسم نمود (کرک‌پاتریک و شیور،^{۱۵} ۱۹۹۰). دلبستگی انسان مؤمن به خداوند و باور او به حضور فناپذیر خداوند در لحظه‌لحظه زندگی، منبعی سرشار از آرامش و آسایش برای او فراهم می‌آورد (کرک‌پاتریک، ۲۰۰۵).

علیرغم اینکه پژوهش‌های بسیاری روابط مثبت و معنادار دینداری را با کارکردهای روان‌شناختی (از

1. Ryan, C.E.

2. problem solving

3. communication

4. roles

5. affective responsiveness

6. affective involvement

7. behaviour control

8. Baldwin, L.

9. Barker, P.

10. Walker, R.

11. Shepherd, C.

12. Rhoades, C.J.

13. Kirkpatrick, L.A.

14. Ferm, V.

15. Shaver, P. R.

جمله کارکرد خانواده) گزارش نموده‌اند، اما مکانیسم این ارتباط هنوز چندان روشن نیست. به نظر می‌رسد برخی عوامل واسطه‌ای در این تعامل نقش داشته باشند. یکی از متغیرهای واسطه‌ای که در این زمینه می‌توان به آن اشاره نمود، خودمهارگری^۱ است. پژوهش مک‌کولا^۲ و ویلابی^۳ (۲۰۰۹) بیانگر آن است که دینداری از طریق خودمهارگری بر ارتقاء سلامت، بهزیستی و رفتار اجتماعی تأثیر می‌گذارد.

خودمهارگری را می‌توان نوعی مراقبت درونی در جهت انجام وظایف و ترک رفتارهای نابهنجار، بدون نظارت خارجی دانست (مححص و معتمدلنگرودی، ۱۳۹۵). همچنین از نگاه تانجنی،^۴ بون^۵ و بامیستر^۶ (۲۰۰۴)، خودمهارگری به ظرفیت فرد برای غلبه کردن و بازداری تکانه‌های غیرقابل‌پذیرش و نامطلوب و نظم دادن به رفتارها و تفکرات و هیجانات خود گفته می‌شود. امروزه خودمهارگری در پنج حوزه مورد مطالعه قرار می‌گیرد: تنظیم هیجانات، مهار افکار، هدایت رفتاری، کنترل توجه و غلبه بر تکانه‌های ابتدائی (واس^۷ و اشمایکل،^۸ ۲۰۰۷). خودمهارگری در زندگی شخصی، آثاری چون پیشرفت در تحصیل و کار، پس‌انداز برای آینده، حفظ وضعیت مناسب بدن (مید،^۹ الکویست^{۱۰} و بامیستر، ۲۰۱۰)، سازگاری روان‌شناختی بهتر و حرمت خود بالاتر را برای افراد به‌دنبال خواهد داشت (تانجنی و همکاران، ۲۰۰۴). در عرصه اجتماعی نیز به افراد توانایی خودداری از تقلب، ارتکاب جرائم و رفتارهای پرخطر جنسی را می‌دهد (مید و همکاران، ۲۰۱۰) و آنها را قادر می‌سازد تا ارتباطات سازنده‌تر و تعارض خانوادگی کمتری را به نمایش گذاشته و مدیریت بهتر خشم را تجربه کنند (تانجنی و همکاران، ۲۰۰۴). همچنین به گواهی پژوهش‌ها، خودمهارگری، افراد را در عرصه دینداری و رفتارهای فضیلت‌مندانه اخلاقی یاری می‌نماید (برای نمونه: مک‌کولا و ویلابی، ۲۰۰۹؛ خدایاری‌فرد، شهبایی و اکبری‌زردخانه، ۱۳۸۸؛ رفیعی‌هنر و جان‌بزرگی، ۱۳۸۹).

در ارتباط با چگونگی واسطه‌گری خودمهارگری در رابطه عوامل دینی (از جمله دلبستگی به خدا) با آثار روان‌شناختی (همچون کارکرد خانواده) می‌توان گفت: دینداری بر نحوه انتخاب، پیگیری و ساماندهی اهداف تأثیر می‌گذارد و خودمهارگری را در انسان پرورش می‌دهد. به عبارت دیگر، شناخت مذهبی، به طور خودکار، شکلی از خودمهارگری را در مقابل وسوسه‌ها فعال می‌کند (مک‌کولا و ویلابی، ۲۰۰۹). از سوی دیگر، خودمهارگری، توانایی مدیریت و مهار هیجانات، تکانه‌ها و امیال را به انسان بخشیده و آثاری همچون به‌هم‌پیوستگی بالا و تعارضات پایین خانوادگی را به دنبال خواهد داشت (تانجنی و همکاران، ۲۰۰۴). به اعتقاد رضاپور و همکاران (۱۳۹۲)، تعلقات مذهبی به زوجین

1. self-control

2. McCullough, M.E.

3. Willoughby, B.L.B.

4. Tangney, J.P.

5. Boone, A.L.

6. Baumeister, R.F.

7. Vohs, K.D.

8. Schmeiche, B.J.

9. Mead, N.L.

10. Alquist, J.L.

کمک می‌کند تا خشم خود را بهتر مهار نموده و تفاوت‌هایشان را با آرامش حل کنند. با توجه به افزایش نگران‌کننده آمار طلاق (بحرانی، ۱۳۹۲) و تزلزل بنیان‌های خانواده در عصر کنونی و ظرفیت عظیم دینداری در تقویت خانواده (بالالی، ۱۳۸۴) و از سوی دیگر، قابلیت خودمهارگری در وساطت این ارتباط، ضرورت پژوهش در این راستا آشکار می‌گردد. بنابراین، با توجه به فقر پژوهشی موجود در زمینه روابط دوگانه میان متغیرهای دلبستگی به خدا، خودمهارگری و کارکرد خانواده، این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا میان سه متغیر مذکور، روابط معنادار برقرار است؟ و به‌طور ویژه، آیا در رابطه دلبستگی به خدا با کارکرد خانواده، خودمهارگری نقش واسطه‌ای ایفا می‌کند؟

روش پژوهش

این پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی است. در این پژوهش برای سنجش رابطه دوگانه متغیرها از روش آماری همبستگی پیرسون در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ و برای آزمون نقش واسطه‌ای متغیر خودمهارگری امید، از چارچوب نظری بارون^۱ و کنی^۲ (۱۹۸۶ به نقل از سرمد، ۱۳۷۸) و روش معادلات ساختاری در نرم‌افزار ایموس^۳ نسخه ۲۴ استفاده شد.

جامعه آماری این پژوهش را افراد متأهل ساکن در منطقه پردیسان قم در سال ۹۵ تشکیل داده‌اند. با توجه به حجم جامعه مورد نظر که بالغ بر پنجاه‌هزار نفر برآورد گردید^۴ و با استفاده از فرمول کوکران^۵ (۲۰۰۷)، حجم نمونه ۳۸۱ نفر به دست آمد؛ اما برای اطمینان بیشتر، داده‌های مربوط به ۴۶۱ نفر (۲۳۸ مرد و ۲۲۳ زن) شرکت‌کننده جمع‌آوری شد. برای نمونه‌گیری، از دو روش «تصادفی ساده» و «در دسترس» استفاده شد؛ یعنی برای انتخاب مجتمع‌های مسکونی، از روش تصادفی ساده و برای انتخاب افراد شرکت‌کننده در هر مجتمع، از روش در دسترس استفاده شد. به اعتقاد آردن (۲۰۰۵) اگر در یک پژوهش، نمونه آماری آن‌قدر با جامعه خود تفاوت نداشته باشد که بر نتایج تحقیق اثر بگذارد، روش در دسترس روشی کاملاً پذیرفته شده و کارآمد جهت انتخاب یک نمونه آماری است. در این پژوهش، نیز پراکندگی در گروه نمونه (که شرطی لازم برای معرف بودن جامعه است) از طریق انتخاب تصادفی مجتمع‌ها تأمین گردید و برای نمونه‌گیری در درون مجتمع‌ها به روش در دسترس اکتفا شد.

1. Baron, R.M.

2. Kenny, D.A.

3. Amos 24

5. Cochran, W. G.

۴. بنابر استعلام از شهرداری منطقه مذکور

ابزار پژوهش

مقیاس دلبستگی به خدا: این مقیاس در سال ۲۰۰۲ توسط روات^۱ و کرک‌پاتریک، جهت ارزیابی سبک دلبستگی افراد نسبت به خدا ساخته شده است. این مقیاس چندبعدی حاوی ۹ گویه است که هر یک توصیف کوتاهی از چگونگی رابطه دلبستگی فرد نسبت به خداوند را ارائه می‌کند. در این آزمون، هر سه گزاره، یکی از سبک‌های دلبستگی به خدا را توصیف می‌کنند. آزمودنی، درجه تطابق هر جمله را با حالات و تجربیات خود در رابطه با خدا، روی یک مقیاس لیکرت که از ۱ (کاملاً مخالف) تا ۷ (کاملاً موافق) درجه‌بندی شده است، مشخص می‌نماید (سپاه‌منصور، شهبابی‌زاده و خوشنویس، ۱۳۸۷). در پژوهش سپاه‌منصور و همکاران (۱۳۸۷)، اعتبار درونی دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا، به ترتیب ۰/۶۹، ۰/۷۴ و ۰/۷۴ به دست آمده است.

فرم کوتاه مقیاس خودمهارگری: مقیاس خودمهارگری در سال ۲۰۰۴ توسط تانجنی و همکاران تهیه شده است. فرم بلند این مقیاس دارای ۳۶ گویه و فرم کوتاه آن شامل ۱۳ عبارت است. این پرسش‌نامه از مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای بهره می‌برد. برای بررسی اعتبار و روایی، پرسش‌نامه بر روی دو گروه از دانشجویان دوره کارشناسی اجرا شد که ضریب آلفای کرونباخ هر دو مطالعه ۰/۸۹ به دست آمده است (تانجنی و همکاران، ۲۰۰۴). همچنین ضریب اعتبار درونی این آزمون به روش آلفای کرونباخ با اجرای آن بر روی ۵۰ نفر از دانشجویان، توسط رفیعی‌هنر و جان‌بزرگی (۱۳۸۹) به دست آمده است. بررسی‌های مالونی،^۲ گرویچ^۳ و باربر^۴ (۲۰۱۲) نشان می‌دهد از زمان ساخت مقیاس خودمهارگری توسط تانجنی و همکاران در سال ۲۰۰۴، بیشتر تحقیقات این حوزه با استفاده از فرم کوتاه ۱۳ سؤالی آن انجام شده است (به نقل از سرافراز، قربانی و جواهری، ۱۳۹۲).

ابزار سنجش خانواده مک‌مستر (FAD): این مقیاس بر اساس مدل مک‌مستر و با هدف سنجش کارکرد خانواده، توسط اپستاین، بالدوین و بیشاپ در سال ۱۹۸۳ تدوین شده است. نسخه اولیه این مقیاس ۵۳ سؤالی بوده که جهت افزایش روایی، ۷ ماده به آن افزوده گردیده است و در این پژوهش از نسخه ۶۰ سؤالی استفاده می‌گردد. مدل مک‌مستر برای سنجش کارکرد خانواده از شش بعد اختصاصی حل مسئله، ارتباط، نقش‌ها، پاسخ‌دهی عاطفی، مشارکت عاطفی و کنترل رفتار و یک بعد کارکرد کلی استفاده می‌نماید. این آزمون پس از تهیه، توسط سازندگان آن بر روی یک نمونه ۵۰۳ نفری اجرا شد. دامنه ضریب آلفای زیرمجموعه‌های آن بین ۰/۷۲ تا ۰/۹۲ است که نشان می‌دهد از اعتبار درونی نسبتاً خوبی برخوردار است (ثنایی، ۱۳۷۹). در ایران نیز تحقیقات انجام شده توسط زاده‌محمدی و ملک‌خسروی (۱۳۸۵)، حاکی از

1. Rowatt, W.

2. Maloney, P.W.

3. Grawitch, M.J.

4. Barber, L.K.

5. family assesment device

آن است که آلفای کرونباخ کلی این پرسش‌نامه و خرده‌مقیاس‌های آن اعتبار دارد و ابعاد پرسش‌نامه از اعتبار بازآزمایی (پایایی) کافی برخوردار است. ابزار سنجش خانواده تا حدی دارای روایی هم‌زمان و پیش‌بین است. این ابزار در یک مطالعه مستقل روی ۱۷۸ زوج حدوداً ۶۰ ساله، با «مقیاس رضایت زناشویی لاک-والاس» همبستگی متوسط داشت و قدرت نسبتاً خوبی برای پیش‌بینی نمرات «مقیاس روحیه سالمندی فیلادلفیا» نشان داده است (ثنایی، ۱۳۷۹).

انجام پژوهش نیازمند پایداری پژوهشگر به اصول و ارزش‌های والای انسانی و اخلاقی است (افشار، حسینی و عباسی، ۱۳۹۰). در این پژوهش، ملاحظات اخلاقی در دو جنبه «اجرای میدانی» و «نگارش پژوهش» مورد توجه پژوهشگران بود. در جنبه اجرای میدانی می‌توان به مواردی همچون رضایت افراد در مشارکت در پژوهش، در نظر گرفتن منفعت شرکت‌کنندگان، توجه به ملاحظات مذهبی و فرهنگی، ایجاد اطمینان نسبت به محرمانه ماندن اطلاعات، رعایت حریم خصوصی و ارائه اطلاعات و راهنمایی‌های کافی در طول مشارکت اشاره نمود. در جنبه نگارش پژوهش نیز مواردی از جمله امانتداری علمی، ارائه دقیق نتایج پژوهش، تبعیت از قوانین و قراردانی در انتشارات (لوکاس،^۱ ۲۰۱۰) توجه پژوهشگران بوده است.

یافته‌های پژوهش

شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ قابل مشاهده است

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
رضایت	ایمن	۵/۴۰	۱/۰۹	۷/۰۰
	اجتنابی	۲/۱۶	۱/۰۱	۶/۱۶
	دوسوگرا	۳/۴۳	۱/۶۰	۷/۰۰
خودمهارگری				
کارکرد خانواده	حل مسئله	۱/۹۳	۰/۴۰	۳/۳۳
	روابط	۲/۰۷	۰/۳۷	۳/۱۱
	نقش‌ها	۲/۲۵	۰/۳۶	۳/۴۵
	پاسخ‌دهی عاطفی	۱/۹۸	۰/۴۹	۳/۸۳
	مشارکت عاطفی	۲/۱۴	۰/۴۹	۴/۰۰
	کنترل رفتار	۲/۱۳	۰/۳۹	۳/۶۶
	کارکرد کلی	۱/۹۶	۰/۴۳	۳/۴۱

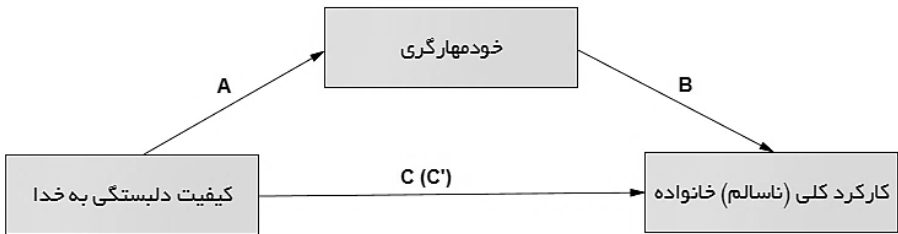
همبستگی‌های متقابل متغیرهای پژوهش در جدول ۲ ذکر شده است. بر اساس جدول ۲، سه سبک دلبستگی به خدا با خودمهارگری رابطه مثبت و با کلیه ابعاد کارکرد خانواده، رابطه منفی و معنادار دارند. همچنین خودمهارگری با ابعاد کارکرد خانواده، رابطه معنادار معکوس دارد (در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱).

جدول ۲. همبستگی‌های متقابل متغیرهای پژوهش

کارکرد خانواده							خودمهارگری	متغیر
کارکرد کلی	کنترل رفتار	مشارکت عاطفی	پاسخدهی عاطفی	نقش‌ها	روابط	حل مسئله		
-.۴۵۴**	-.۳۸۴**	-.۴۶۶**	-.۴۰۹**	-.۳۷۰**	-.۳۳۲**	-.۱۸۹**	.۳۴۵**	دلبستگی ایمن
-.۴۴۳**	-.۳۹۱**	-.۴۲۶**	-.۴۰۵**	-.۳۳۶**	-.۳۴۵**	-.۲۳۷**	-.۲۶۲**	دلبستگی اجتنابی
-.۳۶۴**	-.۲۸۸**	-.۴۱۰**	-.۳۱۹**	-.۳۳۹**	-.۲۵۹**	-.۳۴۵**	-.۱۰۷**	دلبستگی دوسوگرا
-.۴۶۱**	-.۴۰۸**	-.۴۰۵**	-.۳۷۵**	-.۴۴۳**	-.۳۶۶**	-.۳۳۹**	—	خودمهارگری

$P < .001^{***}$

برای بررسی نقش واسطه‌ای خودمهارگری در رابطه دلبستگی به خدا با کارکرد خانواده، از روش تحلیل مسیر در نرم‌افزار ایموس بر اساس چارچوب پیشنهادی بارون و کنی (۱۹۸۶) استفاده گردید. مدل مورد استفاده در نمودار ۱ به نمایش درآمده است.



نمودار ۱. مدل میانجی‌گری خودمهارگری در رابطه دلبستگی به خدا با کارکرد خانواده

با توجه به مدل فوق و بر اساس روش یادشده، معناداری مسیرهای A، B، C و C' به ترتیب بررسی گردید که نتایج آن در جدول ۳ آمده است. در نهایت، برای تعیین نسبتی از رابطه بین دو متغیر پیش‌بین و ملاک که توسط متغیر میانجی تبیین می‌شود و معناداری آن، از روش بوت‌استرپینگ^۱ استفاده گردید. مقدار مربوطه تحت عنوان A.B در جدول ذکر گردیده است.

1. bootstrapping

جدول ۳. ضرایب استاندارد و معناداری مسیرها در مدل‌های سه‌گانه دلبستگی به خدا

معناداری	نسبت بحرانی	خطای استاندارد	ضریب استاندارد	مسیر	کیفیت دلبستگی در مدل
***	۷/۸۸	-۰/۲۳	۰/۲۴	A	دلبستگی ایمن به خدا
***	-۸/۳۶	۰/۰۰	۰/۳۴-	B	
***	-۱۰/۹۲	۰/۱۶	۰/۴۵-	C	
***	-۸/۱۲	۰/۰۱	۰/۳۳-	C'	
***	---	---	۰/۱۱۹-	A.B	دلبستگی اجتنابی به خدا
***	۷/۸۸	-۰/۲۳	۰/۲۴	A	
***	-۸/۳۶	۰/۰۰	۰/۳۴-	B	
***	۱۰/۶۰	۰/۱۸	۰/۴۴	C	
***	-۸/۱۲	۰/۰۱	۰/۳۳-	C'	دلبستگی دوسوگرا به خدا
***	---	---	۰/۱۲۵	A.B	
***	-۵/۴۲	۰/۱۶	۰/۲۴-	A	
***	-۹/۶۷	۰/۰۰	۰/۳۹-	B	
***	۸/۳۸	۰/۰۱	۰/۲۶	C	دلبستگی دوسوگرا به خدا
***	-۵/۴۲	۰/۱۶	۰/۲۴-	C'	
***	---	---	۰/۰۹۷	A.B	

P<۰/۰۰۰۱***

مسیر A: رابطه پیش‌بین با میانجی

مسیر B: رابطه میانجی با ملاک

مسیر C: رابطه مستقیم پیش‌بین با ملاک قبل از ورود میانجی

مسیر C': رابطه مستقیم پیش‌بین به ملاک پس از ورود میانجی

مسیر A.B: رابطه غیرمستقیم پیش‌بین با ملاک (از طریق میانجی)

با توجه به داده‌های جدول ۳، بررسی‌ها نشان داد که کلیه روابط مورد نظر معنادار است. کاهش مقدار C' نسبت به C نشانگر آن است که حضور خودمهارگری به‌عنوان متغیر میانجی توانسته است بخشی از تأثیر دلبستگی به خدا بر کارکرد خانواده را به خود جذب کند. بنابراین، واسطه‌گری خودمهارگری در مدل مورد نظر تأیید می‌گردد. البته با توجه به اینکه C' همچنان معنادار است مشخص می‌شود که واسطه‌گری به طور جزئی بوده است. لازم به ذکر است مدل فوق با حضور تک‌تک ابعاد کارکرد خانواده نیز به آزمون گذاشته شد که به‌طور مشابه در همه مدل‌های مذکور، میانجی‌گری جزئی خودمهارگری تأیید گردید.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد که کیفیت دلبستگی به خدا با کارکرد خانواده رابطه معنادار دارد. بدین معنا که هرچه دلبستگی ایمن به خدا افزایش یابد، کارکرد ناسالم خانواده در ابعاد مختلف خود کاهش خواهد یافت، و هرچه دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا افزایش یابد، ابعاد کارکرد ناسالم خانواده افزایش خواهد یافت. این یافته با نتایج دو پژوهش شهابی‌زاده (۱۳۹۰ و ۱۳۹۴) همخوان است. همچنین با توجه به ارتباط وثیق دلبستگی به خدا با سایر متغیرهای دینداری و متغیر دلبستگی والدینی (سپاه‌منصور و همکاران، ۱۳۸۷)، پژوهش‌های هوک^۱ و همکاران (۲۰۱۰)، فینچام، آجایی^۲ و بیچ^۳ (۲۰۱۱)، رودز^۴ (۲۰۱۱)، حاتمی، حبیبی و اکبری (۱۳۸۸)، اصلانی و همکاران (۱۳۹۱)، مصلحی و احمدی (۱۳۹۲)، رضاپور و همکاران (۱۳۹۲)، محمدی و همکاران (۱۳۹۳)، خوش‌فر و ایلواری (۱۳۹۴) و ساکی و مکنونی (۱۳۹۴) مؤید این یافته به شمار می‌آیند.

از طرفی یافته‌ها نشان می‌دهند که کیفیت دلبستگی به خدا با خودمهارگری رابطه معنادار دارد. یعنی افزایش دلبستگی ایمن به خدا، افزایش خودمهارگری و افزایش دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا به خدا، کاهش خودمهارگری را به همراه خواهد داشت. اگرچه پژوهشی که رابطه مذکور را عیناً مورد بررسی قرار داده باشد یافت نگردید؛ اما با در نظر گرفتن متغیرهای نزدیک به دلبستگی به خدا، می‌توان نتایج حاصل از پژوهش عزیز و رحمان (۱۹۹۶)، آلویزریورا^۵ (۲۰۰۶)، مک‌کولا و ویلابی (۲۰۰۹)، حسین‌خانزاده و همکاران (۱۳۹۰)، ناروئی، صالحی و جندقی (۱۳۹۲)، سبقتی (۱۳۹۳) و همت‌پور (۱۳۹۴) را همسو با یافته مورد نظر دانست.

سومین یافته حکایت از رابطه معنادار خودمهارگری با کارکرد خانواده دارد و این بدان معناست که هرچه خودمهارگری افراد افزایش یابد، کارکرد ناسالم خانواده آنان کاهش خواهد یافت و بعکس. پژوهش‌های متعددی از جمله: واس^۶ و فینکل^۷ (۲۰۰۶)، قدیمی (۱۳۹۱)، یاری (۱۳۹۲) و مزیدی و همکاران (۱۳۹۳) رابطه خودمهارگری را با شاخص‌های مختلف خانوادگی و روابط میان‌فردی تأیید می‌نمایند.

در نهایت، یافته اصلی این پژوهش حاکی از آن است که خودمهارگری، رابطه کیفیت دلبستگی به خدا را با کارکرد خانواده واسطه‌گری می‌کند. پژوهش‌های وایتل^۸ و همکاران (۲۰۰۹) و مک‌کولا و ویلابی (۲۰۰۹) که بیانگر نقش واسطه‌ای خودمهارگری در رابطه دینداری با دیگر مفاهیم

1. Hook, J.N.

2. Fincham, F.D.

3. Ajayi, C.

4. Beach, S.R.H.

5. Rhoades, C.J.

6. Alvarez-Rivera, L.L.

7. Vohs, K.D.

8. Finkel, E.J.

9. Vitell, S.J.

روان‌شناختی هستند و پژوهش‌های سبقتی (۱۳۹۳) و میلر^۱ و همکاران (۲۰۰۹) که نقش واسطه‌ای خودمهارگری را در رابطه سبک‌های دلبستگی والدینی با متغیرهای دیگر تأیید می‌نمایند، از جمله پژوهش‌های همخوان با این یافته محسوب می‌شوند.

در تبیین یافته‌ها باید به این نکته توجه داشت که دلبستگی به خدا یکی از شاخص‌های دینداری محسوب می‌شود. به اعتقاد خوش‌فر و ایلواری (۱۳۹۴) پایبندی به دین منجر به ایجاد روابطی مستحکم و بدون تنش میان همسران می‌شود و کارکردهای خانواده را در ابعاد مختلف خود، تحت تأثیر قرار می‌دهد. بررسی‌های گوناگون نشان می‌دهد که سلامت جسمی، روحی و زناشویی با دینداری مرتبط است. دین، مبدأ، مقصد و مسیر حرکت را به فرد نشان می‌دهد و با ارائه الگوهای فکری و رفتاری به اعضای خانواده، آرامش و نشاط خانواده را تأمین می‌کند.

اما با دقت در این رابطه، می‌توان مکانیسم حضور خودمهارگری را دریافت؛ باور به اینکه خدایی هست که بر موقعیت‌ها مسلط و ناظر است، تا حد زیادی اضطراب مرتبط با موقعیت‌ها را کاهش داده و به انسان دلگرمی می‌دهد. این حس دلگرمی و حمایت شدن موجب می‌شود که فرد توانایی تصمیم‌گیری و عملکرد منطقی را یافته و بر تکانه‌ها و رفتارهای خود مسلط شود. فونتولاکیس^۲ و همکاران (۲۰۰۸) نیز بر این عقیده‌اند که دلبستگی به خدا سبب می‌شود که فرد بتواند موقعیت‌های غیرقابل مهار را در اختیار خود درآورد. همچنین به عقیده گراهام^۳ و همکاران (۲۰۰۱) کسانی که اعتقادات مذهبی قوی‌تری دارند، در برابر تنش و فشار، مصونیت بیشتری دارند (به نقل از زاهدبا بلان و همکاران، ۱۳۹۱). مصونیت در برابر تنش و فشار موجب می‌شود فرد در شرایط پرفشار و تنش‌زا مهار خود را از دست ندهد.

از طرفی، دلبستگی به خدا لوازم خودمهارگری از جمله انگیزه، شناخت و هدفمندی را برای فرد فراهم می‌کند (رفیعی‌هنر، ۱۳۹۳). فرد مؤمن برای رسیدن به هدف بزرگ‌تر که رضایت خداوند و مأمّن گزیدن در جوار اوست، دشواری مهار تکانه و از دست دادن هدف‌های کوچک‌تر را تحمل می‌کند. همچنین، فرد دلبسته به خداوند به تبع معنایی که به خود و جهان اطرافش می‌دهد، زندگی‌اش توأم با احساس ارزشمندی و هدفمندی است. از این‌رو، احتمال کمتری دارد که به اقداماتی دست زند که به احساس ارزشمند بودنش آسیب برساند یا مانع از رسیدن به اهدافش گردد؛ بنابراین به خودمهارگری روی خواهد آورد.

از سوی دیگر، باید توجه داشت که خودمهارگری به معنای توانایی مدیریت و مهار هیجانات،

تکانه‌ها و امیال است (تانجی و همکاران، ۲۰۰۴) و طبیعتاً کسی که بتواند هیجانات، تکانه‌ها و امیال خود را مدیریت کند، قادر است در همه ابعاد زندگی، از جمله بعد خانوادگی، رفتار مطلوب‌تری را از خود بروز دهد. به عقیده پژوهشگران، خودمهارگری پیامدهایی همچون ثبات هیجانی، دوست‌داشتنی بودن، به هم‌پیوستگی بالای خانوادگی، تعارضات پایین خانوادگی، توانایی درک دیدگاه‌های دیگران، همدلی، سطوح پایین پرخاشگری، مسئولیت‌پذیری در خصوص خطاهای فردی (تانجی و همکاران، ۲۰۰۴)، تعهد بالاتر (راچلین،^۱ ۱۹۹۵) و توجه به پیامدهای رفتار (لوگ،^۲ ۱۹۸۸) را به همراه دارد. درحالی‌که به نظر می‌رسد پیامدهای یادشده، همگی از عواملی هستند که می‌توانند تأثیرات مثبتی بر زندگی خانوادگی و کارکردهای آن داشته باشند.

به عبارت دیگر، فردی که در سایه دلبستگی به خدا به خودمهارگری رسیده است، قادر خواهد بود تا کارکردهای خانواده خود را بهبود بخشد؛ یعنی در بعد حل مسئله، بدون اینکه تحت فشار موقعیت، مهار خود را از دست داده و تکانش‌گرانه برخورد کند، سعی در مدیریت آن می‌نماید؛ در بعد نقش‌ها، تلاش می‌کند تا هدف‌ها و هوس‌های کوتاه‌مدت که با نقش‌ها و مسئولیت‌هایش در تضاد است را نادیده بگیرد؛ در بعد ارتباطات و پاسخ‌دهی عاطفی، می‌تواند روابط خود را در سطح مناسب نگه داشته و به هیجانات و احساسات دیگران پاسخ متناسب و مبتنی بر علاقه و دلسوزی دهد؛ در بعد مشارکت عاطفی، می‌تواند منافع شخصی‌اش را کنترل کرده و بدون دخالت بی‌جا در امور اعضای خانواده، به منافع آنها نیز بپردازد. در نهایت، در بعد کنترل رفتار، اعضای خانواده با مهار فکر و احساس خود می‌توانند با توجه به اهداف خانواده، مقررات مطلوبی وضع نموده و به آن پایبند باشند.

بر اساس یافته‌ها، با ورود خودمهارگری در معادله ساختاری پیش‌بینی کارکرد خانواده، قدرت پیش‌بینی‌کنندگی دلبستگی به خدا از بین نرفت و این نشان می‌دهد واسطه‌گری خودمهارگری در این رابطه به صورت کامل نیست. از این‌رو، متغیرهای دیگری نیز می‌توانند در کنار خودمهارگری نقش واسطه‌ای داشته باشند. در این راستا استفاده از متغیرهای دیگری همچون تاب‌آوری، خودکارآمدی و سلامت معنوی پیشنهاد می‌گردد. همچنین برای بررسی دقیق‌تر عوامل مؤثر بر کارکرد خانواده، استفاده از پژوهش فراتحلیل جهت یافتن متغیرهای مرتبط و بهره‌گیری از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری، جهت دستیابی به مدلی جامع در این زمینه مفید به نظر می‌رسد.

از محدودیت‌های این پژوهش، می‌توان به استفاده از طرح مقطعی، ابزارهای مداد کاغذی و

همچنین مذهبی بودن جمعیت نمونه اشاره نمود. برای دستیابی به نتایجی دقیق‌تر و با قابلیت تعمیم بیشتر، پیشنهاد می‌شود از پژوهش‌های طولی، ابزار مصاحبه و جمعیت‌های متنوع‌تر و بافت‌های غیرمذهبی نیز استفاده گردد. در نهایت، پیشنهاد می‌شود برای آموزش خانواده‌ها، بسته‌های آموزشی ارتقای کارکرد خانواده با لحاظ دو عامل خودمهارگری و دل‌بستگی به خدا طراحی و اجرا گردد.

منابع

- آردن، تیموتی سی (۲۰۰۵). آمار به زبان ساده در پژوهش‌های آموزشی، روان‌شناسی و علوم اجتماعی، ترجمه عبدالوهاب خادمی شمامی (۱۳۸۷). تهران: نشر نی.
- اصلانی، خالد؛ صیادی، علی و امان‌اللهی، عباس (۱۳۹۱)، «رابطه بین سبک‌های دلبستگی با کارکرد خانواده و سلامت عمومی»، مشاوره و روان‌درمانی خانواده، سال دوم، شماره ۲، ص ۱۶۳-۱۷۷.
- افشار، لیلیا؛ حسینی، مریم و عباسی، محمود (۱۳۹۰)، «ملاحظات اخلاقی در پژوهش‌های آموزشی»، تاریخ پزشکی، سال سوم، شماره ۸، ص ۶۵-۹۵.
- امیدیان‌فر، مریم؛ رفاهی، ژاله؛ قادری، زهرا و افشون، اسفندیار (۱۳۹۴)، «اثربخشی غنی‌سازی روابط زوجین بر کاهش تعارضات زناشویی در کارمندان ادارات مختلف شهر یاسوج»، ارمغان دانش، سال بیستم، شماره ۶ ص ۵۳۸-۵۴۸.
- بارکر، فیلیپ (۱۹۹۸)، خانواده‌درمانی پایه، ترجمه محسن دهقانی و زهره دهقانی، (۱۳۷۵)، تهران: رشد.
- بحرانی، محمود (۱۳۹۲)، «تحلیل آمارهای ازدواج و طلاق زوج‌های ایرانی طی پنج دهه گذشته»، جمعیت، ۸۵-۸۶، شماره ۲۰، ص ۴۳-۵۶.
- بلالی، اسماعیل (۱۳۸۴)، «رابطه مذهب و خانواده در غرب»، مطالعات راهبردی زنان، سال هفتم، شماره ۲۷، ص ۲۵۷-۲۷۵.
- پورقاسمی، مرضیه (۱۳۸۹)، تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر کارکرد خانواده زنان دارای همسر معتاد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: وزارت علوم تحقیقات و فناوری - دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- ثنائی، باقر؛ علاقیند، ستیلا و هومن، عباس (۱۳۷۹)، مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج، تهران: بعثت.
- حاتمی، حمیدرضا؛ حبی، محمدباقر و اکبری، علیرضا (۱۳۸۸)، «بررسی تأثیر میزان دینداری بر رضایت از زندگی زناشویی»، روان‌شناسی نظامی، سال اول، شماره ۱، ص ۱۳-۲۰.
- حسین‌خانزاده، عباس‌علی؛ همتی‌علمدارلو، قربان؛ آقابابایی، حسین؛ مرادی، اعظم و رضایی، صدیقه (۱۳۹۰)، «پیش‌بینی ظرفیت خودمهارگری از طریق انواع جهت‌گیری‌های مذهبی و نقش آن در کاهش بزهکاری»، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، سال اول، شماره ۲، ص ۱۹-۳۶.
- خداباری‌فرد، محمد؛ شهابی، روح‌الله و اکبری‌زردخانه، سعید (۱۳۸۸)، «رابطه دینداری و خودکنترلی با گرایش به مصرف مواد در دانشجویان»، رفاه اجتماعی، سال اول، شماره ۹، ص ۱۱۵-۱۳۰.
- خوش‌فر، غلامرضا و ایلواری، محبوبه (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه بین دینداری با سازگاری زناشویی (مطالعه موردی: زنان متأهل ساکن شهر گرگان)»، فصلنامه علوم اجتماعی، سال بیست و دوم، شماره ۶۸ ص ۱۹۳-۲۲۷.
- رایان، کریستین‌ای؛ ایستاین، ناتان‌بی؛ کیتنر، گابورای؛ میلر، آیوان‌دیلیو؛ بیشاپ، دوآن. اس (۲۰۰۵)، خانواده‌درمانی: ارزیابی و درمان خانواده‌ها، رویکرد مک‌مستر، ترجمه محسن دهقانی و مریم عباسی، (۱۳۹۰)، تهران: رشد.
- رضاپور میرصالح، یاسر؛ اسمعیلی، معصومه؛ فرحبخش، کیومرث و سعید ذکایی، محمد (۱۳۹۲)، «بررسی ابعاد هستی‌شناسی مذهبی در گفت‌وگوهای درون شخصی زوجین مذهبی برخوردار از سازگاری زناشویی بالا»، مطالعات روان‌شناسی بالینی، سال سوم، شماره ۱۰، ص ۱۹-۵۳.
- رفیعی‌هنر، حمید (۱۳۹۰)، ساخت مقیاس خودمهارگری بر اساس منابع اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- رفیعی‌هنر، حمید و جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۸۹)، «رابطه جهت‌گیری مذهبی و خودمهارگری»، روان‌شناسی و دین، سال اول، شماره ۳، ص ۳۱-۴۲.
- رفیعی‌هنر، حمید؛ جان‌بزرگی، مسعود؛ پسندیده، عباس و رسول‌زاده‌طباطبایی، سیدکاظم (۱۳۹۳)، «تیین‌سازه خودمهارگری بر اساس اندیشه اسلامی، روان‌شناسی و دین»، شماره ۲۷، ص ۵-۲۶.
- زاده‌محمدی، علی و ملک‌خسروی، غفار (۱۳۸۵)، «بررسی مقدماتی ویژگی‌های روان‌سنجی و اعتباریابی مقیاس سنجش

- کارکرد خانواده (FAD)، خانواده‌پژوهی، سال دوم، شماره ۵، ص ۶۹-۸۹.
- زارعی توپخانه، محمد؛ جان‌بزرگی، مسعود و احمدی، محمدرضا (۱۳۹۲)، «رابطه ساختار قدرت پدرمحور در خانواده اصلی فرد با کارآمدی خانواده»، مطالعات اسلام و روان‌شناسی، سال هفتم، شماره ۱۳، ص ۱۳۵-۱۵۰.
- زاهدباپلان، عادل؛ رضایی‌جمالی، حسن و حرفتی‌سبحانی، رعنا (۱۳۹۱)، «رابطه دلبستگی به خدا و تاب‌آوری با معناداری در زندگی دانشجویان»، دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، سال سیزدهم، شماره ۴۹، ص ۷۵-۸۵.
- ساکي، خدیجه و مکوندی، بهنام (۱۳۹۴)، «رابطه بین سبک‌های دلبستگی و شادکامی با عملکرد خانواده»، ارائه شده در سومین کنفرانس ملی روان‌شناسی و علوم رفتاری.
- سبقتی، علیرضا (۱۳۹۳)، نقش واسطه‌ای خودکنترلی در رابطه سبک‌های دلبستگی والدینی و راهبردهای مقابله‌ای نوجوانان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- سپاه‌منصور، مزگان؛ شهبایی‌زاده، فاطمه و خوشنویس، الهه (۱۳۸۷)، «ادراک دلبستگی کودکی، دلبستگی بزرگسال و دلبستگی به خدا»، روان‌شناسی تحولی (روان‌شناسان ایرانی)، سال چهارم، شماره ۱۵، ص ۲۵۳-۲۶۵.
- سرافراز، مهدی‌رضا؛ قربانی، نیما و جواهری، عابدین (۱۳۹۲)، «خود‌مهارگری: ظرفیتی واحد یا دو وجهی؟ تمایز بین وجوه بازدارندگی و برانگیزندگی در دانشجویان دانشگاه‌های تهران»، پژوهش در سلامت روان‌شناختی، سال ششم، شماره ۴، ص ۶۹-۷۵.
- سرمد، زهره (۱۳۷۸)، «متغیرهای تعدیل‌کننده و واسطه‌ای: تمایزات مفهومی و راهبردی»، پژوهش‌های روان‌شناختی، سال سوم، شماره ۵، ص ۶۳-۸۱.
- سیف، سوسن و اسلامی، معصومه‌السادات (۱۳۸۷)، «نقش باورهای ارتباطی در کارکرد خانواده و سازگاری زناشویی»، اندیشه‌های نوین تربیتی، سال چهارم، شماره ۱ و ۲، ص ۹۹-۱۲۹.
- شهبایی‌زاده، فاطمه (۱۳۹۰)، تدوین مدلی جهت تبیین پایگاه‌های هویت در ارتباط با سبک‌های دلبستگی به والد و خدا، الگوهای عملکرد خانواده و مقابله مذهبی، پایان‌نامه دکترا، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- شهبایی‌زاده، فاطمه (۱۳۹۴)، «مدل علی راهبردهای مقابله مذهبی، نقش کارکرد خانواده و دلبستگی به خدا»، مطالعات روان‌شناختی، سال یازدهم، شماره ۲، ص ۱۳۵-۱۶۵.
- عبادت‌پور، بهناز؛ نوایی‌نژاد، شکوه؛ شفیق‌آبادی، عبدالله و فلسفی‌نژاد محمدرضا (۱۳۹۲)، «نقش واسطه‌ای کارکردهای خانواده برای تاب‌آوری فردی و باورهای معنوی و دلدزدگی زناشویی»، روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، سال سوم، شماره ۱۳، ص ۲۹-۴۵.
- عبدالله‌پور، نازی؛ مقیمی‌آذری، محمداقبر؛ قلی‌زاده، حسین؛ سیدمهدوی‌اقدم، میرروح‌اله و علی‌اشرفی‌زکی، زینب (۱۳۸۸)، «رابطه بین دینداری با کارکرد خانواده در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، علوم اجتماعی»، سال سوم، شماره ۷، ص ۱۷۶-۱۵۷.
- قدیمی‌گرجان، ثریا (۱۳۹۱)، نقش تمایز یافتگی خود، خودکنترلی و راهبردهای حل تعارض در پیش‌بینی رضایتمندی زناشویی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اردبیل: دانشگاه محقق اردبیلی.
- لطفی‌نیا، حسین؛ محب، نعیمه و عبدلی، عیسی (۱۳۹۲)، «رابطه خودکارآمدی و سلامت عمومی با کارکرد خانواده در دانش‌آموزان پسر اول متوسطه ناحیه ۴ تبریز»، سال ششم، شماره ۲۳، ص ۴۱-۵۴.
- مححصص، مرضیه و معتمدلنگرودی، فرشته (۱۳۹۵)، «ابعاد خودکنترلی در اخلاق شهروندی بر اساس آموزه‌های علوی (ع)»، اخلاق زیستی، سال بیست و یکم، شماره ۶، ص ۷۴-۸۸.
- محمدی، بهناز؛ زهراکار، کیانوش؛ داورنیا، رضا و شاکرمی، محمد (۱۳۹۳)، «بررسی نقش دینداری و ابعاد آن در پیش‌بینی تعهد زناشویی کارکنان سازمان بهزیستی خراسان شمالی»، دین و سلامت، سال اول، شماره ۲، ص ۱۵-۲۳.
- محمدی‌مزیدی، هادی (۱۳۹۳)، رابطه بین عملکرد خانواده و خودکنترلی با دلزدگی زناشویی در زوجین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

- محمودی، غلامرضا (۱۳۹۳)، دلبستگی، تکامل و روان‌شناسی دین، نوشته لی. آ. کرک‌پاتریک، تهران: وائیا. مصلحی، جواد و احمدی، محمدرضا (۱۳۹۲)، «نقش زندگی مذهبی در رضامندی زناشویی زوجین»، روان‌شناسی و دین شماره ۲۲، ص ۷۵-۹۰.
- نارویی‌نصرتی، رحیم؛ صالحی، علی‌محمد و جندقی، غلامرضا (۱۳۹۲)، «اثربخشی یاد خدا بر خود‌مهارگری بر اساس منابع اسلامی»، روان‌شناسی و دین، شماره ۲۲، ص ۲۰-۳۱.
- همت‌پور، منوچهر (۱۳۹۴)، بررسی رابطه بین معنویت با میزان خودکنترلی در دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان‌های شهر کوه‌دشت در سال تحصیلی ۹۳-۹۲، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- یاری‌گشنیگانی، حسین (۱۳۹۲)، اثربخشی آموزش خودمهارگری بر تعارضات زناشویی زوجین کمتر از پنج سال زندگی مشترک شهر مشهد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، شیراز: دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- Alvarez-Rivera, L. L. (2006). Effects of Parental Attachment on Self-control: A Look at Attachments Among Puerto Rican High School Students. University of Florida.
- Aziz, S. & Rehman, G. (1996). Self control and tolerance among low and high religious groups. *Journal Of Personality And Clinical Studies*.
- Cochran, W. G. (2007). *Sampling techniques*. John Wiley & Sons.
- Epstein, N. B., Baldwin, L. M. & Bishop, D. S. (1983). The McMaster family assessment device. *Journal Of Marital And Family Therapy*, 9(2), 171-180.
- Fincham, F. D., Ajayi, C. & Beach, S. R. (2011). Spirituality and marital satisfaction in African American couples. *Psychology Of Religion And Spirituality*, 3(4), 259.
- Hook, J. N., Worthington, E. L., Davis, D. E., Jennings, D. J., Gartner, A. L. & Hook, J. P. (2010). Empirically supported religious and spiritual therapies. *Journal Of Clinical Psychology*, 66(1), 46-72.
- Kirkpatrick, L. A. (2005). Attachment, evolution, and the psychology of religion. Guilford Press.
- Kirkpatrick, L. A. & Shaver, P. R. (1990). Attachment Theory and Religion: Childhood Attachments, Religious Beliefs, and Conversion. *Journal For The Scientific Study Of Religion*, 29(3), 315-334.
- Kirkpatrick, L. A. & Shaver, P. R. (1992). An attachment-theoretical approach to romantic love and religious belief. *Personality And Social Psychology Bulletin*, 18(3), 266-275.
- Logue, A. W. (1988). Research on self-control: An integrating framework. *Behavioral And Brain Sciences*, 11(04), 665-679.
- Lucas, G. (2010). Singapore statement on research integrity. *Sri Lanka Journal Of Child Health*, 39(4).
- McCullough, M. E. & Willoughby, B. L. (2009). Religion, self-regulation, and self-control: Associations, explanations, and implications. *Psychological Bulletin*, 135(1), 69.
- Mead, N. L., Alquist, J. L. & Baumeister, R. F. (2010). Ego depletion and the limited resource model of self-control. *Self Control In Society, Mind, And Brain*, 375-388.
- Miller, H. V., Jennings, W. G., Alvarez-Rivera, L. L. & Lanza-Kaduce, L. (2009). Self-control, attachment, and deviance among Hispanic adolescents. *Journal Of Criminal Justice*, 37(1), 77-84.
- Rachlin, H. (1995). Self-control: Beyond commitment. *Behavioral And Brain Sciences*, 18(01), 109-121.
- Rhoades, C. J. (2011). Objective and Perceived Spiritual and Religious Compatibility as Predictors of Marital Functioning. Loyola University Maryland.
- Tangney, J. P., Baumeister, R. F. & Boone, A. L. (2004). High Self-Control Predicts Good Adjustment, Less Pathology, Better Grades, and Interpersonal Success. *Journal Of Personality*, 72(2), 271-324.
- Vitell, S. J., Bing, M. N., Davison, H. K., Ammeter, A. P., Garner, B. L. & Novicevic, M. M. (2009). Religiosity and Moral Identity: The Mediating Role of Self-Control. *Journal Of Business Ethics*, 88(4), 601-613.
- Vohs, K. D. & Finkel, E. J. (2006). Self and relationships: Connecting intrapersonal and interpersonal processes. Guilford Press.
- Vohs, K. D. & Schmeichel, B. J. (2007). Self-regulation: How and why people reach (and fail to reach) their goals. *The Self*, 139-162.
- Walker, R. & Shepherd, C. (2008). Strengthening Aboriginal family functioning: What works and why? Australian Institute of Family Studies.

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵، ص ۹۷ - ۱۱۲

نقش عمل به باورهای دینی در پیش‌بینی خودکارآمدی و امید به زندگی زنان مطلقه

The Role of Practicing Religious Beliefs in Predicting Self-efficacy and life Expectancy among Divorced Women

اسماعیل اسدیپور / استادیار مشاوره و راهنمایی، دانشگاه خوارزمی

عبدالرحیم کسانلی / استادیار مشاوره و راهنمایی، دانشگاه خوارزمی

شیماسادات برقعی / دانشجوی دکتری روانشناسی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات

Isma'il Asad-Pur / Assistant Professor of Consultation and Guidance, KHU.

dr.iasadpour@yahoo.com

Abdul-Rahim Kasa'i / Assistant Professor of Consultation and Guidance, KHU.

Shima Sadat Burqa'i / PhD of Psychology, SRBIAU.

ABSTRACT

The present research aims at investigating the role of practicing religious beliefs in predicting self-efficacy and life-expectancy in divorced women. The research design is of correlation type. The statistical society composed of all the divorced women in Karaj city in the first three months of 2015 AD (1394 SH) who referred to the consultation center for divorce in family court in Karaj city. 278 subjects were selected through voluntary available sampling, who then answered the life expectancy test, the general scale for self-efficacy, and the temple questionnaire. The data gathered were analyzed using Pearson's correlation test

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی نقش عمل به باورهای دینی در پیش‌بینی خودکارآمدی و امید به زندگی زنان مطلقه می‌باشد. طرح پژوهش حاضر از نوع همبستگی است. جامعه آماری کلیه زنان مطلقه شهر کرج در سه ماهه اول ۱۳۹۴ بود که به مرکز مشاوره طلاق دادگاه خانواده شهر کرج مراجعه نموده‌اند که از بین این افراد ۲۷۸ نفر با روش نمونه‌گیری داوطلبانه در دسترس انتخاب شده و به آزمون امید به زندگی، مقیاس خودکارآمدی عمومی و پرسش‌نامه معبد پاسخ دادند. داده‌های جمع‌آوری شده به وسیله آزمون

and multiple regression test. The findings showed that the collective religious behavior, practical behavior and the religious behavior have positive relationships with self-efficacy. Besides, 8.1% of variance of self-efficacy was predicted by collective religious behavior and religious behavior. Similarly, religious beliefs, personal religious behavior and collective religious behavior as well as practical behavior have positive relationships with life expectancy, and 16.9% of the variance of life expectancy is predicted by practical behavior, personal religious behavior and collective religious behavior. It is advisable that consultants and practitioners or the institutes related to women's affairs deal with reinforcing religious beliefs in women so that their life expectancy and self-efficacy would not fall down to a defective level in difficult situations such as divorce.

KEYWORDS: Self-Efficacy, Life Expectancy, Practicing Religious Beliefs, Divorced Women.

همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج پژوهش نشان داد که رفتار مذهبی جمعی، رفتار عملی و رفتار دینی با خودکارآمدی رابطه مثبت دارند. همچنین ۸/۱ درصد از واریانس خودکارآمدی را رفتار عملی، رفتار مذهبی جمعی و رفتار دینی پیش بینی نمودند. همین طور باورهای مذهبی، رفتار مذهبی شخصی، رفتار مذهبی جمعی و رفتار عملی با امید به زندگی رابطه مثبت دارد و ۱۶/۹ درصد از واریانس امید به زندگی را رفتار عملی، رفتار مذهبی شخصی و رفتار مذهبی جمعی پیش بینی می‌نماید. مناسب است که مشاوران و درمانگران یا نهادهای مرتبط با امور زنان، به راهکارهای تقویت باورهای دینی پردازند تا در موقعیت‌های دشواری مثل طلاق، امید و خودکارآمدی ایشان افت آسیب‌زا نداشته باشد.

کلیدواژه‌ها: خودکارآمدی، امید به زندگی، عمل به باورهای دینی، زنان مطلقه.

مقدمه

از آنجایی که پیچیدگی‌های انسانی از یک سو، و عدم تناسب این پیچیدگی‌ها با سرعت رو به افزایش پیشرفت تکنولوژی، معضلات اجتماعی قابل ملاحظه‌ای را سبب شده است. یکی از مهم‌ترین آنها پدیده طلاق و پیامدهای بعد از آن است که خود باعث بروز معضلات اجتماعی است، به طوری که موضوع طلاق و معضلات اجتماعی می‌تواند هر دو علت و معلول یکدیگر باشند و با توجه به افزایش میزان طلاق در بین زوج‌های متأهل، بررسی واکنش روانی زنان مطلقه نسبت به پدیده جدایی، از نقطه نظر روان‌شناختی مهم است. امروزه متخصصان بالینی و پژوهشگران، از مشکلات روانی اجتماعی افراد مطلقه آگاهی بیشتری دارند و روش‌های مختلفی را برای مداخله درمانی پیشنهاد کرده‌اند (خاری آرانی، ۱۳۹۱).

«امید» مفهومی است که در دو دهه اخیر احتمالاً بیشترین تحقیقات را به سوی خود جلب نموده است و فرایندی است که به افراد اجازه می‌دهد تا هدف‌هایی را طراحی نموده و آن را پیگیری نمایند (فیدمن^۱ و کوباتا^۲، ۲۰۱۵). امید قابلیت درک شده از به وجود آوردن مسیرهای مطلوب در جهت دستیابی به اهداف و برانگیخته شدن در جهت استفاده از این راه‌ها می‌باشد (دو، برناردو^۳ و یونگ^۴، ۲۰۱۵). اشنایدر^۵ ریچل^۶، رابرد^۷ و برگ^۸ (۲۰۰۶) در تعریفی، امید را مجموعه‌ای ذهنی می‌دانند که مبتنی بر حس متقابل اراده و برنامه‌ریزی برای رسیدن به هدف است. از نظر وی موفقیت در کارهای چالش‌انگیز، مخصوصاً در حیطه تحصیلی اغلب نیازمند توانا بودن برای ایجاد چندین گذرگاه (مسیر) برای رسیدن به اهداف است.

امید، سلامت جسمی و روانی را که با انواع شاخص‌ها از جمله سلامت خودگزارشی، پاسخ مثبت به مداخلات پزشکی، سلامت ذهنی، خلق مثبت، نیرومندی ایمن شناختی، رضایت از زندگی، کنار آمدن مؤثر و رفتارهای ارتقا دهنده سلامت مشخص شده‌ند، پیش‌بینی می‌کند (دو، برناردو و یونگ، ۲۰۱۵؛ متیو^۹، دانینگ^{۱۱}، کاست^{۱۲} و ولن^{۱۳}، ۲۰۱۴). تجربیات بیانگر آن است که امید به‌عنوان یک عامل پیچیده چندبُعدی و بالقوه قدرتمند در بهبود شرایطی که انسان در آن قرار دارد چه از بعد فیزیولوژیکی و چه عاطفی مؤثر می‌باشد. امید در بردارنده تصورات و توجه افراد به آینده است و با این تصور که احتمال دارد نتایج مثبت حاصل شود باعث تلاش و تغییر در رفتارهای او می‌گردد (بالجانی خشابی، امان‌پور و عظیمی، ۱۳۹۰). محققان جدیداً دریافته‌اند که امید چیزی فراتر از تسکین مختصر دردهای بشری است و نقش مؤثری در زندگی و کسب موفقیت‌های مختلف تحصیلی بازی می‌کند و زمینه مشاغل سنگین و پرزحمت تحمل آدمی را افزایش می‌دهد. امید از لحاظ تکنیکی، چیزی فراتر از دیدگاهی مثبت حاکی از اینکه همه چیز به خوبی و خوشی می‌انجامد است. اشنایدر^{۱۴} (۲۰۰۲) آن را به گونه‌ای خاص‌تر تعریف می‌کند: «امید یعنی اعتقاد به اینکه هم اراده و دستیابی به هدف‌هایمان را داریم و هم راه رسیدن به آنها را علی‌رغم هرگونه شرایط». افکار امیدوارانه عقایدی را نشان می‌دهد که فرد می‌تواند از طریق آنها راه‌های رسیدن به اهداف مورد تمایل را پیدا کند و برای استفاده از آنها برانگیخته شود. بدین ترتیب، امید می‌تواند تغییری تعیین‌کننده در بازگشت زنان مطلقه به زندگی عادی و سلامت روان شناختی آنها باشد.

یکی دیگر از عواملی که در زنان مطلقه قابل بررسی است مفهوم خودکارآمدی است. «خودکارآمدی» به باورها و قضاوت‌های فرد به توانایی‌های خود در انجام وظایف و مسئولیت‌ها

1. Feldman, D.B.

2. Kubota, M.

3. Du, H.

4. Bemardo, A.

5. Yeung, S.S.

6. Snyder, C.R.

7. Ritschel, L.A.

8. Ravid, L.K.

9. Berg, C.J.

10. Mathew, J.

11. Dunning, C.

12. Coats, C.

13. Whelan, T.

14. Snyder, C.R.

اشاره دارد. خودکارآمدی ممکن است به صورت سطحی از اعتماد به نفس در افراد نیز تعریف شود (جاین^۱ و داوسون^۲، ۲۰۰۹). از دیدگاه بندورا^۳ (۲۰۰۱) خودکارآمدی توانایی فرد در انجام یک عمل خاص، در کنار آمدن با یک موقعیت ویژه است. به عبارت دیگر، خودکارآمدی به قضاوت‌های افراد در رابطه با توانایی‌هایشان برای به ثمر رساندن سطوح طراحی شده عملکرد اطلاق می‌شود (جهانی‌ملکی شریفی، جهانی‌ملکی و نظری بولانی، ۱۳۹۰).

بویر^۴ و پاهاریا^۵ (۲۰۰۸) خودکارآمدی را غنی‌ترین منابع درون فردی می‌دانند که اشخاص را برای انجام کارهای فردی توانمند می‌سازد و به‌عنوان عامل پیش‌بینی‌کننده‌ای در تغییر رفتارهای مربوط به سلامتی محسوب می‌شود. فرد دارای خودکارآمدی بالا، توانایی تغییر حالات منفی روانی خود را دارد (سانگ^۶ و لک^۷ براک^۸ و تاندر^۹، ۲۰۱۰؛ راجی^{۱۰}، لئوناردی^{۱۱}، منتگزا^{۱۲}، کسل^{۱۳} و فیورواوتی^{۱۴}، ۲۰۱۰). محققان نشان داده‌اند که باورهای خودکارآمدی به‌عنوان مهم‌ترین تعیین‌کننده انگیزش، عاطفه، تفکر و عمل هر فرد می‌باشند (بندورا، ۲۰۰۱).

افرادی که احساس خودکارآمدی بالا دارند، دارای سلامت روان هستند، در مواجهه با تکالیف مشکل به جای اجتناب از آنها با تکالیف چالش می‌کنند، تعهد بالایی برای رسیدن به اهداف خود دارند، شکست خود را بیشتر به تلاش ناپسند و دانش و مهارت ناقص اما جبران‌پذیر اسناد می‌دهند. هنگام مواجهه با مشکل به جای اضطراب و ترس، احساس آرامش را تجربه می‌کنند. دیدگاه گسترده‌ای از حل شیوه مسئله دارند، بعد از شکست اعتماد تضعیف شده آنها به سرعت بهبود می‌یابد، در انجام دادن تکالیف علاقه‌مندی و درگیری بیشتری از خود نشان می‌دهند و به راه‌حل‌های خود اطمینان دارند، ولی در عین حال انعطاف‌پذیر هستند (بندورا، ۲۰۰۱).

از سوی دیگر، انسان‌ها موجوداتی چندبعدی و متعالی هستند. آنها فقط موجوداتی روانی- جسمانی و اجتماعی- فرهنگی نمی‌باشند بلکه عمدتاً موجوداتی دینی- معنوی و اخلاقی هستند. پژوهش‌های بسیاری اظهار می‌دارند که مادی‌گرایی، دنبال کردن امور دنیوی و ثروت، شادکامی و خودشکوفایی پایدار را به همراه ندارد. در مقابل، نارضایتی، افسردگی، اضطراب، خشم، انزوایطلبی و بیگانگی در مردم افزایش یافته است (وایالیکورتو^{۱۵}، ۲۰۱۲).

در حقیقت مذهب به‌عنوان یک عنصر فرهنگی و اعتقادی از ابتدایی‌ترین دوران زندگی بشریت تا

1. Jain, S.

2. Dowson, M.

3. Bandura, A.

4. Boyer, B.A.

5. Pahlaria, M.I.

6. Sang, G.

7. Valcke, M.

8. Braak, J.

9. Tondeur, J.

10. Raggi, A.

11. Leonardi, M.

12. Mantegazza, R.

13. Casale, S.

14. Fioravanti, G.

15. Vayalilkortu, J.

به امروز همواره ذهن انسان را به خود مشغول داشته و تأثیرات عمیق خود را در کلیه ابعاد زندگی برجای گذاشت است، پیشرفت‌های روزافزون صنعت و تکنولوژی در دهه‌های اخیر نه تنها او را نسبت به معنویت و مذهب بی‌نیاز ساخته، بلکه به نظر می‌رسد که انسان امروزی و گریزان از ایسمهای مختلف اعتقادی برای راهی از سرگستگی و بی‌ثباتی‌های زندگی خویش و بازگشت به حقیقت مذهب را به‌عنوان آخرین و مناسب‌ترین راه برگزیده است (میرهاشمیان، ۱۳۷۸).

در این رابطه، معنویت و مقابله مذهبی به‌عنوان راهبردهای مؤثر مقابله با آشفتگی‌ها و پریشانی‌ها مورد توجه بسیاری از روان‌شناسان، مشاوران قرار گرفته است و بهزیستی معنوی می‌تواند کارکرد و سازگاری معطوف به خودکارآمدی را تقویت نماید (یعقوبی و محقق، ۱۳۸۷). عصر تکنولوژی و محدودیت‌های آن در زندگی، وجود تنش‌هایی را در زندگی روزمره انسان به دنبال خواهد داشت و این موضوعی است که ناخودآگاه و یا خودآگاه انسان‌ها را به سوی معنویت و مذهب به ویژه در جوامع دینی سوق خواهد داد. به‌طوری‌که در پژوهشی در این زمینه، در شرایط بیمارستانی، که موقعیت‌های پرتنش وجود دارد، نتایج نشان داد که ارائه آموزه‌های دینی به پرستاران باعث افزایش خودکارآمدی آنان در موقعیت‌های پرتنش شده است (رضاپور، خباز و صافی، ۱۳۹۰).

عمل به باورهای دینی می‌تواند حتی به‌عنوان سرمایه‌های اجتماعی نیز در نظر گرفته شود؛ چرا که تحقیقات صورت گرفته نشان می‌دهد که افراد مذهبی در کشورهای مذهبی شادتر هستند و امید به زندگی بیشتری را دارند (حسن‌زاده، میریان و لزگی، ۱۳۹۳). اوکلیز - کوزارین^۱ (۲۰۰۹) پژوهشی در زمینه رابطه بین مذهب و امید به زندگی در ۷۹ کشور انجام داده و نتایج به دست آمده نشان داد که ابعاد مذهبی با سرمایه‌های اجتماعی در ارتباط هستند و هر چه امید به زندگی بیشتر باشد، سرمایه‌های اجتماعی بیشتر است و افراد مذهبی در کشورهای مذهبی شادتر هستند و امید به زندگی بالاتر است. همچنین در رابطه بین باورهای مذهبی و امید به زندگی قهرمانی و ناد (۱۳۹۱) طی تحقیقی تحت عنوان «رابطه بین مؤلفه‌های مذهبی - معنوی با سلامت روان و امید به آینده در کارکنان بیمارستان دولتی شیراز» به این نتیجه رسید که انگیزش پرستش همراه با بهزیستی روانی به ترتیب مهم‌ترین ابعاد مذهبی - معنوی هستند که به همراه سلامت روان بر امید به آینده مؤثر می‌باشند. همچنین افراد دارای گرایش بالای دینی، خشنودی بیشتری از زندگی دارند، شادمانی بیشتری دارند و در مواجهه با رویدادهای رنج‌زای زندگی پیامدهای روانی - اجتماعی منفی کمتری را نشان می‌دهند (الیسون، ۱۹۹۱)^۲.

به اعتقاد برخی پژوهشگران، مذهب با تأثیر بر سبک زندگی و چگونگی حل تعارض‌های ارزشی به دو سؤال اساسی انسان درباره هدف زندگی و معنای فعالیت‌ها و استعداد‌های وی پاسخ می‌دهد. به این ترتیب، به وحدت‌یافتگی سازمان روان‌شناختی و معنوی و خودنظم‌دهی انسان کمک می‌کند. به عبارت دیگر، سازش‌یافتگی انسان با مسائل زندگی مستلزم پاسخ به خواسته‌های مهمی است که انسان در پی پاسخگویی به آنهاست (بهرامی‌احسان، ۱۳۸۱).

رفتارها و عقاید مذهبی، تأثیر مثبتی در معنادار کردن زندگی دارند. رفتارهایی از قبیل توکل به خداوند، عبادت، زیارت و... می‌توانند از طریق ایجاد امید و تشویق به نگرش‌های مثبت، موجب آرامش درونی فرد شوند. داشتن معنا و هدف در زندگی، احساس تعلق داشتن به منبعی والا، امیدواری به یاری خداوند در شرایط مشکل‌آفرین زندگی، بهره‌مندی از حمایت‌های اجتماعی و معنوی و... همگی از جمله روش‌هایی هستند که افراد مذهبی با دارا بودن آنها می‌توانند در مواجهه با حوادث فشارزای زندگی، آسیب کمتری را متحمل شوند (یانگ^۱ و ماو^۲، ۲۰۰۷). در مطالعه‌ای، میسر^۳ (۲۰۰۳) نقش مذهب در سازگاری افراد با یک رویداد معنادار زندگی را بررسی کرد. او با ۱۲۴ پدر و مادری که کودک خود را به علت سندرم مرگ ناگهانی از دست داده بودند مصاحبه کرد و دریافت که مذهبی بودن با پذیرش آسان‌تر این بحران، ارتباطی مستقیم دارد. همچنین مذهبی بودن با افزایش سلامت روانی و کاهش ناراحتی والدین در طی ۱۸ ماه بعد از مرگ کودکانشان، ارتباط مستقیمی داشت. جیان کارلو^۴ الساندر^۵ ماریو^۶، الکساندر^۷ و هارولد^۸ (۲۰۱۲) با بررسی کردن تأثیرات مذهبی بودن روی سلامت روانی، احساس درد و کیفیت زندگی بر روی ۱۱۰ سالمند به این نتیجه دست یافتند که مذهبی بودن رابطه معناداری با علائم افسردگی کمتر، کیفیت زندگی بهتر، مشکلات شناختی کمتر و ادراک کمتر درد، دارد.

علیرغم اینکه پژوهش‌های قبلی نشان داده‌اند که مذهبی بودن و باورهای دینی می‌تواند بر ارتقاء خودکارآمدی و امید به زندگی مؤثر باشد، اما هیچ پژوهشی رابطه این متغیرها را در جامعه مورد نظر پژوهشگر، بررسی ننموده‌اند که بدین جهت این پژوهش به این پرسش پاسخ می‌دهد که آیا بین خودکارآمدی و امید به زندگی با عمل به باورهای دینی در زنان مطلقه رابطه وجود دارد؟

روش پژوهش

این نوع پژوهش از نوع همبستگی است. جامعه آماری، کلیه زنان مطلقه شهر کرج که در سه ماهه اول سال ۱۳۹۴ به مرکز مشاوره طلاق دادگاه خانواده شهر کرج مراجعه نموده‌اند که تعداد آنها پس از استعلام از دادگاه خانواده این شهر تقریباً برابر با ۱۰۰۰ نفر بوده است. حجم نمونه با توجه به جامعه

1. Yang, K.P.

2. Mao, N.Y.

3. Meier, A.M.

4. Giancarlo, L.

5. Alessandra, L.G.L.

6. Mario, F.P.P.

7. Alexander, M.A.

8. Harold, G.K.

پژوهش و بر اساس جدول مورگان، ۲۷۸ نفر برآورد شده است که با روش نمونه‌گیری داوطلبانه در دسترس گزینش شدند. بدین ترتیب، با حضور در این مراکز، از زنانی که برای طلاق از سوی دادگاه‌های خانواده ارجاع داده شده بودند، نمونه مورد نظر انتخاب شدند.

ابزار پژوهش

آزمون امید میلر: این آزمون توسط میلر^۱ و پاورز در سال ۱۹۸۸ ساخته شد که از نوع آزمون تشخیصی است. این آزمون اولین بار، جهت سنجش در بیماران قلبی در آمریکا به کار رفت تا میزان امید را در آنها نشان دهد. پرسش‌نامه میلر به طور مجدد از نظر هماهنگی عامل‌های پیشنهاد شده برای امید و هماهنگی ماده‌ها با همدیگر و دقت در انتخاب جنبه‌های مختلف از نظر رفتارهای حاکی از امید توسط شش نفر از استادیاران دانشگاه‌های آمریکا مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مورد تأیید آنها واقع شد (پاشا و امینی، ۱۳۸۷). آزمون میلر شامل ۴۸ گویه از حالت‌های امیدواری و درماندگی می‌باشد که ماده‌های قید شده در آن بر مبنای تظاهرات آشکار یا پنهان رفتاری در افراد امیدوار یا ناامید برگزیده شده‌اند. در برابر هر جنبه که نماینده یک نشانه رفتاری است جملاتی به این شرح نوشته شده‌اند (بسیار مخالف=۱، مخالف=۲، بی‌تفاوت=۳، موافق=۴، بسیار موافق=۵). هر فرد با انتخاب جمله‌ای که در رابطه با او صدق می‌کند امتیاز کسب می‌کند. ارزش‌های نمره‌ای هر جنبه از ۱ تا ۵ تغییر می‌کند. جمع امتیاز کسب شده بیان‌کننده امیدواری یا ناامیدی است. در آزمون میلر، دامنه امتیازات کسب شده از ۴۸ تا ۲۴۰ متغیر می‌باشد. اگر فردی امتیاز ۴۸ را کسب کند کاملاً درمانده تلقی می‌شود و نمره ۲۴۰ حداکثر امیدواری را نشان می‌دهد. جمله‌های ۱۱، ۱۳، ۱۶، ۱۸، ۲۵، ۲۷، ۲۸، ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۳۸، ۳۹ از پرسش‌نامه میلر از ماده‌های منفی تشکیل شده‌اند که در ارزشیابی و نمره‌گذاری، برعکس نمره می‌گیرند. حسینی (۱۳۸۵) برای تعیین روایی این پرسش‌نامه، از نمره سؤال ملاک استفاده کرد. به این ترتیب، نمره کل پرسش‌نامه با نمره سؤال ملاک همبسته شده است و مشخص شد که بین این دو رابطه مثبت معناداری وجود دارد. برای تعیین پایایی پرسش‌نامه از دو روش آلفای کرونباخ و تنصیف استفاده کرد که به این ترتیب، ضرایب آن برابر با ۰/۹۰ و ۰/۸۹ می‌باشد. در تحقیق حسینیان (۱۳۸۶) نیز برای تعیین پایایی پرسش‌نامه مذکور از دو روش آلفای کرونباخ و تنصیف استفاده شده که ضرایب به دست آمده به ترتیب برای کل آزمودنی‌ها ۰/۶۹ و ۰/۶۵ می‌باشد که بیانگر ضرایب قابل قبول پرسش‌نامه یاد شده می‌باشد.

برای محاسبه روایی پرسش‌نامه نیز، نمره کل پرسش‌نامه را با نمره سؤال ملاک که به طور همزمان از آزمون‌ها پرسیده شد، همسته گردید و مشخص شد که بین این دو رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

غلامی، پاشا و سودانی (۱۳۸۸)، ضرایب پایایی پرسش‌نامه امید به زندگی با استفاده از روش آلفای کرونباخ و تصنیف محاسبه کردند و برای کل مقیاس به ترتیب $0/95$ و $0/94$ به دست آمده است، که بیانگر پایایی مطلوب پرسش‌نامه مذکور می‌باشد. همچنین پاشا و امینی (۱۳۸۷) ضرایب پایایی مقیاس امید به زندگی میلر از دو روش آلفای کرونباخ و تصنیف مورد ارزیابی قرار دادند که نتایج به ترتیب برابر با $0/92$ و $0/95$ به دست آمد که بیانگر ضرایب پایایی مطلوب پرسش‌نامه مذکور می‌باشد.

مقیاس خودکارآمدی عمومی: این پرسش‌نامه توسط شرر و همکاران (۱۹۸۲) ساخته شده است. مقیاس خودکارآمدی شرر دارای ۱۷ ماده ۵ گزینه‌ای است که به هر ماده از ۱ تا ۵ امتیاز تعلق می‌گیرد. ماده‌های ۱، ۳، ۸، ۹، ۱۳ و ۱۵ بر حسب مقیاس لیکرت از راست به چپ به ترتیب از ۵ الی ۱ و ماده‌های دیگر یعنی ۲، ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۶ و ۱۷ به صورت معکوس یعنی از چپ به راست یا از ۱ الی ۵ امتیاز را به خود اختصاص می‌دهند. بدین ترتیب، بالاترین نمره خودکارآمدی در این مقیاس ۸۵ و پایین‌ترین نمره ۱۷ است (مبینی کیشه، ۱۳۸۴). بر اساس پژوهش‌هایی که در ایران انجام شده، ضرایب اعتبار از طریق روش دونیمه کردن به ترتیب از $0/76$ تا $0/85$ و $0/79$ تا $0/85$ گزارش شده‌اند (مبینی، ۱۳۸۴). شرر و همکاران (۱۹۸۲) ضرایب آلفای کرونباخ خودکارآمدی عمومی و اجتماعی را به ترتیب برابر با $0/76$ و $0/71$ گزارش کرد (مبینی، ۱۳۸۴). پایایی این مقیاس را از طریق آلفای کرونباخ $0/8$ و رضایور همکاران (۱۳۹۰) پایایی این مقیاس را $0/86$ گزارش کرده‌اند. همچنین روایی آزمونی نیز در پژوهش نجفی و فولادچنگ (۱۳۸۶) و رضایور و همکاران (۱۳۸۹) مورد تأیید قرار گرفت.

پرسش‌نامه معبد: مقیاس عمل به باورهای دینی، که به «پرسش‌نامه معبد» نیز معروف است، توسط گلزاری در سال ۱۳۷۷ ساخته شده است. مقیاس معبد دارای ۲۵ پرسش است که عمل (نه اعتقاد و نگرش) به باورهای اسلامی را می‌سنجد. خرده‌مقیاس‌های چهارگانه این آزمون عبارتند از: رفتار مذهبی شخصی، رفتار مذهبی جمعی، رفتار عملی، رفتار دینی. هر سؤال ۵ گزینه دارد که از صفر تا چهار، نمره‌گذاری می‌شود. بدین ترتیب، کمترین نمره صفر و بیشترین نمره صد است (حاجی‌زاده میمند و برغمندی، ۱۳۸۹). این آزمون دارای روائی محتوای مورد تأیید است. پایایی این آزمون از طریق بازآزمایی $0/76$ گزارش شده است و از طریق دونیمه کردن $0/91$ و از طریق ضریب آلفای کرونباخ $0/94$ گزارش شده است (گلزاری، ۱۳۷۸).

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS (نسخه ۲۰) آزمون‌های آمار توصیفی، ضریب همبستگی و رگرسیون خطی انجام شد. میزان p کمتر از ۰/۰۵ معنادار در نظر گرفته شد.

یافته‌های پژوهش

۲/۸۷ درصد زیر دیپلم، ۱۸/۱۱ درصد دیپلم، ۱۵/۴ درصد کاردانی، ۰/۴۱ درصد کارشناسی، ۱۰/۴۳ درصد کارشناسی ارشد و بالاتر و ۱۱/۵۱ درصد افراد بدون ثبت اطلاعات در این زمینه بودند. نتایج توصیفی شامل میانگین، واریانس انحراف استاندارد مربوط به آزمون‌های سه‌گانه این مطالعه در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. اطلاعات توصیفی متغیرهای پژوهش ($n=378$)

متغیر	میانگین	واریانس	انحراف معیار
باورهای دینی	۵۱/۴۰	۵۵/۸۵	۷/۴۷
رفتار مذهبی شخصی	۱۴/۷۰	۲۰/۲۷	۴/۵۰
رفتار مذهبی جمعی	۱۲/۲۴	۹/۵۴	۳/۰۸
رفتار عملی	۱۳/۳۴	۹/۰۵	۳/۰۰
رفتار دینی	۱۱/۱۱	۸/۰۷	۲/۸۴
خودکارآمدی	۳۸/۵۷	۵۶/۴۴	۷/۵۱
امید به زندگی	۱۲۰/۰۰	۲۳۲/۹۷	۱۵/۲۶

جدول ۲. ضریب همبستگی بین باورهای دینی و خودکارآمدی

متغیر	باورهای دینی	رفتار مذهبی شخصی	رفتار مذهبی جمعی	رفتار عملی	رفتار دینی
خودکارآمدی	۰/۳۴	۰/۰۹	۰/۱۴	۰/۳۱	۰/۱۲
p	۰/۰۰۱	۰/۱۲	۰/۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۴

** $P < 0.01$ * $P < 0.05$

چنان‌که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، بین باورهای مذهبی با خودکارآمدی، رفتار مذهبی جمعی با خودکارآمدی، رفتار عملی با خودکارآمدی و رفتار دینی با خودکارآمدی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($P < 0.01$). بین رفتار مذهبی شخصی با خودکارآمدی رابطه معناداری وجود نداشته است ($P > 0.05$). در جدول ۳ همبستگی بین باورهای مذهبی و امید به زندگی ارائه شده است.

جدول ۳. ضریب همبستگی بین باورهای دینی و امید به زندگی

متغیر	باورهای دینی	رفتار مذهبی شخصی	رفتار مذهبی جمعی	رفتار عملی	رفتار دینی
امید به زندگی	۰/۳۳۳	۰/۲۰۲	۰/۱۹۸	۰/۳۳۰	-۰/۰۱۰
p	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۸۶۷

** $P < 0.01$ * $P < 0.05$

همان‌طور در جدول ۳ مشاهده می‌شود، بین باورهای مذهبی با امید به زندگی، رفتار مذهبی شخصی با امید به زندگی، رفتار مذهبی جمعی با امید به زندگی، و رفتار عملی با امید به زندگی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($P < 0.01$) وجود دارد. درحالی‌که بین متغیر رفتار دینی با امید به زندگی رابطه معناداری وجود ندارد. نتایج آزمون رگرسیون خطی متغیرهای مستقل (رفتار مذهبی شخصی و جمعی، رفتار عملی و دینی) در جداول ۴ و ۵ نشان داده شده است.

جدول ۴. ضرایب رگرسیون برای خودکارآمدی به زندگی از روی رفتار عملی، رفتار مذهبی جمعی و رفتار مذهبی جمعی

متغیرها / شاخص‌ها	R	R ²	F	P	ضرایب β	T	P
رفتار عملی	۰/۲۱	۰/۰۴	۱۳/۵۲	۰/۰۱	۰/۴۱	۳/۶۶	۰/۰۱
رفتار مذهبی جمعی	۰/۲۵	۰/۰۶	۹/۷۲	۰/۰۱	۰/۱۴	۲/۴۷	۰/۰۱
رفتار دینی	۰/۲۸	۰/۰۸	۸/۰۴	۰/۰۱	۰/۱۲	۲/۱۰	۰/۰۳۶

همان‌طور که آزمون‌های F نشان می‌دهد، در تحلیل رگرسیون اثر متغیر رفتار عملی، رفتار مذهبی جمعی و رفتار دینی در سطح $P < 0.05$ معنادار است. همچنین ضرایب β نشان می‌دهد که رفتار عملی قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده و رفتار دینی ضعیف‌ترین پیش‌بینی‌کننده خودکارآمدی می‌باشد.

جدول ۵. ضرایب رگرسیون برای پیش‌بینی امید به زندگی از روی رفتار عملی، رفتار مذهبی جمعی و رفتار مذهبی جمعی

متغیرها / شاخص‌ها	R	R ²	F	P	ضرایب β	T	P
رفتار عملی	۰/۳۳۰	۰/۱۰۹	۳۳/۷۳	۰/۰۰۱	۰/۳۳۴	۵/۸۸	۰/۰۰۱
رفتار مذهبی شخصی	۰/۳۸۳	۰/۱۴۷	۳۳/۶۶	۰/۰۰۱	۰/۱۵۷	۲/۷۵	۰/۰۰۶
رفتار مذهبی جمعی	۰/۴۱۱	۰/۱۶۹	۱۸/۵۹	۰/۰۰۱	۰/۱۵۴	۲/۷۱	۰/۰۰۷

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، بررسی رابطه بین خودکارآمدی و امید به زندگی با عمل به باورهای دینی در زنان مطلقه بود. براین اساس، نتایج پژوهش نشان داد که بین عمل به باورهای دینی (و مؤلفه‌های آن) با خودکارآمدی زنان مطلقه رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ بدین معنی که هر چه زنان مطلقه باورهای دینی بیشتری داشته باشند، خودکارآمدی بالاتری را نیز نشان خواهند داد. این یافته با نتایج پژوهش‌های آزاد و همکاران (۱۳۹۳)، رنجبر و همکاران (۱۳۹۱)، غفاری و رضایی (۱۳۹۰)، رضاپور و همکاران (۱۳۹۰) و اکبری گل‌پرور و کامکار (۱۳۸۷) همسو می‌باشد.

عشق به خدا، انسان را به کار و فعالیت و از خود گذشتگی و می‌دارد و کسی که خود را در جامعه

عضوی سودمند و ارزشمند ببیند ثبات و سلامت روانی او تأمین می‌شود. تجربه‌های عینی و بررسی‌های اجتماعی نشان داده، افرادی که با آموزش‌های راستین و منطقی و دینی و اخلاقی پرورش یافته‌اند بیشتر از آنهایی که چنین آموزش‌هایی را نداشته‌اند در راه هدف‌های ارزنده اجتماعی گام برداشته و فداکاری کرده‌اند و کمتر به جامعه‌ستیزی و انحراف و خیانت کشیده شده‌اند، زیرا برای آنها رضایت خدا بالاترین کار است.

کارکردی که از دین می‌توان توقع داشت و در واقع، این نقش را دین در تاریخ و تجربه خود به نمایش گذارده است، مقاومت‌بخشی است. هنگامی که بحرانی و تعارضی در آدمی وجود دارد و پاسخگویی به نیازی یا حل مشکلی امکان ندارد، ایمان دینی و مفاهیم وابسته به آن می‌تواند جلوی فرسودگی و اشتداد بحران و واماندگی فرد را بگیرد و به او اراده و دلیری و استواری ببخشد. مفاهیم دینی مانند صبر، توکل، رضا و... نشان‌دهنده این محور مهم در سلامت روانی و مهار بحران‌های روحی است. مقاومت‌یابی در روان آدمی دارای سازوکارهایی است که یکی از آنها جایگزین‌سازی است. آدمی هرگاه در یکی از ابعاد و ساخت‌ها احساس شکست و ناکامی کند، می‌کوشد در بُعد دیگری آن را جبران کند و امر دیگری را جایگزین سازد. در آموزه‌های ادیان نیز این سازوکار استفاده، و برانگیزه‌های متعالی ایمانی و موفقیت‌های معنوی به‌عنوان جایگزین درد و رنج‌های غیرقابل درمان تأکید شده است (اعرافی، ۱۳۸۱).

اسپیلکا^۱ و همکاران (۲۰۰۳)، مناسک و رسوم مذهبی را علاوه بر نقش محوریشان در دین دارای کنش‌های بسیاری می‌دانند که یکی از آنها ایجاد و تداوم مهار خود و جهان شخصی ما، به ویژه هنگامی است که احساس تحت فشار بودن می‌کنیم. آنها همچنین اعتقاد دارند که مناسک و آئین‌های دینی احساس خودکارآمدی در غلبه بر مشکلات را به ما می‌دهند. همچنین به دلیل ماهیت متعالی تجربه‌های دینی و معنوی، افراد دارای باورهای اصیل دینی و معنوی به طور مداوم در ارتباط با درکی از تجربه‌های زندگی و شغلی خود هستند که شامل مداخلات معنوی و الهی است. این مداخلات می‌توانند رویدادهای زندگی و افکار و باورهای انسان را تغییر دهند. معنویت می‌تواند به‌عنوان یک راهبرد مقابله‌ای در جهت حل مشکلات و مسائل پرتنش روزمره در موقعیت‌ای مختلف نقش مهمی ایفا نماید. معنویت برخاسته از ایمان و آگاهی ژرف به آن، نمی‌گذارد انسان از قبول مسئولیت و انجام مأموریت شانه خالی کند و آن را نیمه‌تمام رها نماید. اعتقاد به امداد الهی و

برخورداری از باورهای دینی سرمایه‌ای گرانقدر بوده که ضعف و سستی را از بین می‌برد و افزایش خودکارآمدی را سبب می‌گردد.

علاوه‌براین، این پژوهش نشان داد که بین عمل به باورهای دینی (و مؤلفه‌های آن) با امید به زندگی زنان مطلقه رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ بدین معنی که هر چه زنان مطلقه باورهای دینی بیشتری داشته باشند، امید به زندگی بالاتری را نیز نشان خواهند داد. این یافته با نتایج پژوهش‌های حسن‌زاده، میریان و لزگی (۱۳۹۳)، شوهانی و همکاران (۱۳۹۳)، قهرمانی و نادری (۱۳۹۱)، رحمانی (۱۳۹۱)، الکس^۱ و اجاوانی (۲۰۱۱) و اوکلیز-کوزارین (۲۰۰۹) همسو می‌باشد.

روان‌شناسی بهداشت در سال‌های اخیر اهمیت زیادی برای نقش راهبردهای مقابله و سبک زندگی افراد در چگونگی سلامت جسمانی و روانی آنها قابل شده است. شیوه‌های مقابله، توانایی‌های شناختی و رفتاری هستند که توسط فرد در معرض استرس جهت کنترل نیازهای خاص درونی و بیرونی که فشارآور بوده، فراتر از منابع فرد می‌باشند، به کار گرفته می‌شوند. در همین زمینه، مقابله مذهبی به‌عنوان روشی که از منابع مذهبی مانند دعا و نیایش، توکل و توسل به خداوند و... برای مقابله استفاده می‌کند، تعریف شده است. یافته‌های اخیر نشان داده‌اند که از آنجاکه این نوع مقابله‌ها هم به‌عنوان منبع حمایت عاطفی و هم وسیله‌ای برای تفسیر مثبت حوادث زندگی هستند، می‌توانند به کارگیری مقابله‌های بعدی را تسهیل نمایند. از این رو، به کارگیری آنها برای بیشتر افراد مفید می‌باشد. به‌طور کلی، مقابله مذهبی متکی بر باورها و فعالیت‌های مذهبی است و از این طریق در کنترل استرس‌های هیجانی و ناراحتی‌های جسمی به افراد کمک می‌کند (محمدنژاد و همکاران، ۱۳۹۳).

از سویی، ایمان به خدا موجب نگرش معنادار و هدف‌دار فرد به کل هستی می‌شود. در واقع، خداوند به‌عنوان تکیه‌گاه و منبع دل‌بستگی دارای شرایطی است که اجازه می‌دهد او را به‌عنوان موضع دل‌بستگی به حساب آوریم. از ویژگی‌های این منبع دل‌بستگی، پناهگاهی است مطمئن که فرد در مشکلات زندگی می‌تواند به او رجوع کند همیشه در دسترس و در کنار انسان است، علیرغم عدم حضور فیزیکی همیشه می‌شود حضور او را احساس کرد و دیگر اینکه فرد معتقد خداوند را اساس ایمنی می‌داند، چون او را قادر به همه کارها و آگاه به همه امور می‌داند. بنابراین، فرد معتقد از وجود او احساس قدرت و امنیت می‌ند (کریک‌پاتریک،^۴ ۱۹۹۴).

در این زمینه، برگین (۱۹۹۱) معتقد است تفکر مذهبی به دلایل زیر دارای تأثیرات مثبت و پیامدهای

مناسب بر وضعیت روان‌شناختی افراد می‌باشد: ۱. مذهب معنایی برای زندگی فراهم می‌سازد؛ ۲. امید و خوش‌بینی را فراهم می‌آورد؛ ۳. به افراد مذهبی احساس کنترل توسط خداوند می‌دهد که جبران احساس عدم کنترل شخص را جبران می‌کند؛ ۴. راه و روش زندگی بهتر را برای شخص فراهم می‌آورد؛ ۵. هنجارهای مثبت اجتماعی را ایجاد می‌کند که خود حمایت‌های اجتماعی را بر می‌انگیزد.

بدین ترتیب، در تبیین این یافته می‌توان اظهار کرد مذهب که بسیاری از نیازهای اساسی انسان را برآورده می‌کند و خلأهای اخلاقی، عاطفی و معنوی او را پر می‌کند، امید و قدرت را در فرد تحکیم نموده، و خصوصیات اخلاقی، معنوی را در فرد و اجتماعات استحکام داده، پایگاه بسیار محکمی برای انسان در برابر مشکلات و مصائب و محرومیت‌های زندگی ایجاد می‌کند. در نهایت، می‌تواند امید به زندگی را در زنان مطلقه که با مصائب بسیاری دسته و پنجه نرم می‌کنند، ارتقاء دهد و آینده را برای ایشان روشن‌تر نماید.

از طرفی باورها و گرایش مذهبی می‌تواند با به وجود آوردن هویت دینی و بالطبع آن ایجاد احساس تعلق گروهی و شرکت فعالانه‌تر مراسم‌های مذهبی و مشارکت نمودن با سایر افراد، به بهبود روابط اجتماعی بیانجامد و بدین ترتیب زنان مطلقه‌ای که باورهای مذهبی بیشتری دارند می‌توانند به جهت شرکت در مراسم‌های مذهبی، حمایت اجتماعی بیشتری به دست آورند و شبکه‌های اجتماعی قوی ایجاد نمایند و بدین‌سان از امید بیشتری نسبت به آینده برخوردار باشند. با توجه به یافته‌های این پژوهش، مشاوران و روان‌شناسانی که با زنان مطلقه سروکار دارند می‌توانند در فرایند مشاوره و درمان این زنان بر نقش باورهای مذهبی در جهت بهبود خودکارآمدی و امید به زندگی این زنان، تأکید نمایند تا بتوانند با بهبود خودکارآمدی و امید به زندگی این زنان، گام‌هایی مؤثر را در جهت بازگشت دوباره آنها به روند عادی زندگی و بهبود کیفیت زندگی و سلامت روان بردارند.

منابع

- آزاد مرزآبادی، اسفندیار؛ فتحی‌آشتیانی، علی؛ احمدی‌زاده، محمدجواد؛ انیسی، جعفر و زمانی‌نسب، روح‌الله (۱۳۹۳)، «رابطه سلامت جسمی، روانی و معنویت با خودکارآمدی در کارکنان نظامی»، *مجله طب نظامی*، سال چهارم، شماره ۱۶، ص ۲۱۷-۲۲۳.
- اعرافی، علیرضا (۱۳۸۱)، *آرامش روان از منظر اسلام*، چکیده مقالات، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- اکبری، محمد؛ گل‌پرور، محسن و کامکار، منوچهر (۱۳۸۷)، «رابطه اعتماد بین‌فردی، خودکارآمدی، پایبندی مذهبی و بخشش با باورهای دنیای عادلانه توزیعی و رویه‌ای»، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، شماره ۱۰، ۳۵-۳۶، ص ۵۳-۸۰.
- بالجانی، اسفندیار؛ خشایی، جواد؛ امانپور، الهام و عظیمی، ندا (۱۳۹۰)، «بررسی ارتباط بین سلامت معنوی، مذهب و امید در بیماران مبتلا به سرطان»، *مجله دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران سال هفدهم*، شماره ۳، ص ۲۷-۳۷.
- بهرامی، احسان‌هادی (۱۳۸۱)، «رابطه بین جهت‌گیری مذهبی، اضطراب و حرمت خود»، *مجله روان‌شناسی*، سال ششم، شماره ۴، ص ۳۳۶-۳۴۷.
- پاشا، غلامرضا و امینی، سهیلا (۱۳۸۷)، «تأثیر واقعیت‌درمانی بر امید به زندگی و اضطراب همسران شهیدان»، *یافته‌های نو در روان‌شناسی اجتماعی*، سال سوم، شماره ۹، ص ۳۷-۵۰.
- جهانی‌ملکی، سیف‌الله؛ شریفی، مسعود؛ جهانی‌ملکی، رعنا و نظری‌بولانی، گوهر (۱۳۹۰)، «رابطه سطح آگاهی از مهارت‌های زندگی با باورهای خودکارآمدی در دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی»، *پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، سال ششم، شماره ۲۲، ص ۱۹-۴۹.
- حاجی‌زاده میمندهی، مسعود و برغمندی، مهدی (۱۳۸۹)، *رابطه عمل به باورهای دینی و رضایت از زندگی در بین سالمندان*، نشریه سالمند، سال پنجم، شماره ۱۵، ص ۸۷-۹۴.
- حسن‌زاده، رمضان؛ میریان، سیداحمد و لزگی، فاطمه (۱۳۹۳)، «رابطه بین توکل به خدا، کیفیت زندگی و امید به زندگی در معلمان ناحیه یک ساری»، *سال اول*، شماره ۲، ص ۱۵-۲۱.
- حسینی، سیده‌مونس (۱۳۸۵)، *رابطه امید به زندگی و سرسختی روان‌شناختی در دانشجویان (دختر و پسر)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناختی، گچساران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد گچساران.
- خاری‌آرانی، مجید (۱۳۹۱)، *بررسی نقش امید در تعلیم و تربیت اسلامی انسان از منظر قرآن و روایات و مقایسه آن با روان‌شناسی مثبت‌گرا*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- رحمانی، مدینه (۱۳۹۱)، *بررسی رابطه باورهای دینی، هوش معنوی، امید و مسئولیت‌پذیری با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهرستان لنگرود در سال تحصیلی ۹۰-۹۱*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ارومیه: دانشگاه ارومیه.
- رضاپور میرصالح، یاسر؛ خباز، محمود؛ صافی، محمدهادی؛ عبدی، کیانوش؛ یوری، مریم و بهجتی، زهرا (۱۳۹۰)، «بررسی همبستگی جهت‌گیری مذهبی ابعاد شخصیت و خودکارآمدی با سبک‌های مقابله با استرس در دانشجویان کارورز پرستاری»، *پژوهش پرستاری ایران*، سال ششم، شماره ۲۲، ص ۵۳-۵۴.
- شوهانی، فاطمه؛ اصغری، الناز؛ شیخ‌الاسلامی، فرزانه و علی‌تالشی، محبوبه (۱۳۹۳)، «ارتباط باورهای مذهبی با امید در بیماران مبتلا به سرطان»، *تصویر سلامت*، سال پنجم، شماره ۴، ص ۱-۵.
- عبدلی سلطان احمدی، جواد؛ عیسی‌زادگان، علی؛ غلامی، محمدتقی و محمودی، حجت‌امانی (۱۳۸۸)، *بررسی رابطه باورهای کارآمدی جمعی و باورهای خودکارآمدی با رضایت شغلی دبیران مرد دوره متوسط شهر قم*، پایان‌نامه

کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران.

- غفاری، مظفر و رضایی، اکبر (۱۳۹۰)، «بررسی عمل به باورهای دینی و خودکارآمدی در پیش‌بینی میزان و نوع استرس ادراک شده در دانشجویان»، مجله تحقیقات علوم رفتاری، سال چهارم، شماره ۹، ص ۲۶۹-۲۷۸.
- غلامی، مریم؛ پاشا، غلامرضا و سودانی، منصور (۱۳۸۸)، «اثربخشی آموزش معنادرمانی گروهی بر امید به زندگی و سلامت عمومی بیماران دختر تالاسمی»، دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، شماره ۴۲، ص ۲۵-۴۵.
- قهرمانی، نسرين و نادى، محمدعلی (۱۳۹۱)، «رابطه بین مؤلفه‌های مذهبی - معنوی با سلامت روان و امید به آینده در کارکنان بیمارستان‌های دولتی شیراز»، نشریه پرستاری ایران، سال بیست و پنجم، شماره ۷۹، ص ۱-۱۱.
- گلزاری، محمود (۱۳۷۸)، «تهیه ابزارهایی جهت سنجش عمل به باورهای دینی و انواع حیات و انواع حیات و بررسی رابطه دینداری و حیات با ویژگی‌های شخصیتی و سلامت روان، گزارش نهایی طرح پژوهشی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- مبینی کیشه، مجید (۱۳۸۴)، بررسی شیوه‌های مقابله با تنش روانی (استرس) و ارتباط آن با خودکارآمدی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- محمدنژاد، اسماعیل؛ ابوطالبی، قاسم؛ طالبیان، یاسر و نعمتی دوبلانی، فاطمه (۱۳۹۳)، «ارتباط هوش هیجانی و سلامت روان در کارکنان پتروشیمی»، مجله سلامت و مراقبت، سال شانزدهم، شماره ۳، ص ۷۰-۷۸.
- میرهاشمیان، حمیرا (۱۳۷۸)، «تأثیر اعتقادات مذهبی در شکل‌گیری مکان کنترل و نیمرخ روانی دانشجویان دانشگاه‌های تهران»، فصل‌نامه دانشگاه آزاد اسلامی، شماره ۸، ص ۶۹-۸۰.
- نیک‌رو، طیبه (۱۳۸۷)، «بررسی اثربخشی گشتالت‌درمانی به شیوه گروهی بر افزایش امید به زندگی و عزت‌نفس زنان بازنشسته آموزش و پرورش شهر بهبهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، اهواز: واحد علوم و تحقیقات.
- یاسمی‌نژاد، پریسا؛ گل‌محمدیان، محسن و سعیدی‌پور، بهمن (۱۳۹۰)، «درآمدی بر رابطه دین و معنویت با روان‌شناسی با تکیه بر دیدگاه چند تن از روان‌شناسان مطرح»، فصلنامه قیسات، سال یازدهم، شماره ۳، ص ۱۲-۷۹.
- یعقوبی، ابوالقاسم و محققى، حسین (۱۳۸۷)، «رابطه بین هوش معنوی و بهداشت روان دانشجویان دانشگاه بوعلی»، در: مجموعه مقالات چهارمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، شیراز: دانشگاه شیراز.
- Alex, M. & Ajawani, J.C. (2011). Marital happiness as the function of Spiritual Intelligence. *International Multidisciplinary Research Journal*. 1(9), 2231-6302.
- Bergin, A.E. (1991). Values and religious issues in psychotherapy and mental health. *American Psychologist*, 46, 394-403.
- Bandura, A. (2001). Social cognitive theory, *Annual Review of Psychology*. 52, 1-26.
- Boyer, B.A. & Paharia, M.I. (2008). *Comprehensive handbook of clinical health psychology*, Hoboken, NJ: John Wiley & Sons; Inc.
- Du, H., Bernardo, A.B.I. & Yeung, S.S. (2015). Locus-of-hope and life satisfaction: The mediating roles of personal self-esteem and relational self-esteem. *Personality and Individual Differences*, 83, 228-233.
- Ellison, C.G. (1991). Religious involvement and subjective well-being. *Journal of Health and Social Behavior*, 9, 80-99.
- Feldman, D.B. & Kubota, M. (2015), Hope, self-efficacy, optimism, and academic achievement: Distinguishing constructs and levels of specificity in predicting college, *Learning and Individual Differences*, 37, 210-216.
- Giancarlo, L., Alessandra L.G.L., Mario, F.P.P., Alexander, M.A & Harold, G.K. (2012). Religiosity, Health, and Depression in Older Adults from a Brazilian Military Setting. *Journal of International Scholarly Research Network (ISRN Psychiatry)*, 43, 4, Pages: 216-222.
- Jain, S. & Dowson, M. (2009). Mathematics Anxiety as a Function of Multidimensional Self-Regulation and Self-Efficacy, *Contemporary Educational Psychology*, 34, 240-249.

- Kirkpatrick, L.A. (1994). The role of attachment in religious belief and behavior. *advances in personal relationship*, 5, 239-256.
- Mathew, J., Dunning, C., Coats, C. & Whelan, T. (2014), The mediating influence of hope on multidimensional perfectionism and depression. *Personality and Individual Differences*, 70, 66-71.
- Meier, A.M. (2003). Adolescents' transition to first intercourse, religiosity, and attitudes about sex, *Social Forces*, 81, 1031-1052 .
- Miller, J.F., & Powers, M.J. (1988). Development of an instrument to measure hope. *Nurs Res*, 37(1), 6-10.
- Okulicz-Kozaryn, A. (2009). Religiosity and life Satisfaction. (A Multilevel Investigation across Nations). Institute for Quantitative Social Science, Harvard University.
- Raggi A., Leonardi, M., Mantegazza, R., Casale, S. & Fioravanti, G. (2010). Social support and self-efficacy in patients with Myasthenia Gravis: a common pathway towards positive health outcomes, *neurological science journal*. 31(2):231-235.
- Sang, G., Valcke, M., Braak, J. & Tondeur, J. (2010). Student teachers' thinking processes and ICT integration: Predictors of prospective teaching behaviors with educational technology, *Computers and Education*; 13: 45-61.
- Sherer, M., Maddux, J.E., Mercandante, B., Prentice-Dunn, S., Jacobs, B. & Rogers, R.W. (1982). The self-efficacy scale: Construction and validation. *Psychological Reports*, 51, 663-671.
- Snyder, C.R. (2002). Hope theory: Rainbows in the mind. *Psychol Inq*; 13: 249-75.
- Snyder C.R., Ritschel, L.A., Ravid, L.K. & Berg, C.J. (2006). Balancing Psychological Assessments: Including Strengths and Hope in Client Reports. *Journal of Clinical Psychology* 62(1), 33-46.
- Spilka, B., Hood, R., Hansberger, B. & Gorsuch, R. (2003). *The Psychology of Religion*, 3rd ed. New York: Guilford.
- Vayalilkarottu, J. (2012). Holistic health and well-being: A psycho-spiritual/religious and theological perspective, *Asian Journal of Psychiatry*, 5, 347-350.
- Yang, K.P. & Mao, X.Y. (2007). a study of nurses' spiritual intelligence: A cross-sectional questionnaire survey. *International journal of Nursing studies*. 44(6): 999-1010.

ملخص المقالات

طرح معيارٍ معتبرٍ حول مسألة الالتزام بالحجاب

محمد زارعي توبخانه / طالب دكتوراه في علم النفس - مركز دراسات الحوزة والجامعة.
عباس علي هراتيان / طالب دكتوراه في علم النفس - مركز دراسات الحوزة والجامعة.
هادي إرشاد حسيني / حائز على شهادة ماجستير في علم النفس - مؤسسة الإمام الخمينيؑ للتعليم والبحوث.
محمد صادق شجاعى / أستاذ مساعد في علم النفس، جامعة المصطفى العالمية - مركز دراسات المصطفى العالمي.

الملخص

الهدف من تدوين هذه المقالة هو طرح معيارٍ معتبرٍ حول مسألة الالتزام بالحجاب من منطلق التعاليم القرآنية والأحاديث المروية عن أهل البيت (عليهم السلام)، وفي بادئ الأمر قام الباحثان باستقراء الآيات والروايات الخاصة بالموضوع وتصنيفها وتحديد دلالاتها، ثم بادرا إلى تقييمها. تم اختيار ٣٨٥ طالبةً من إحدى المدارس الثانوية كعينة بحثٍ، حيث وقع عليهنّ الخيار بشكل عشوائي عنقودي، وأجبن عن استبيان مكون من عشرة أسئلة؛ وأما النتائج التي توصلوا إليها فقد دلّت على أنّ المعيار متقوم على عاملين هما الرؤية الشخصية بالنسبة إلى الحجاب ومدى الالتزام به، ومن ثمّ ثبت أنّه يحظى بتناسقٍ ذاتيٍّ مناسبٍ، حيث بلغت ألفا كرونباخ ما يعادل ٠,٨١٢. كما تمّ تقييمه عن طريق تصنيفه وفق أسلوب سبايرمان براون وغوتمان بمستوى ٠,٧٨١ و ٠,٧٨٠ في حين أنّه حظى بقبول من قبل الخبراء المختصين من حيث تحليل المضمون المناسب بنسبة ٩٥٪ وهو يعنى اعتبار الاستبيان المطروح.

كلمات مفتاحية: الالتزام بالحجاب، الاعتبار، المقبولية.

الآفاق المستقبلية لتكوين علم النفس اعتماداً على المباني القرآنية: مقارنة مقارنة-تحليلية

رحيم نارويي نصرتي / أستاذ مساعد في قسم علم النفس - مؤسسة الإمام الخمينيؑ للتعليم والبحث.

الملخص

جاءت المقالة التي بين يدي القارئ الكريم لهدف تقديم الآفاق المستقبلية لعلم النفس الإسلامي اعتماداً على المباني القرآنية في مقارنة مع الاتجاهات العامة في علم النفس. ولذلك قام الباحث بالرجوع إلى المصادر الإسلامية ولا سيما القرآن الكريم. واستخرج مباني علم النفس الإسلامي في الحقل الأنطولوجي، والأنثروبولوجي، والأبستمولوجي، واللاهوتي، والأكسيولوجي، والمنهجي، ومن ثمّ بادر بتحليل ومقارنة هذه المباني مع المباني السيكلوجية الموجودة اعتماداً على المنهج الوصفي التحليلي. حيث تشير نتائج الدراسة إلى أنّ هناك اختلاف أساسي بين علم النفس الإسلامي وعلم النفس الرائج في ستّة جوانب رئيسة هي عبارة عن: أ. الموضوع، ب. عوامل التغيير السيكلوجي وعملياته، ج. والنطاق، د. والهدف، هـ والمسائل، و. ومنهج الدراسة.

كلمات مفتاحية: الآفاق المستقبلية، تكوين علم النفس، المباني، المقاربة المقارنة التحليلية، الإيمان (الاعتراف النفسي).

النمط الهيكلي للعصائية: دور المخططات المبكرة غير التكيّفية، والحرص والحسد

السيد عباس ساطوريان / طالب دكتوراه في فرع علم النفس - مؤسسة الأخلاق والتربية للتعليم العالي.
 حسين رضائيان / ماجستير علم النفس - مؤسسة الإمام الخميني ﷺ للتعليم والبحث.
 علي صادقي سرشت / طالب دكتوراه في فرع علم النفس - مؤسسة الإمام الخميني ﷺ للتعليم والبحث.
 إنسيّة رضائي جل آبادي / طالبة ماجستير في فرع علم النفس السريري - جامعة آزاد الإسلامية فرع تشاوس.

الملخص

تعتمد هذه المقالة على المنهج الوصفي من نوع الترابط، وكُتبت لهدف عرض و اختبار نمط هيكلى لبيان العصائية اعتماداً على صفات الحرص والحسد وبالتركيز على الدور الوسيط للمخططات المبكرة غير التكيّفية. أما عينات البحث، فقد شملت ٣٨٤ طالباً من بين طلاب جامعة خمين، حيث اختيروا وفقاً للمنهج العشوائى لأخذ العينات وفى عدّة مراحل. واستخدم الباحثون قياس العوامل الخمسة الكبرى للشخصية، والمخططات المبكرة غير التكيّفية، والمقاييس الإسلامية للحرص والقناعة والحسد لجمع البيانات، كما اعتمدوا على منهج تحليل الخط الإحصائى لتحليل البيانات المتحصّلة. وتدلّ مؤشرات الكفاءة على أنّ النمط الأولى المقترح يحظى بكفاءة مناسبة ومقبولة. كما أنّ النتائج تشير إلى تأكيد الدور الوسيط للمخططات المبكرة غير التكيّفية بين جميع المتغيرات الخارجية والعصائية، وثمة علاقة ذات دلالة إحصائية بين جميع التأثيرات المباشرة عدا تأثير الحرص وبين العصائية. وتكشف نتائج الدراسة عن أنّ هناك خصائص نفسية أكثر عمقاً فى عينات البحث كالحرص والحسد مقارنة بالمخططات المبكرة غير التكيّفية، حيث تستلزم اهتماماً أكبر من قبل الأطباء السريريين وسائر المتخصصين والخبراء فى مجال الصحة النفسية.

كلمات مفتاحية: المخططات المبكرة غير التكيّفية، الحرص، الحسد، العصائية، تحليل الخط.

من الوعي بالله إلى ضبط النفس؛ اختبار نمط من خلال تطبيق تحليل الخط

عبد الله رحيمي / ماجستير علم النفس - مؤسسة الأخلاق والتربية للتعليم العالی.
 رحيم ميردريكوندي / أستاذ مساعد في قسم علم النفس - مؤسسة الإمام الخميني للتعليم والبحث.
 مسعود نورعليزاده ميانجي / طالب دكتوراه في فرع علم النفس العام - مؤسسة الإمام الخميني للتعليم والبحث.

الملخص

أجريت المقالة التي بين يدي القارئ الكريم لهدف الكشف عن العلاقة العلية ونمط الارتباط العلى بين الوعي بالله وضبط النفس من خلال وساطة الوعي الذاتى واحترام الذات بين النساء والرجال، وتعتمد على المنهج الوصفى من نوع الترابط، واستخدم الباحثون منهج تحليل الخط لتحليل المعطيات المتحصلة من المقاييس الأربعة وهى عبارة عن: مقياس الوعي بالله سبحانه وتعالى، ومقياس ضبط النفس، ومقياس معرفة النفس التكاملى، ومقياس احترام الذات. وأجريت الدراسة بشكل متزامن على ٣٢٢ طالباً من بين طلاب جامعة المصطفى العالمية، وجامعة الزهراء كعينات البحث، حيث تم اختيارهم من خلال المنهج العنقودى لأخذ العينات. وتشير نتائج الدراسة إلى وجود علاقة إيجابية وذات دلالة إحصائية بين الوعي بالله سبحانه وتعالى وضبط النفس من خلال وساطة معرفة النفس واحترام الذات، كما تدل النتائج على الكفاءة المناسبة لهذا النمط العلى ونموذج تحليل الخط من الوعي بالله إلى ضبط النفس من خلال وساطة معرفة النفس واحترام الذات. وعليه، فيمكن بيان أثر الوعي بالله سبحانه وتعالى وذكره فى ضبط النفس عن طريق عملية معرفة النفس وعملية احترام الذات.

كلمات مفتاحية: الوعي بالله، ضبط النفس، معرفة النفس، احترام الذات، تحليل الخط.

الدور الوسيط لضبط النفس في علاقة التعلق بالله مع أداء الأسرة عند المتزوجين بمدينة قم

أحمد عرفاني / ماجستير علم النفس الإسلامي - مؤسسة الأخلاق والتربية للتعليم العالي.
باقر غباري بناب / أستاذ بكلية علم النفس والعلوم التربوية - جامعة طهران.
حميد رفيعي هنر / طالب دكتوراه في فرع علم النفس - مؤسسة الإمام الخميني للتعليم والبحث.

الملخص

جاءت المقالة التي بين يدي القارئ الكريم لهدف دراسة الدور الوسيط لضبط النفس في علاقة التعلق بالله تبارك وتعالى مع أداء الأسرة. وللحصول على الهدف المذكور أنفاً قام الباحثون بالاعتماد على المنهج الوصفي من نوع الترابط باختيار ٤٦١ شخصاً من بين المتزوجين الذين يسكنون في المجمّعات السكنية بمنطقة برديسان في مدينة قم وذلك عن طريق المنهج العرضي لأخذ العينات. واستخدم الباحثون لجمع البيانات استبيان التعلق بالله سبحانه وتعالى، واستمارة قياس ضبط النفس ومقياس الأسرة، كما اعتمدوا على اختبار معامل الارتباط لبيرسون ومنهج تحليل الخط (في برنامج إيموس) لتحليل البيانات. وتؤكد نتائج الدراسة الدور الوسيط لضبط النفس في علاقة كيفية التعلق بالله سبحانه وتعالى مع أداء الأسرة بشكل التوسط الضئيل، كما تدلّ نتائج الدراسة على أنّ ثمة علاقة سلبية وذات دلالة إحصائية (بنسبة ٠/٤٥- و ٠/٤٦- على التوالي) بين التعلق الآمن بالله سبحانه وتعالى وضبط النفس مع الأداء غير السليم للأسرة. وثمة علاقة إيجابية وذات دلالة إحصائية (بنسبة ٠/٣٤) بين التعلق الآمن بالله سبحانه وتعالى وضبط النفس. ويمكن استخدام نتائج الدراسة لتصميم رزمات تعليمية لرفع مستوى أداء الأسرة عن طريق نوعية وجودة التعلق بالله وضبط النفس.

كلمات مفتاحية: وظيفة الأسرة، أداء الأسرة، التعلق بالله سبحانه وتعالى، ضبط النفس، تمالك النفس.

دور العمل بالمعتقدات الدينية في التنبؤ بالكفاءة الذاتية، ومتوسط العمر المتوقع عند النساء المطلقات

إسماعيل أسد بور / أستاذ مساعد في قسم الاستشارة والإرشاد - جامعة خوارزمي.
عبد الرحيم كسائي / أستاذ مساعد في قسم الاستشارة والإرشاد - جامعة خوارزمي.
شيما سادات بروقي / طالبة دكتوراه في فرع علم النفس - جامعة آزاد الإسلامية فرع العلوم والأبحاث.

الملخص

تهدف المقالة التي بين يدي القارئ الكريم إلى دراسة دور العمل بالمعتقدات الدينية في التنبؤ بالكفاءة الذاتية ومتوسط العمر المتوقع عند النساء المطلقات. وتعمد الدراسة على المنهج الوصفي من نوع الترابط. أمّا عيّنات البحث، فقد شملت جميع النساء المطلقات في مدينة كرج في الأشهر الثلاثة الأولى من عام ١٣٩٤ هـ ش اللّاتي راجعن إلى مركز استشارة الطلاق في محكمة الأسرة بمدينة كرج، حيث اختيروا ٢٧٨ شخصاً من بينهنّ وفق المنهج الطوعي العرضي لأخذ العينات. وأجابت عيّنات البحث عن الأسئلة الموجودة في اختبار متوسط العمر المتوقع، ومقياس الكفاءة الذاتية العامة، واستبيان معبد. واستخدم الباحثون اختبار معامل الارتباط لبيرسون واختبار تحليل الانحدار المتعدد لدراسة وتحليل البيانات المتحصّلة. وتشير نتائج الدراسة إلى أنّ هناك علاقة إيجابية بين السلوك الديني الجماعي، والسلوك العملي، والسلوك الديني وبين الكفاءة الذاتية. كما يتنبأ السلوك العملي، والسلوك المذهبي الجماعي، والسلوك الديني بتباين الكفاءة الذاتية بنسبة ٨.١. كما أنّ هناك علاقة إيجابية بين المعتقدات الدينية، والسلوك الديني الشخصي، والسلوك الديني الجماعي، والسلوك العملي وبين متوسط العمر المتوقع، ويتنبأ السلوك العملي، والسلوك الديني الشخصي، والسلوك الديني الجماعي بتباين متوسط العمر المتوقع بنسبة ١٦.١. وعليه، فينبغي للاستشاريين والمعالجين أو المؤسسات المعنية بشؤون المرأة التطرّق إلى حلول تعزيز المعتقدات الدينية حتى لا يواجه مستوى متوسط عمرهن المتوقع، وكفاءتهن الذاتية انخفاضاً صارماً عند المواقف الصعبة كالطلاق.

كلمات مفتاحية: الكفاءة الذاتية، متوسط العمر المتوقع، العمل بالمعتقدات الدينية، النساء المطلقات.

Table of Contents

Constructing and Validating the Scale of Committing to Hijab / <i>Mohammad Zarei Tupkhneh / Abbas Ali Haratiyan / Hadi Irshad Husseini /</i> <i>Muhammad Sadeq Shuja'i</i>	7
The Outlook of Formation of a Psychology Based on the Quranic Foundations: A Comparative-Analytical Approach / <i>Rahim Narooie Nusrati</i>	19
The Structural Model of Neurosis: the Role of Initial Maladaptive Schemas, Greed and Envy / <i>Sayyid Abbas Satouriyan / Hussein Reza'iyen</i> <i>Ali Sadeqi Seresht / Ensiya Reza'I Gol-Abadi</i>	37
From God-awareness to Self-control; The Test of a Model through the Path Analysis / <i>Abdullah Rahimi / Rahim Mirdirikvandi / Mas'ud Nur-Alizade</i> <i>Mianji</i>	59
The Mediating Role of Self-control in the Relationship between Attachment to God and Family Functioning / <i>Ahmad 'Irfani / Baqir Ghubari Bonab / Hamid</i> <i>Rafi'ee Humar</i>	81
The Role of Practicing Religious Beliefs in Predicting Self-efficacy and life Expectancy among Divorced Women / <i>Isma'il Asad-Pur / Abdul-Rahim</i> <i>Kasa'i / Shima Sadat Burqa'i</i>	97

In the Name of Allah

Islam & Psychological Research

Vol.2, No.6

A Quarterly Journal of Psychology

Autumn 2016

Proprietor: Akhlaq & Tarbiat High Education Institute

Managing Director: Dr. Mohammad Javad Zarean

Editor in Chief: Dr. Mohammad Reza Ahmadi

Deputy Editor: Abbas Ali Haratiyan

Executive Secretary: Hadi Ershad Hussein

Editorial Board:

- ☐ **Dr. Hadi Bahrami Ehsan:** *Tehran University*
- ☐ **Hujjat ul-Islam Dr. Mohammad Javad Zare'an:** *Academic Institute for Ethics And Education*
- ☐ **Ayatollah Sayyid Mohammad Gharavi Rad:** *Research Institute of Hawza Wa Daneshgah*
- ☐ **Dr. Ali Fathi Ashtiani:** *Baqiyatallah University*
- ☐ **Hujjat ul-Islam Dr. Mohammad Kaviani:** *Research Institute of Hawza Wa Daneshgah*
- ☐ **Dr. Mahmood Golzari:** *Allameh Tabataba'i University*
- ☐ **Hujjat ul-Islam Dr. Rahim Narouei:** *IKI*
- ☐ **Hujjat ul-Islam Dr. Mahmood Nozari:** *Research Institute of Hawza Wa Daneshgah*

ADDRESS:

The High Institute of Ethics and Education

No. 13, Shahid Shahbazi Street, Shahid Sadooqi Blvd, Qom, Iran

Postcode: 3716715545

Tel: +9825332918444

Fax: +982532922239

www.ipr.ueae.ir

ipr@ueae.ir

فرم اشتراک فصل نامه

مشخصات متقاضی حقیقی

نام خانوادگی: نام:
میزان تحصیلات: رشته تحصیلی:
مبلغ واریز شده: تاریخ و شماره فیش بانکی:
آدرس و کدپستی:
صندوق پستی: تلفن:

امضاء متقاضی

مشخصات متقاضی حقوقی

نام مؤسسه: واحد درخواست کننده:
مبلغ واریز شده: تاریخ و شماره فیش بانکی:
آدرس:
کدپستی صندوق پستی:
تلفن: دورنگار:

امضاء مسئول و مهر مؤسسه

از متقاضیان حقیقی و حقوقی دریافت مجله درخواست می شود پس از تکمیل فرم اشتراک، هزینه مربوطه را به شماره حساب ۱۰۳۵۷۰۴۰۳۰۰۰ بانک صادرات شعبه صندوقی، بنام «مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت» واریز نموده و اصل یا تصویر فرم اشتراک و فیش بانکی را بوسیله پست، دورنگار یا ایمیل به دفتر فصل نامه ارسال نمایند.

حق اشتراک سالیانه برای دانشجویان ۱۶۰/۰۰۰ ریال و تک شماره ۴۰/۰۰۰ ریال
حق اشتراک سالیانه برای مؤسسات ۲۰۰/۰۰۰ ریال و تک شماره ۵۰/۰۰۰ ریال